

بهای مجله فقط 1 پوند

آمریکا 2 دلار

اروپا 1/5 یورو

زندگانه

شماره ۱۰۱۶ - شماره مخصوص ژانویه - فوریه



مرفهای گوهوش در مورد مهرداد آسمانی !!

تختی ۳۹ سال قهرمان قلبا



ناصر ملک مطیعی سکوت را می شکند



بزرگترین شو جواهرات مظفریان در ابو ظبی چشمهای جهانیان را خیره کرد

MOZAFARIAN
Three Centuries of Fine Art in Jewellery





MAHAN FOOD LTD

بمناسبت
دهمین سال همکاری



آخرین کلام در انتخاب بهترینها



برنج باسماتی رویال مهیار
ویژه رستورانها و هر آشپزخانه ایرانی
محتوی یک گرم زعفران خالص مجانی



ماهان

نامی قابل اعتماد در تهیه و تولید مواد غذایی در خارج از کشور

شرکت ماهان با عرضه بهترین اجناس ایرانی اعم از سبزیجات خشک، ترشیجات، شیرینی های ایرانی، انواع آجیل و خشکبار، زعفران، مرباجات و هر هفته خرماي تازه، برنج باسماي مهيار و پلوپز شهرزاد، بستنی و فالوده اصیل ایرانی و چای احمد، همچنین ارایه محصولات شرکت های یک یک، ساناز، مهیار در خدمت هموطنان عزیز است.

سس و کالباس باب طبع ایرانیان



بستنی، فالوده و دوغ گازدار سنتی

در تمامی اروپا شهره عام و خاص است

سفره خود را با محصولات ماهان رنگین کنی



MAHAN FOOD Ltd
21A, DRAGOR ROAD
LONDON NW10 6JN

Tel: 020 8963 0012 Fax: 020 8963 0090

ESSI'S DRY CLEANING



خشکشویی اسی

با بهترین سرویس در خدمت هموطنان عزیز

شما لباسهای شب؛ جیر و چرم خود را با خیال آسوده تحویل ما دهید و مطمئن باشید با آخرین دستگاه های مدرن خشکشویی و آن را تحویل شما خواهیم داد

ضمناً شما می توانید از سایر سرویس های ما استفاده نمائید

کلید سازی

تعمیرات کفش

تعمیرات : رفو و کارهای خیاطی

سرویس تمیز کردن فرش و موکت

سرویس پرده شویی و مبیل شویی

ضمناً می توانید از تخفیف ویژه

۱۰٪ ما هم بهره مند شوید



Address: 7 KILBURN HIGH ROAD NW6 6HT

TEL:02073280798

MOBIL:97838164700

سرویس مجانی رساندن سفارشات شما به منزلتان در منطقه لوکال

۷ نوع دستگاه جدید لیزر و IPL
برای زیبایی پوست شما

کلینیک زیبایی

دکتر عباس شیرافکن، دکتر ویلیامز و دکتر لورن و بیوتراپیستهای با سابقه

- ۱- لیزر برای از بین بردن مو: صورت £55 زیر بغل £40 چانه £30 بالای لب £20 بیکنی £45 پا £140 پشت و یا سینه و شکم آقایان £95 پشت گردن £30 گونه ها £30
 - ۲- تزریق بتاکس در ناحیه پیشانی و اطراف چشم، اطراف دهان و کنار بینی برای از بین بردن چروک از £195 به بالا. بزرگ کردن لب 250
 - ۳- از بین بردن مویرگهای قرمز £35 لایه برداری پوست صورت £35 جوان کردن پوست
 - ۴- تمیز کردن صورت از 16 الی 50 کلیه درمانهای زیبایی الکترولیز £5, Waxing £18, Full legs
 - ۵- لایه برداری پوست صورت ۳۵ پوند
 - ۶- Contact Lens, Freshlook رنگی برای ایرانیان ۱۰ پوند
 - ۷- جدیدترین مدلهای آرایش و رنگ مو انواع کوتاه کردن مو و آرایش عروس پوت آپ
- کلیه درمانها طبق خواسته شما توسط متخصصین خانم و یا آقا در اطاق خصوصی انجام می گیرد

(Free Consultation)

مشاوره رایگان توسط دکتر عباس شیرافکن

همه روزه از ساعت ۷-۴ بعد از ظهر و شنبه ها تمام روز در کلینیک Lemoge واقع در Kilburn

LEMOGE CLINIC

Beauty Treatments, Botox, Laser/IPL+Filler
Tanning & Slimming Treatments
Dermological

191 Kilburn High Road
London NW6 7HY (near Bingo)
020 73720044 – 020 73724433
Mon-Fri 9:30 – 7
Sat 9-6 / Sun 10-5:30

QUEENS PARK CLINIC

BEAUTY & SLIMMING Treatments
Hair Dressing & Tanning
LASER / IPL & BOTOX
Guinot & Dermological
47 Salsbury Road NW6 6NJ
(Opposite Queens Park Station)
020 79120920- 020 76043124
Mon-Fri 9:30 – 7
Sat 9-6 / Sun 10-5:30



Beauty Clinic

222 West End Lane
West Hampstead NW6 1UU

020 74359703

ضمنا ما به کادر زیبایی و مو نیازمندیم



خدمات ارزی پرشیا

Tel: 020 7483 0012

Mobile: 07974 784 790

Fax: 020 7722 5673

Dubai: 0097 150 658 7062

در جواهری

Haideh's Happy Gems, 8a Northways Parade (Argos روبروی)
Finchley Road, Swiss Cottage, London NW3 5EN



با مدیریت

محمد توکلی

Licence
No:

1
2
1
3
7
1
3
8
0
0
0
0
0

۵۰ سال در صنعت جواهر

با ۲۵ سال سابقه خدمات ارزی و بازرگانی در انگلستان و

goldenphone

Digital Communication



گلدن فون



Nokia 6021

۸۰۰ دقیقه مکالمه

در هر زمان

و ۲۰۰ تکست

رایگان هر ماه

£19.50*

FREE BROADBAND (Up to 8MB/S)*

FREE UNLIMITED CALLS*

FREE INTERNATIONAL CALLS*

BUY ONE ,GET FREE*



Siemens C72



Samsung D900



Motorola KRZR K1



Sony Eric. W850i



Nokia 8800 Sirocco

020 8434 0561

020 8434 0562

دفتر

020 8434 0563

فکس

07958 181 878

مسعود

07950 111 222

اردوان

برای آگاهی از جدید ترین و بهترین تعرفه ها و مدل های

گوشی موبایل با کارشناسان فارسی زبان ما تماس بگیرید

و یا به وب سایت www.goldenfone.co.uk

مراجعه نمایید

**Address: 1, Olympic Way ,
Wembley , Middlesex , HA9 0NP**



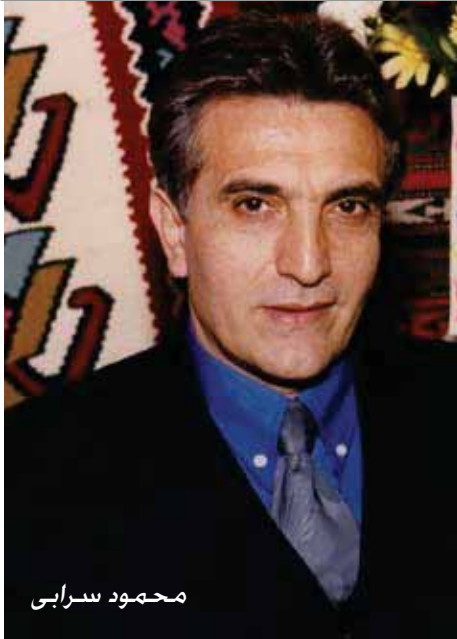
•T• Mobile



* Terms & conditions apply, Call us for details
. Offer available for a limited period only

www.goldenfone.co.uk

همه در یک قایق هستیم



محمود سرابی

وجدان هر شخص است که حداقل خودش می داند چه کاره است
هزاران کیلومتر سفر با ملاقاتهای بیشمار گنجینه تجربیات من است که در زندگی از آن دست مایه ای با ارزش خواهم ساخت و در باره خوب و بدش خواهم نوشت

تسلیت

دوست عزیز آقای سعید اطلس

در گذشت پدر بزرگوار تان را به شما و خانواده محترم اطلس تسلیت می گویم و خود را در غم شما شریک

و سهیم می دانم

محمود سرابی

فرق میان برخوردهای دروغین و متظاهر را با محبت های واقعی به راحتی تشخیص می دهم تفاوت آدمهای دروغگو و حقه باز و زبان باز را با انسانهای والا و شریف و مطمئن در می یابم در این سفرها با آدمهای زیادی آشنا شدم و دوستان گذشته بشمار می را در محک آزمایش بررسی نمودم تو خالی بودن بعضی از دوستی های گذشته خیلی زود بر ملا شد و در عوض دوستان جدیدی یافتیم که گویی سالهاست با آنان الفتی دیرینه دارم انسانهای ارزان و گنجشک روز خوری دیدم که برای چندر غاز پول کم اهمیت چگونه چون مرداری در منجلا ب زندگی خویش دست و پا می زنند و در عوض انسانهای وارسته ای که شخصیت و معرفت شان از هر حساب سپرده ای غنی تر و افزون تر است سفرهای من خیلی چیزها به من آموخت که زندگی فقط در محدوده کوچک جغرافیای محل زندگی نیست در هر سفری حکایتی آموزنده نهفته است و این سفرها ست که نقاب بر چهره ها را بهتر می شناسی و آن زمان با اطمینان و جرات بیشتری میتوانی از انسانهای بد نام و نشان بنویسی و به دیگران هم معرفی کنی و انسانهای شایسته را هم نشان دهی و اما آنچه باقی می ماند قایقی بر موجهای زندگی در غربت است که همه ما مسافران آن هستیم و در این حرکت دسته جمعی هر کس خود معرفت واقعیت های ذاتی و درونی خویش است و عملکرد هر کس شناسنامه هویت اوست و در این طبقه بندی انسانی ایرانی نه دادگاه و پلیسی در کار است و نه حکم و قضاوتی وجود دارد معیار در محکمه

سفرهای هر ماهه من به کشورهای مختلف اروپا تجربیات بسیار ارزنده ای به بار آورده است و شناخت بیشتری در باره احوالات هموطنانمان به دست آوردم امروز من فکر میکنم ماهیت و هویت ما ایرانیان دست خوش تغییراتی عمده از لحاظ رفتاری و کرداری شده است که شاید خودمان هم متوجه نباشیم آنچه معیار شناخت این تغییرات یا عوض شدنهای اخلاقی در میان ماست بیشتر شامل حال افرادی بالای چهل سال میشود که حداقل چیزهایی از دوران قبل از انقلاب را به یاد می آورند که در میان مردم صفاتی به خوبی و نیکی وجود داشت پول همه چیز و همه کس نبود ارزشهای انسانی و ایرانی جایگاهی ویژه داشت قول و قرارها بر آب نوشته نبود حرمت و احترام نزد مردم مهم شمرده میشد محبت و دوستی رایج ترین پل ارتباطی انسانها بود. ولی امروز به یمن وجود انسان نماهای پلید جمهوری اسلامی که حکومت گران آن بویی از انسانیت و معرفت و شرافت و اخلاق نبرده اند چنان معیارها و ارزشهای اخلاقی - معنوی در میان ایرانیان بخصوص نسل جوان به نابودی کشانده اند که باید نگران بود که اگر اینان فقط چند سال دیگر حکومت کنند چه بر سر اینان خواهد آمد؟ آنچه باعث قوت قلب و تسلی خاطر میشود به بخشی از نسل گذشته قبل از انقلاب بر می گردد که وقتی فرزندان امروز آنان هم هنوز پایبند به آن ارزشهای سنتی اجتماعی هستند هنوز حرارت قلبهای مهربان شان بوی نای بی معرفتی حکومتی را نگرفته است چون یک روانشناس تجربی به دور و برم نگاه می کنم

سایت اینترنتی رنگارنگ

www.rangarang.co.uk

در این وب سایت مجموعه ای از خواندنیهای و مطالب جالب را خواهید یافت

تلفن جدید 020 7 60 44 266

P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS

Tel: 020 8731 9333

Fax: 020 8731 1992

Email: rangarang_London@hotmail.com

(زیر نظر شورای نویسندگان)

رنگارنگ هر ماه منتشر می شود

مدیر و سردبیر: محمود سرابی



سوپروشیرینی سرای هازندران

مفتخر به دریافت لوح تقدیر بهترین فروشگاه در منطقه ایلینگ از طرف شهرداری منطقه



قهوه خانه سنتی و ساندویچ ایرانی نارج

معجون ، شیروموز ، آب طالبی ، فالوده ، بستنی ، آب هویج

قلیان ، دیزی سنگی ، کله و پاچه ، حلیم ، چای سنتی و کلیه ساندویچ های ایرانی

در محیطی سنتی و خانوادگی در خدمت هموطنان عزیز می باشد



شیرینی سرا

159 UXBRIDGE ROAD
WEST EALING W13 9AU
Tel:020 8579 9500



قهوه خانه سنتی

201 UXBRIDGE ROAD
WEST EALING W13 9AA
Tel:020 8840 5912



بین کسانی که اسم بردم و مهرداد هست اما اون ها شاید کارشون رو با من شروع کردن. اما مهرداد کارش رو با من شروع نکرد. من استعداد های بیشتری و توانائی های بیشتری و خلاقیت های بیشتری از مهرداد رو کشف کردم. یا شاید مهرداد جای بروز خلاقیت هاش رو پیدا کرده.

در این جا هما احسان می پرسد: شاید هم او گوگوش رو کشف کرده؟

گوگوش پاسخ می دهد: این هم نکته ای است که مطمئنا این طوره یعنی فکر می کنم مهرداد جای صدای من رو پیدا کرده. اوج و حضیض صدای من رو پیدا کرده.

هما احسان می پرسد: این درسته که تو در آثار و آهنگ هایی که مهرداد ساخته اوج بیشتری از صدای خودتو نشون دادی و نوت هایی رو خوندی که قبلا نمی خوندی؟ درسته؟

گوگوش می گوید: بله. و من نمی دونستم. مهرداد به من گفت

حرفهای گوگوش در مورد مهرداد آسمانی !!

اما نکته ی سختم این جا است که اگر انتخابم در اون زمان درست بود و خطا نکردم. که نکردم. بهترین هنرمندانی رو که امروز به موسیقی شون. به اشعارشون افتخار می کنم و ترانه ها و آهنگ های اوناس که منو ساخته. امروز هم باور کنید که اشتباه نمی کنم در مورد مهرداد. مهر داد بسیار بسیار هنر بسیطی داره. هما احسان می پرسد: یعنی چه؟ و گوگوش ادامه می دهد: یعنی توی محدوده ی کار من که موسیقی است. ترانه خوانی است. اجرا است. ضبطه. تصویر برداریه. تنظیمه. مدیریته. ادارس. یعنی اداره ی یک فرمتی را داشتن. بعده داشتن. اینا همش جمع شده توی مهرداد آسمانی. هر آنچه بگم شاید هنوز کم گفتم.

هنرمندی است بسیار بسیار توانا در خیلی از زمینه های هنری که شاید هنوز بعضی از استعدادش و خلاقیت ها شو کسی کشف نکرده باشه. اما من کشف کردم. البته این رو لازمه بگم که زمانی که من با شهیار قنبری. با حسن شماعی زاده. یا با دیگرانی که کارشون رو برای اولین بار اجرا کردم. اونها کارشون رو با من شروع کردن. اما مهرداد آسمانی قبل از این که من به آمریکا پیام و خیلی سال قبل. شاید ۱۳ سال قبل. در این جا به شهرت رسیده و کار خوانندگیش رو طی این سال ها دنبال کرده. ۷-۸ آلبوم به بازار داده. و برای تقریبا همه ی خواننده ها آهنگ ساخته. یعنی این تفاوت

چنین است: گوگوش ابتدا چگونگی آغاز همکاریش را با شعرا و آهنگسازان گذشته تشریح می کند. او از شهیار قنبری می گوید که اولین ترانه اش را با نام ستاره آی ستاره برای گوگوش که در آن زمان ۱۸ سالش بود ساخت. از جوان ۱۹-۲۰ ساله دیگری به نام ایرج جنتی عطائی می گوید که قبل از شهیار قنبری برایش شعر می ساخت. از حسن شماعی زاده می گوید که در سن ۱۷-۱۸ سالگی در اصفهان کلارینت می زد و در همان جا به گروه دو سه نفری نوازندگانی که همراه گوگوش بودند پیوسته بود و یکی از اولین کارهایش را به نام شهرزاد قصه گو برای گوگوش ساخته بود و در این جا گوگوش چنین ادامه می دهد:



سوپر سهند با مجموعه ای از آنچه مورد نیاز یک خانواده ایرانی است هفت روز هفته در خدمت شماست

وارد کننده مستقیم مرغوبترین
تولیدات غذایی از ایران



سوپر سهند

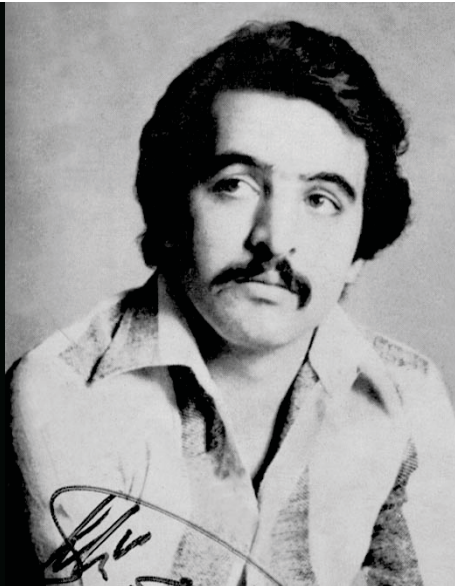
انواع شیرینیجات ترو خشک - میوه و سبزیجات تازه
غذاهای کنسرو شده ایرانی با مارک های معروف و شناخته شده
ترشیجات و ادویه جات مختلف
کلیه کاستها سی دی و فیلم های ایرانی انواع قلیان و پلوپز

74 Ballards Lane, Finchley Central, N3
Tel: 020 8343 3279

مراحل ساخت) در خلوت فریدون شکل گرفته. مسلماً با نواقصی هم همراه است. اما به هرحال فریدون فروغی نزد مخاطبان ایرانی آنقدر عزیز هست که خواندن سروده ای از او خالی از لطف نخواهد بود. ضمن این که آرزوی آزادی صدای او و در دست رس قرار گرفتن انبوه آثار ناشنیده مانده این هنرمند. همواره آرزوی قلبی هواداران پرشمار او بوده است. چیزی که هنوز با پافشاری عجیب سیاست گذاران مرکز موسیقی اداره ارشاد بر عدم صدور مجوز صدای فروغی، محقق نشده و در حالی که می بینیم بسیاری از کارهای هم دوره ها و هم تایان او منتشر شده اند. صدای کوبنده فریدون فروغی همچنان غیرمجاز است. غیرمجاز!

برادر

برادر. دست هایت را به من ده
به راه تازه ای با من قدم نه
برادر. بعد این تلخی جانسوز
بیا بحرم بشو غمخوار و دل سوز
به عمری ظلم - از بیگانه دیدیم
چه تلخی ها که از دوران چشیدیم
ولی حالا زمان غمگسارست
زمان مهربانی ها و یاریست
به اهریمن ز کینه پشت کردن
تمام خشم خود را مشت کردن
درون از چرکی و از کینه شوییم
به هرجا قطعه ها از مهر گوئیم
چه خوش باشد محبت های یاران
محبت های پاک غمگساران...



«برادر» حاصل رخ های این خواننده خاموش و دغدغه هابیسست که او در آن ایام و پشت میله های کچویی در دل داشت. این سروده فریدون بعدها با ملودی زیبایی - که آن هم از آثار خود اوست - اجرا و متأسفانه حالا در کنار سایر ترانه های منتشر نشده او، آرشیو شده و همچنان ناشنیده مانده است. جالب است بدانید متن اصلی دست نوشته فروغی پشت تکه کاغذی نوشته شده که سربرگ زندان کچویی را دارد؛ بازی روزگار را ببینید که باعث شده ترانه ای که در آن حرف از محبت یاری و مبارزه با بندهاست. در کاغذهای اداری محبس شاعر به رشته تحریر دربیاید! ناگفته پیداست چون این ترانه (در کلیه

برادر. ترانه منتشر نشده ای از فریدون فروغی

«فریدون فروغی» (۱۳۲۹-۱۳۸۰) خواننده صاحب سبک و پرآوازه ای بود که با خواندن ترانه هایی چون «آدمک» و «پروانه من» کار حرفه ای خود را آغاز و بعد با کارهایی چون «نیاز»، «ماهی خسته»، «زندون دل»، «سال قحطی»، «غم تنهایی»، «همیشه غایب»، «قوزک پا» و... محبوب قلب چند نسل از ایرانیان شد.

فروغی در گرماگرم انقلاب ۵۷. کارهای دیگری چون آلبوم شبیه کنسرت «با آغازی نو» (که در استودیو صبا و با حضور جمع کوچکی از دوستانش ضبط شد) و همچنین ترانه های خاطره انگیزی مثل «یار دبستانی»، روند تازه ای را در پیش گرفت؛ حرکتی که با آغاز منوعیت فعالیت هنرمندان معروف پیش از انقلاب. به محاق کشیده شده و فروغی هم به جمع ممنوع الصداها پیوست.

او که در دوران رژیم پهلوی دو بار به دلیل خواندن ترانه های «باز» (که بعد از سانسور. به نام «نیاز» و با تغییراتی بازخوانی شد) و «همیشه غایب» به ساواک احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود و حتی بین سال های ۱۳۵۴ تا ۵۶ رسماً ممنوع الصدا شد؛ پس از انقلاب هم دو بار و مجموعاً چهار سال به زندان افتاد که یک نوبت آن در «زندان کچویی» سپری شد. ترانه



اگر راه شیراز برای تو دوره

سوپر شیراز در قلب ادمونتون راهها را نزدیک کرده

سوپر شیراز با مجموعه کاملی از

بهترین مایحتاج خانواده های ایرانی در

شمال لندن در منطقه ادمونتون

در خدمت شماست

SHIRAZ MARKET

IRANIAN & CONTINENTAL FOOD & VEG & OFF LICENCE

TEL: 020 8805 9841

270 HERTFORD ROAD , EDMONTON N9

پس از سالها ناصر ملک مطیعی سکوت را می شکند



خودم از فیلم پل و قیصر خیلی خوشم می آید اگر مکن هست در مورد این فیلم ها بگویید. این فیلم ها فیلم های جوان پسندی بودند و چون هم موضوعی اجتماعی داشتند مورد توجه جوانان قرار گرفتند.

س: در چهار یا پنجمین سال درگذشت فردین که از شبکه شبخیز پخش می شد. می گفت که ناصر ملک مطیعی. فردین را به سینما آورد. درست است؟

درست هست من فردین را به سینما آوردم ولی خدا بیامرز فردین با علاقه و پشت کاری که داشتند موفق شد ولی نه به ایطوری که اینها می گویند.

س: در آخر برای خوانندگان ما چه می گویند؟ من خیلی خوشحالم که هنوز مورد توجه مردم قرار دارم و در آخر برای تمام ایرانیان سربلندی و موفقیت آرزو می کنم.

ما هنرمندان زیادی داریم که اکنون در میان ما نیستند مثل زنده یاد محمدعلی فردین. زنده یاد دلکش. زنده یاد هابده. زنده یاد ویگن. زنده یاد زنده سوسن. زنده یاد آغاسی و ...

چون محل کار ناصر ملک مطیعی بود نمی خواستم مزاحمش شوم من به استاد گفتم که امکان دارد هر سال شما را ببینم و مختصری با هم گپ بزنیم و استاد با خنده گفت: هر سال دور است. زودتر بیایید. متوجه منظورش نشدم ولی نگرانش شدم.

س: آقای ناصر ملک مطیعی از خوتان بگویید؟ من متولد ۱۳۰۹ هستم از سال ۱۳۲۷ مشغول کار فیلم بودم و اولین فیلم من با نام ولگرد فیلم برداری که با موفقیت رو به رو شد و آن موقع که میدان سینما خالی بود و این فیلم ها هم ریخت و قواره ایرانی داشت. مورد توجه قرار گرفت و معروفیتی برای بنده کسب کرد و همیشه هم نسبت به مردم حق شناس بوده ام به خاطر این همه محبتی که به من دارند و خدا را شکر این محبت و دوستی تا الان هم ادامه دارد و مردم به من احترام می گذارند و این برای من گنجینه ای هست که از هر ثروتی بالاتر است. و امیدوارم شایسته این جایگاهم باشم.

س: چه کسی سینما را به شما معرفی و به سینما آورد؟

به آن معنا نه ولی من خودم به سینما علاقه داشتم و از مدرسه با انجمن های نمایشی و ورزشی همکاری داشتم و به هر حال کار خدا بود.

س: با چه کارگردانی راحت بودید و دوست داشتید با او کار کنید؟

آن موقع درست و حسابی نه کارگردان مشخص بود و نه نویسنده و می گفت از همه راضی و همه را دوست دارد.

س: آقای ملک مطیعی از فیلم های قبل از ۵۷ و اولین فیلمی که دیدم فیلم میهمان بود و من

س: نظرتان در مورد کار جدید آقای ایرج قادری (آواربوم) چیست؟

من الان اصلا به سینما نمی روم و فیلم زیاد نمی بینم ولی با این امکاناتی که الان هست باید خیلی خوب کار کنند و درباره ایرج قادری هم گفت که: آقای قادری همیشه موفق و اگر کاری انجام می دهد حتما خوب است.

س: چه خواننده مرد و چه خواننده زن را دوست دارید؟

از زنان دلکش. من با دلکش در چند فیلم هم بازی کرده و خواننده پر آوازه شهر ما بود به همین خاطر دلکش را دوست دارم. و از خواننده های مرد هم استاد اکبر گلپایگانی.

خدمات ارزی و بازرگانی

راوندی

RAVANDI TRADE & FINANCE CO. Ltd

نامی مطمئن و آشنا

دفتر مرکزی لندن:

Tel: 020 - 7499 5455

Fax: 020 - 7629 2974

Oxford Street, 24 North Audley St
London W1K 6WD

Under New Licence No. 12113380

e-mail: jravandi@btconnect.com

دوبی:

Tel: (9714) - 22 72 765

Fax: (9714) - 22 77 920

email: ravandi@emirates.net.ae



سوسن توسط جمیله رقصنده هنرمند به کافه های مجلل ترپایش باز شد

سوسن زنی با شخصیت بود و هیچ وقت گذشته خود را فراموش نکرد و همیشه یار مستمندان بود. او در تأسیس چند پرورشگاه سهیم بود. او سرپرستی چندین کودک بی سرپرست را مادرانه بعهده گرفت. او با دیدن هر فقری اختیارش را از دست می داد و توشه و مزد زحماتش را بین آنان تقسیم می نمود. او درد فقری و نداری و بی کسی و زندگی پرورشگاهی را چشیده بود. سوسن نامش گل اندام طاهرخانی بود متولد اردیبهشت ماه ۱۳۲۱ در قصر شیرین. نام پدرش ابراهیم نام مادرش بلقیس بود. بعد از از دست دادن پدرش در یک حادثه تصادف که خودش هم مجروح گشت به اتفاق مادرش به تهران آمد

و عازم شهر ری شد و به علت فقر مادرش در ماشین دودی آن زمان به آواز خوانی می پرداخت و دخترک بیچاره پول جمع می کرد. مردم به سوسن که دارای چشمان ریز و کم بینش دلسوزی می کردند بیشتر پول می دادند مادر او که در مدیحه سرایی و ذکر علی علی و حسین حسین مهارت خاصی داشت. در اجتماعات آن محل جمع می شد آنان در کاروانسرای در بازار شهر ری زندگی می کردند و مادرش بعلت بیماری وبا با زندگی وداع گفت. سوسن نزد زنی تنها که به او عمه می گفت در آن کاروانسرا زندگی کرد. در همسایگی آنان زنی

بود که در کافه ها می خواند و بعضی وقتها سوسن را با خود به کافه می برد و کم کم او هم با شبی دو تومان شروع به کار کرد. بعد از گذشت چند ماه عمه ناتنی او از وضعیت سوسن مطلع شد و پس از درگیری کار آنان به کلانتری کشید

آن روز سوسن ۱۲ سال بیشتر نداشت و با توضیح وضعیت و شرح حال خود از آن عمه ناتنی توسط پلیس وقت جدا شد و به یک پرورشگاه در خیابان مولوی سپرده شد

کم کم پا به عرصه خوانندگی و تقلید ترانه های دلکش و قمر و ملوک ضرابی پرداخت و با نام ویکتور در یک کافه با شبی پانزده تومان مشغول به کار شد و پس از چندی رشید مرادی آهنگساز کوچه بازار با او آشنا شد و او را به کافه دیگری برد و نام هنری سوسن را برای او انتخاب کرد

آقا رضا سهیلای معروف که دارای چند کافه در لاله زار بود از او خواستگاری کرد ولی او جواب رد داد. با گذشت زمان پایش به رادیو باز شد و سپس به مهمانی های بزرگان دعوت شد و همچنین توسط زنده یاد پوران خواننده وارد دربار شد و سوسن به خاطر قدردانی از جمیله باعث شد که جمیله هم بتواند به دربار رفت و آمد نماید

در بیشترین مهمانی های تاج الملوک مادر محمدرضا شاه او به اتفاق ملوک ضرابی دعوت می شد

در یک مهمانی فرح همسر شاه گردنبندی را از گردن خود باز کرد و برای قدردانی به گردن سوسن انداخت

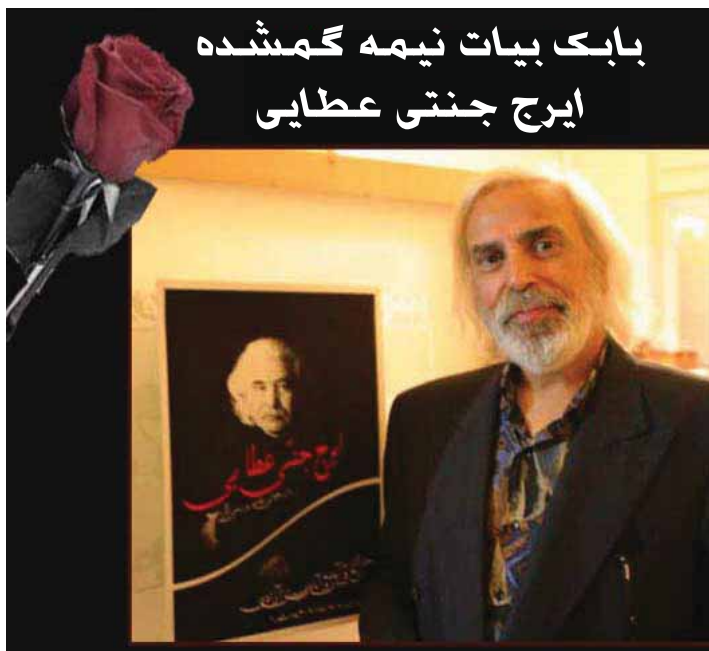
نا گفته نماند که هدایایی از مادر شاه هم گرفته بود که ارزش مادی زیادی داشت ولی در موقع فرار از ایران قاچاقچیان در ترکیه مقداری از آن را ربودند

سوسن پس از انقلاب توسط یک بازاری مرغدار و سوپرمارکت دار در شمیران نگهداری می شد و پس از اعتراضات همسرش. آن مرد مجبور شد که از نگهداری سوسن صرف نظر کند. بدین ترتیب سوسن مجبور شد پس از مدتی اقامت در گیشا به علت گرانی جا نزدیک به چهار راه سیروس با محمد تهرانی هم خانه شود

سوسن پس از دستگیری در دو مهمانی و تحمل هربار ۷۴ ضربه شلاق. تعهد داد که دیگر خوانندگی نکند

او پس از چند ماه به کمک شخصی از طریق کوه به ترکیه و سپس لندن و بعد به آمریکا مهاجرت کرد و در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۳ تنفسی چشم از جهان فرو بست





بابک بیات نیمه گمشده ایرج جنتی عطایی

هم کمک خواست

ولی بابک ندانست که ایرج نیمه کوچ کرده دیگرش چه آگاهانه و هوشیار جنس دشمن را شناخت و کوله بار تبعید را بر دوش گرفت ایرج دستمالی نشد. ایرج خفیر نشد ایرج بزرگ ماند بزرگ زندگی کرد و بزرگ هم می ماند

نگفتم بی رحم شده ام دست خودم نیست مرگ بابک؛ خودکشی عاطفی ما هم هست مگر می توان به چشمان ملو از حسرت از دست دادن نیمه گشوده ایرج نگاه کرد و گر نگرفت

حکایت ما دنیای غربی است که هر روز باید بیرحمانه عاطفه هایت را سرکوب کنی

احساس می کنم در غم بابک به خاطر ایرج عزا دارم

بابک بیات از کوچه بن بست تا ولایت عشق

گاهی فکر می کنم در مورد مرگ انسانها، زنده بودنشان؛ یادها و خاطره ها و هر واژه ای که به احساسات درونی انسان تلنگری عاطفی می زند چه بی رحم شده ام

معیارها و اندازه هایم همه با دوری و نزدیکی با همین رژیم پفیوز اندازه گیری میشود

وقتی ایرج جنتی عطایی را می بینم که چون گمشده ای زخمی به دنبال از دست دادن نیمه دیگرش ابری و دل شکسته است غم می گیرد. ابرهای ملو از اشکم در آسمان سینه ام می بارد و چه ویران گر می بارد هر چند چشم هایم خیس اشک را سالهاست فراموش کرده است

ایرج یاد سالهایی می افتاد که در کوچه پس کوچه های کودکی با بچه محل قدیمی بابک چه دورانی را گذراندند سر آسیاب دولاب و کوچه بن بست جعفری همان کوچه بن بست که سنجاق قفلی شروع کودکانه های ایرج و بابک شد

کوچه بن بست تولد آغازین این دو شد ایرج و بابک در دنیای هنر با هم آشنا شدند. هنر آنها را به هم وصل نکرد بلکه آنها هنر را به خودشان وصل کردند

مرگ بابک آن هم به خاطر یک بیماری کبدی که در هر کجای دنیا بود زنده می ماند! اما از بیمارستانهای معاملات ملکی حکومت اسلامی که مرگ ارزان ترین جنس بازاری پول هاست چه میتوان گفت؟

بابک رفیق نیمه راه دوباره شد و ایرج این بار هم غم از دست دادن یار دبستانی را تجربه کرد بابک مرد

یک آهنگساز که در حکومت گذشته با اعتراضش خلاق و سازنده بود، در دوران مردان بی خدا به امام رضا هم پناه برد و حتی از لاریجانی

سوپر تهران

جدیدترین و شادترین
کاست ، سی دی و
ویدیوهای نروزی با
قیمتهایی استثنایی
فقط در سوپر تهران

شما می توانید
شیرینیجات،
بستنی ، فای لوده ایرانی
خشکبار، ترشیجات و
دیگر محصولات ایرانی
را از ما تهیه فرمائید.

565 , Finchley Road , London NW3

Tel: 020 7435 3622

Fax: 020 7431 9595

سوپر ایرانی ساوالان

محصولات غذایی ایرانی ترکی عربی و اروپای شرقی



فریدون رایگانی مدیر جوان و فعال سوپر ساوالان

سوپر ساوالان بازارچه ای را زیر

یک سقف برای شما تدارک دیده است

سوپر ساوالان کماکان بهترین های ویدئو کاست

و سی دی را در کیفیت های عالی و قیمت های

مناسب به شما عرضه می کند

بزودی عرضه بهترین و تازه ترین گوشت و مرغ با قیمت های مناسب. در سوپر ساوالان



سوپر ساوالان همه مایحتاج شما را از شیرینی آجیل و میوه های تازه سبزیجات مختلف را تدارک دیده است

5&6, Queens Parade, Green Lane

London N8 0RD

Tel: 020 8347 8822 ساعات کار ۸ صبح تا ۱۲ شب

سوپر قصابی وحید



FREE DELIVERY

سوپر وحید کلیه مایحتاج یک خانواده ایرانی را زیر یک سقف گرد آوری نموده است

SUPER WAHID

1 VALE PRAD KINGTON VALE
LONDON SW15 3PS

Tel: 020 89 74 99 97



علی پاکپور

صراف مجاز از سال ۱۳۳۲

برای مشاهده جدول برابری روزانه ارزهای خارجی با ریال ایران همه

روزه می توانید به وب سایت ما مراجعه کنید

Tel: 0208 868 87 88 / 0207 584 23 23

Mobile : 07979 73 73 73 / 07979 61 61 61

Fax: 0208 866 73 73 / 0207 584 35 39

دنیرو با کلونی همبازی می‌شود



رابرت دنیرو برای بازی در فیلم سینمایی «۳۶» به کارگردانی مارک فورستر به جورج کلونی می‌پیوندد. این کارگردان و هنرپیشه که در حال حاضر فیلم «شبان خوب» را بر پرده سینماها دارد، موافقت کرد برای حضور در فیلم «۳۶» در برابر دوربین فورستر قرار گیرد. این فیلم در لوکیشن های نیویورک فیلمبرداری می‌شود.

«۳۶» بازسازی یک اثر فرانسوی است. این فیلم شرح حال دو کارآگاه را روایت می‌کند که برای رازگشایی از سرقت خودرو، با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. در نسخه فرانسوی این اثر ژرار دپاردیو بازی کرده بود که سال ۲۰۰۴ به نمایش عمومی درآمد. دنیرو این روزها در پروژه «چه اتفاقی افتاد» به کارگردانی بری لوینسن بازی می‌کند و به محض پایان یافتن این کار، مهابی بازی در فیلم «۳۶» می‌شود.

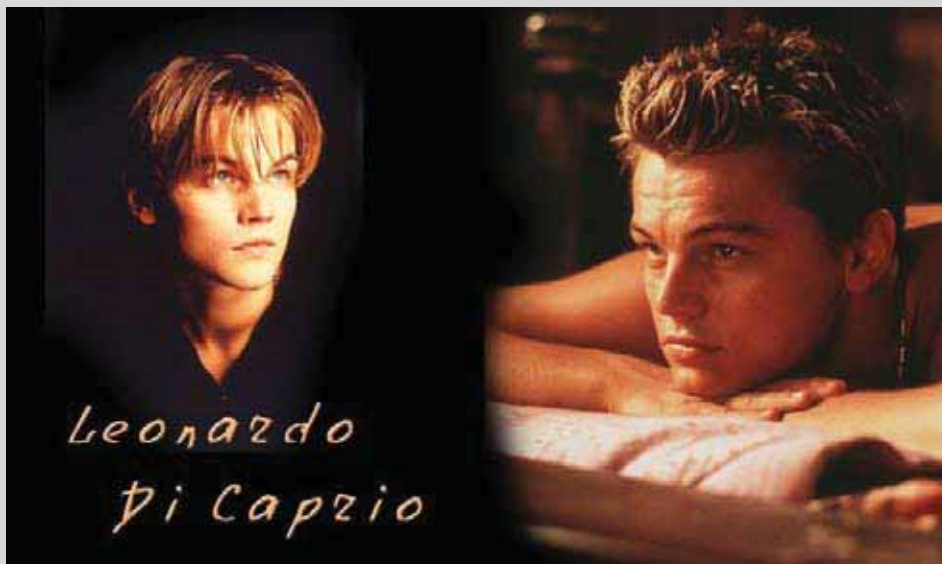
تقدیر از لئوناردو دی کاپریو

اتحادیه بازیگران آمریکایی، «لئوناردو دی کاپریو» را برای بازی در دو فیلم «مردگان» و «الماس خونین»، دو بار نامزد این دوره از رقابت‌ها اعلام کرد.

لئوناردو «۳۲ ساله علاوه بر آنکه برای بازی در تریلر «مردگان» به کارگردانی «مارتین اسکورسیزی» نامزد جایزه اتحادیه بازیگران آمریکایی شده برای تریلر «الماس خونین» نیز از سوی این اتحادیه انتخاب شده است که البته این مسئله شانس او را برای ربودن جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد نقش اول امسال به شدت تقویت می‌کند.

بازیگران فیلم‌های موزیکال «دختران رویا»، درام «بابل» و کمدی «خانم کوچولو، سان‌شاین» نیز بعنوان سه نامزد دیگر این دوره از جوایز انتخاب شده‌اند.

جوایز اتحادیه بازیگران آمریکایی یکی از مهمترین مراسم‌های سرنوشت‌سازی است که پیش از مراسم ماه آینده اسکار، برگزار می‌شود. جوایز این دوره از رقابت‌های اتحادیه بازیگران ۲۸ زنویه به برندگان اعطا خواهد شد.



دمی مور: عشق کاتچر باعث شگفتیم شد



دمی مور هنرپیشه سینما اعتراف کرد هنگامی که کاتچر از او خواستگاری کرد به اندازه خانواده و طرفدارانش دچار شگفتی شد. او زمانی که بعد از دیدن همسرش در یک مهمانی شام به او دل داد باور نمی‌کرد عشق او این چنین به ثمر برسد.

زمانی که این دو همدیگر را برای اولین بار ملاقات کردند کاتچر قصد داشت از هنرپیشه دیگری در آن مهمانی خواستگاری کند و هیچ یک از آن دو فکر نمی‌کردند که روزی با هم ازدواج کنند.

مور در مصاحبه با مجله ونیتی فیر اعتراف کرد که در اولین روزهای آشنایش با کاتچر به او شدیداً دل بست.

او گفت: «اگر کسی به من می‌گفت که احتمال این که با مردی ۲۵ ساله که سه فرزندم را بپذیرد ازدواج کنم وجود دارد به او می‌گفتم خواب دیدی خیر است».

این هنرپیشه ۴۴ ساله افزود: «من فکر کنم عشق هر دوی ما را غافل گیر کرد و من اکنون از این که چنین ازدواج موفقی دارم بسیار خوشحال هستم».

مور و کاتچر در سپتامبر ۲۰۰۵ با هم ازدواج کردند و مور قصد دارد برای همسرش فرزندی به دنیا بیاورد.

آجلینا جولی اجازه حضور در والد دیزنی را ندارد

آجلینا جولی از این که نمی تواند فرزندان خود را به والد دیزنی برود بسیار ناراحت و عصبانی است شهرت بیش از حد جولی باعث شده که او نتواند در اماکن عمومی حضور پیدا کند و این امر برای فرزندان او به هیچ وجه قابل قبول نیست و پسر ۵ ساله او شدیداً اصرار دارد که به والد دیزنی برود با وجود این که جولی و براد پیت از ۶ ماه پیش قصد داشتند که والد دیزنی را برای یک روز اجازه کنند تا فرزندانشان در آرامش از وسایل تفریحی آنجا بهره مند شوند اما صاحبان این پارک تفریحی با خواست آنها موافقت نکردند

جولی گفت: من تمام تلاشم را به کار می برم تا اعضا خانواده ام زندگی طبیعی داشته باشند و هر طور که شده تعطیلات را در کنار فرزندانم می گذرانم تا آن ها احساس کمبود نکنند اما چه کنم که شهرت و محبوبیتم باعث ایجاد مشکلاتی برای آنها شده است هنگامی که فرزندانم از من تقاضا می کنند آن ها را برای گردش بیرون ببرم بسیار مستأصل می شوم چون به هیچ عنوان احساس امنیت نمی کنم و از طرف دیگر توضیح دادن مسائلی برای آن ها خیلی مشکل است

دوستان زیادی به من پیشنهاد داده اند که فرزندانم را با لباس مبدل به دیزنی لند ببرند اما من نمی توانم این اجازه را بدهم زیرا دلم آرام نمی گیرد



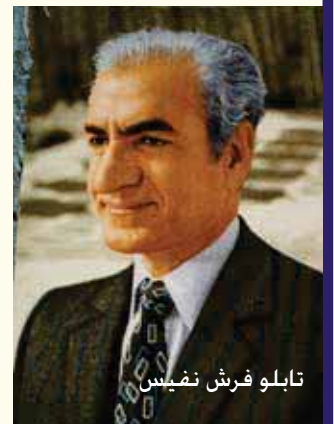
کاسپین فود گالری (خزر)

بازارچه کاملی که فقط باید از نزدیک دید و قضاوت کرد

هر آنچه نیاز یک خانواده ایرانی است از پیرو جوان و هر نوع سلیقه در زیر یک سقف برایتان تهیه شده است



تابلو فرش نفیس



تابلو فرش نفیس

انواع و اقسام مواد غذایی ایرانی، خشکبار، شیرینی های خشک و تر، سبزیجات و آجیل، کلیه کاسه ها و

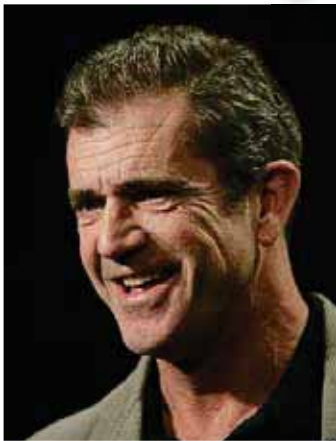
سی دی های و فیلم های سینمایی قبل و بعد از انقلاب، کتاب، نشریات، صنایع دستی، سازهای سنتی، انواع قلیان

30 Vivian Ave. Hendon Central NW4 3XR

Tel: 020 8202 8022

شما می توانید با کلیه
کارت های اعتباری
از سوپر خزر خرید نمایید.

چهره های سینمایی خبر ساز



مل گیبسون بازهم مانند چند سال اخیر خبرساز بود. او در ماه ژوئیه پس از این اینکه به خاطر رانندگی در حین مستی بازداشت شد. جملاتی یهودی ستیزانه گفته بود که بعدها از گفتن آن اظهار پشیمانی و عذرخواهی کرد. همچنین نمایش «آپوکالیپتو» فیلم اخیر او خشم و اعتراض قوم مایا را در آمریکای مرکزی برانگیخت



امسال دو بازیگر نسبتاً پرکار و کمتر شناخته شده به این جایزه دست یافتند. فیلیپ سیمور هافمن برای بازی در نقش ترومن کاپوتی در فیلم کاپوتی و ریس ویترسپون برای نقش همسر جانی کش در فیلم (دست از پا خطا نمی کنم). اسکار بهترین بازیگران نقش اصلی را به خود اختصاص دادند



نیکول کیدمن در سال ۲۰۰۶ یکی از پرخبرترین سالهای دوران فعالیت حرفه ای خود را گذراند: به عنوان سفیر حسن نیت صندوق توسعه سازمان ملل برای زنان منصوب شد. با کیت اوربان، خواننده نیوزلندی ازدواج کرد و از سوی مجله هالیوود ریپورتر به عنوان پرمدرآمدترین بازیگر زن جهان دست یافت



قسمت دوم فیلم پر فروش دزدان دریایی کارائیب با عنوان صندوقچه مرد مرده، در سال ۲۰۰۶ در صدر جدول پر فروش ترین فیلمهای آمریکا و همچنین در بین ده فیلم پر فروش تاریخ این کشور قرار گرفت. جانی دپ، با بازی در نقش اصلی این فیلم بار دیگر جایگاه خود را در هالیوود به عنوان بازیگری که نقش موثری در فروش یک فیلم دارد، تثبیت کرد



افتخار دارد با عرضه فراوردهای ایرانی در خدمت مشتریان و هموطنان گرامی باشد



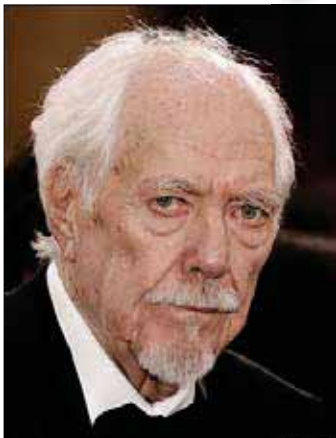
انواع خشکبار، شیرینی های خشک و تر، آجیل، لبنیات، مرباجات، برنج اعلا، سبزیجات، میوه جات
غذاهای کنسرو شده، گوشت و مرغ تازه

**132, EWELL ROAD, SURBITON
SURREY KT6 6HE**

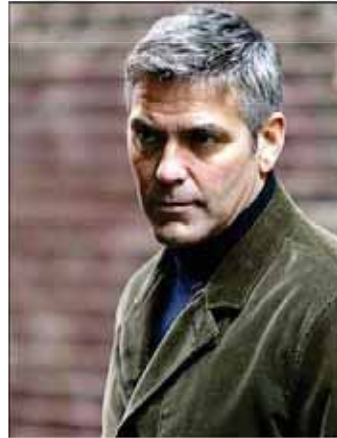
**Tel: 020 83 99 28 32
077 27 16 31 55**



چهره های سینمایی خبر ساز



شاید در میان درگذشتگان سال ۲۰۰۶، رابرت آلتمن کارگردان مستقل سینمای آمریکا از شهرت بیشتری برخوردار بود. کارگردان فیلمهایی چون مش، بوفالو بیل، و گاسفورد پارک در سن ۸۱ سالگی در گذشت. او ۹ ماه پیش از مرگش در هفتاد و هشتمین دوره اسکار به جایزه افتخاری یک عمر دستاورد هنری دست یافت



جورج کلونی با دستی پر به مراسم اسکار ۲۰۰۶ رفت. نامزدی اسکار برای بازی در فیلم «سیرینا» و نامزد شدن ساخته اش «شب بخیر و موفق باشید» در چند رشته مختلف. برای کمتر بازیگر- کارگردانی پیش می آید. بازی در نقش مامور سابق سازمان سیا در فیلم سیرینا نخستین اسکار را برای او به ارمغان داشت



تام کروز و کیت هولمز از دیگر زوجهای خبرساز دنیای هنر و سرگرمی سال بودند. ازدواج این دو بازیگر هالیوود بار دیگر نام آنها بر سر زبانها انداخت. این زوج مشهور سینمایی در یک مراسم مفصل با حضور تعدادی از چهره های سرشناس دنیا بر اساس عقاید و رسوم کلیسای ساینٹولوژی در شهر کوچکی در شمال رم ازدواج کردند



پس از ششون پن که در سال ۲۰۰۵ به ایران سفر کرد. این بار ژولیت بینوش با سفر از پیش اعلام نشده اش به ایران. خود را در مرکز توجه علاقه مندان فیلم در ایران قرار داد. این بازیگر فرانسوی که به دعوت عباس کیارستمی، کارگردان ایرانی به این کشور سفر کرده بود. دلیل اصلی اقامت یک هفته ای اش را در ایران «صرفا دیدار یک دوست» اعلام کرد

فردیس تنها سوپر گوشت کاملاً ایرانی در لندن



برنده پیاپی جایزه Excellence in Hygiene از سال ۲۰۰۲
با کادر و مدیریت قبلی آماده عرضه مواد پروتئینی ذیل می باشد

گوشت بره بهاری : لذیذ و تازه با برش به سبک ایرانی
گوشت گوسفندی : ماهیچه و راسته و فیله
گوشت گوساله به همراه انواع استیک ها

همبرگر مخصوص فردیس - سوسیس تازه مخصوص فردیس و انواع مواد پروتئینی دیگر همه روزه در سوپر فردیس موجود می باشد

گوشت Veal گوساله تو دلی

گوشت چرخ کرده بدون چربی و چرخ کرده کوبیده ای با قیمت خیلی مناسب بالای ۲ کیلو با پیاز چرخ می شود
۵ نوع مختلف جوجه کباب آماده، شنیسل مرغ، پاجینی، بال کباب، شنیسل ماهی قزل آلا، کباب چنجه، کباب شیشلیک، جگر، دل و قلوه، مغز و زبان، کله و پاچه، سیرابی

صرافی فردیس

با مجوز رسمی HM CUSTOM
انتقال ارز در کوتاهترین مدت



2 MANOR PARADE, SHEEPCOTE ROAD, HARROW HA1 2JN

TEL: 020 8861 6187 FAX: 020 8863 6595

قنادی و خشکبار بهار و سوپر مارکت زمان

بازارچه ای در قلب کنزینگتون



آجیل، تازه ترین سبزیجات و میوه های ایرانی
گوشت و مرغ حلال

ویدیو کلاب زمان بهترین کاست ،سی دی و ویدیوهای ایرانی را با
تخفیف ویژه در اختیار شما قرار می دهد.



Tel: 020 7603 8909
347Kensington High St. W8

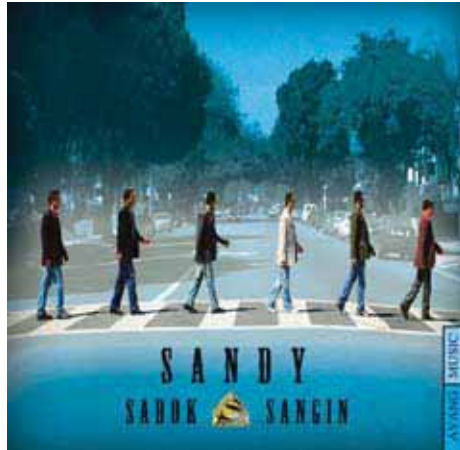
سفر رویایی اندی به ایران



ویدیوی کارتون اندی سفری تخیلی به ایران است او در این سفر به شهرهای مختلف ایران می رود و با استقبال عمومی مردم روبرو می شود این ویدیوی رویایی اندی در واقع حداقل آرزوی یک هنرمند است که بتواند به وطنش آزادانه سفر کند و بخواند بازی کند همانند یا بیاید ولی سوال غم انگیز در اینجا است که هنوز رژیم ضد ایرانی و انسانی آخوندی در سرزمین ما نفس می کشد و حتی اگر بعضی از هنرمند نماها هم به ایران رفت و آمد می کنند در واقع نقش سفیر متحرک بی هویتی را دارند که اجازه ندارند از حرفه خود در ایران استفاده کنند و باید آرزو می کرد هر چه زودتر شر این رژیم مزاحم از سر ملت ایران کم شود

نیز آهنگ آهای جوون را ساخته است در رابطه با این ترانه شور آفرین سیاسی در شماره آینده با مینا اسدی : محمد شمس و داریوش اقبالی گپی خواهیم زد

گروه سندی با ۱۴ آهنگ در آلبوم سبک و سنگین



گروه سندی آخرین آلبوم خود به نام سبک و سنگین را با ۱۴ آهنگ در یک سی دی به بازار داده اند در این آلبوم گروه سندی تلاش کرده اند همه نوع سلیقه ای را راضی نگه دارند

داریوش و آهنگ آهای جوون



کنسرت گذارها داریوش را مجبور کردند این آهنگ را در کنسرتها نخواند داریوش همین آهنگ را در یک سی دی تک آهنگی توزیع کرده است سراینده شعر آهای جوون مینا اسدی شاعر مبارز و متعهد در تبعید است که هرگز لحظه ای علیه رژیم آخوندی کوتاه نیامده است محمد شمس چهره بین المللی موسیقی ایرانی

بزرگترین و مدرنترین مرکز فرهنگی ایران در لندن

فرهنگسرای لندن



جنب
سوپر هرمز
سفارشات
تلفنی
پذیرفته
می شود

کارت های
معتبر
پذیرفته
می شود



فرهنگسرای لندن مرکز پخش آئین نامه رانندگی و راهنمای تست زندگی در بریتانیا اخذ تابعیت

***انواع کتابهای چاپ داخل و خارج از کشور**

***کاملترین مجموعه فیلمهای ایرانی اورژینال برای فروش و اجاره**

***انواع سازهای ایرانی همراه کتابهای نت و فیلمهای آموزشی تار، سه تار، تکیه**

فرهنگسرای لندن وارد کننده و توزیع کننده: کاست، سی دی و فیلم از شرکت های کلتکس، ترانه، آونگ، پارس ویدئو، چهره نما

***فرهنگسرای لندن هیچ گونه نوار، سی دی و فیلمهای کپی عرضه نمی کند**

1261 Finchley Road Temple Fortune London NW11 0AD

www.farhangsara.co.uk

Tel: 020 8455 55 50

Fax: 020 8201 8506

قسم آلبوم جدید شهرام صولتی



شهرام صولتی آخرین آلبوم خود به نام قسم را به بازار داده است و اولین آهنگ این آلبوم را هم با شهره خواهرش دو صدایی اجرا کرده اند

پرویز پرستویی هم خواننده شد



پرویز پرستویی بازیگر مطرح سینمای جمهوری اسلامی هم به جرگه خوانندگان پیوست او با انتشار آلبومی به نام بابایی وارد عرصه خوانندگی هم شد او در این آلبوم دکلمه هم کرده است

گرفتاری خواننده قدیمی در مهرآباد



پیش از سال نو میلادی در آگهی های مربوط به کنسرت و برنامه خوانندگان ایرانی در کاباره های لندن برای جشن کریسمس آگهی عباس قادری خواننده قدیمی و به قول معروف لاله زاری نیز پر شمار بود و طرفداران این تیپ خواننده ها را چشم انتظار ورود او گذاشت

در هنگامی که قرار بود قادری از تهران به لندن بیاید و برنامه ای خود را از اواسط دسامبر در این شهر آغاز کند خبری از او نشد و ورود او به تاخیر افتاد

در این میان اما از طریق یکی از دوستان قدیمی مان که در همان زمان به لندن آمد با خبر شدیم که عباس قادری در همان پرواز تهران - لندن با دوست ما هم پرواز بوده و در حالی که چمدان خود را به قسمت باز خویل داده و کارت پرواز را نیز در دست داشته است ناگهان یک مأمور ویژه فرودگاه مهرآباد به سراغ این خواننده می رود و او را از مسیر سوار شدن به هواپیما باز می دارد دوست ما که در کنار عباس در حرکت بوده است می گفت که شنیدم آن مأمور به قادری گفت که بیش از آن که شما را به اتاق ببرم بهتر است که خودت هر آنچه را جا سازی کرده ای خویل بدهی

هم پرواز قادری می گفت که در یک لحظه رنگ از چهره قادری پرید و او با پاهای لرزان به دستور آن مأمور رهسپار اتاق بازرسی شد دوست ما می گفت که در طول پرواز هر چه چشم انداختم عباس قادری را در هواپیما ندیدم و در فرودگاه لندن نیز یقین کردم که این خواننده به اصطلاح خاکی و مردمی در فرودگاه مهرآباد گرفتار شده و از پرواز جا مانده است

حضور همراه با تاخیر چند روزه عباس قادری در لندن و اجرای برنامه هایش در ژانویه گویای آن بود که خوشبختانه گرفتاری این خواننده نام آشنا کوتاه مدت بوده و سروته قضیه خیلی زود هم آمده است

این خواننده را کشتند؟

در حکومت آخوندها آن قدر قتل های عجیب و غریب اتفاق افتاده است که مردم دیگر هیچ احساسی برای پیگیری و سرو گوش جنابیدن در باره راز قتل و جنایت های هر روزی ندارند در چنین روزگار سیاه و سراسر تباهی اوج پلیدی و ددمنشی نیز در نزد مردم یخی به هیچ انگاشته می شود و در طول بیست و هفت سال عمر نکبت بار و ویرانگر جمهوری اسلامی هزاران نفر به قتل رسیده اند و هیچ کس هم از چگونگی آن آگاه نگشته و فقط به عنوان مرگ مشکوک در فراموشخانه انگاشته شده است

از آخرین نمونه این قتل های هزاران باره که در قالب مرگ مشکوک به مردم یخی خواننده شده است باید قتل ناصر عبدالهی خواننده جوان بندر عباسی موسیقی پاپ در رژیم ولایت مطلقه فقیه ثبت کنیم که او نیز در مسلخ مذهب قربانی شد

واقعیت و حقیقت به قتل رسیدن ناصر عبدالهی این گونه است که او چندی پیش، از اسلام سنی به شیعه گروید تا این بار بر خلاف معمول که خروج شیعه گری باعث صدور فتوای قتل می شود یک تازه شیعه به قتل محکوم گردد و آن هم از سوی فامیل و اقوام خود

خواندن چند سرود و آهنگ در مدح علی، امام زمان و توسط ناصر عبدالهی تغییر مذهب او را افشاء ساخت. فامیل و اقوام را چنان به خشم و خروش علیه او کشاند که وقتی عبدالهی به زادگاهش یعنی بندر عباس سفر کرد در یک زمان مناسب که نزدیکانش در انتظار آن بودند آن چنان زیر ضربه های مشت و لگد قرار گرفت که دچار خونریزی شدید داخلی شد

پیکر مدهوش عبدالهی به بیمارستانی در بندر عباس منتقل شد و به علت وخامت حال او بالا فاصله به تهران آورده شد که متأسفانه هیچ کاری از دست پزشکان معالج بر نیامد و عبدالهی پس از چند روز در حالت کما از این دنیا چشم فرو بست

از آنجا که قتل این خواننده خوش صدا با اندیشه ها و نقشه های کوهکوران مذهبی همراه بود رژیم جمهوری اسلامی علت مرگ عبدالهی را بیماری ناگهانی کلیه و داخلی اعلام کرد تا به خیال خود باعث تشویش اذهان عمومی نشود



قنادی عسل در شعبه های ۱ و ۲



انتخاب شیرینی های عسل معرف سلیقه شماست

شیرینی های تر و کیک های مراسم مختلف عسل نیاز به تعریف ندارد

عسل با بیش از ۳۰ نوع شیرینی



هفت روز هفته از ۹ صبح تا ۹ شب در خدمت شما عزیزان می باشد

14 CONNAUGHT STREET , LONDON W2 2AF

TEL: 020 7706 2905

1076 HARROW ROAD و LONDON NW10 5NW

TEL: 020 8969 2800

قنادی عسل

شعبه یک

شعبه دوم قنادی عسل

افتتاح گردید



همه روزه انواع شیرینیجات خشک و تر در قنادی رضا طبخ و به مشتریان عرضه می شود



**کلیه مایحتاج خود را مانند همیشه با بهترین کیفیت و قیمت
از سوپر قنادی رضاتهییه فرمایید**

نامی که می شناسید و در عرض ۲۵ سال به آن اطمینان دارید

345 High Street Kensington London W9

Tel: 020 - 7603 0924



برای نمونه بیاموزیم که امروز در فرانسه یعنی کشوری که بیش از سه قرن است که دین را کاملاً از سیاست جدا کرده است هر ساله در زمانی که از مردم در مورد محبوب ترین فرد جامعه همه پرسشی به عمل می آید حتی آنان که اصولاً به مذهب اعتقادی ندارند به آقای ابی پیر که یک فرد روحانی است رای قاطع می دهند چرا؟ برای اینکه این فرد روحانی با وجودی که بیش از هشتاد سال دارد اما تمام نیروی خود را در جهت کمک به مستمندان و بی خانمان ها کرده است . وجود او سرشار از عشق و محبت و ایثار نسبت به انسانها است او مسیح را چنین به جهانیان معرفی می کند حال او را مقایسه کنید با آیت الله خمینی

این فرد روحانی در تاریخ ۳۰ آذر ۱۳۶۳ در جمع ائمه جمعه یعنی کسانی که باید دیانت را به مردم تعلیم دهند می گوید یوم الله واقعی روزی است که امیر المومنین علیه اسلام شمشیر را کشید و خوارج را (هشت هزار نفر) از اول تا به آخر درو کرد و تمامشان را کشت.... امیر المومنین اگر بنا بود مسامحه کند شمشیر نمی کشید تا ۷۰۰ نفر را در یک روز گردن بزند چرا همه آیات رحمت را در قران می خوانید و آیات قتال را نمی خوانید؟ قران می گوید بکشید؛ بزنید پیغمبر شمشیر دارد تا آدم بکشد ائمه علیه السلام همگی جنگی بودند شمشیر می کشیدند آدم می کشتند ما خلیفه می خواهیم که دست ببرد حد بزند رجم کند همانطور که رسول الله دست می برید حد می زد رجم می کرد همانطور که یهود بنی غریظه را چون جماعتی ناراضی بودند قتل عام کرد

او به عنوان آیت الله و رهبر انقلاب به طور روشن اسلام و پیامبر و امامان را این چنین معرفی می کند و هیچ یک از امامان جمعه کوچک ترین اعتراضی نکردند اما همین آقایان در برابر سخنان پاپ که سخنانی را از مانوئل پالایولوگوس دوم آخرین امپراتور روم شرقی که می گوید: به من نشان بده که محمد جز خشونت چه چیز تازه ای را ارائه کرده است او حکم می کرد که ایمانی که وعظ می کند باید به زور شمشیر گسترش یابد

به خشم می آیند و از مردم نادان می خواهند که علیه پاپ به راه پیمایی دست بزنند و از او بخواهند که عذرخواهی کند چه کسانی مسئول این رفتارهای غیر متمدنانه میان ما ایرانیان شده اند؟ این پرسشی است که آقای محمود سربابی تحت عنوان از ترس خرافات شرق ؛ غرب به تمدن رسید یا به معنی ساده تر ادب از که آموختی از بی ادبان مطرح کرده اند و ما نیز در کنار ایشان خواهیم بود

عبدالحمید وحیدی

نامه ای از پاریس

در باره دگرگونی در خلیات ما ایرانیان

قبل از هر چیز لازم می داند که از آقای محمود سربابی سردبیر نشریه وزین رنگارنگ کمال سپاسگزاری را بنمایم زیرا این نشریه با چاپی زیبا و با بهایی نازل تلاش خود را در کنار امور بازرگانی که لازمه حیات نشریه می باشد در اختیار برخورد عقاید متفاوت اما پیشرو و آزادیخواهانه قرار داده است برای اولین بار افتخار آشنایی با آقای سربابی را در مجموعه فرهنگی شهر فرنگ در پاریس پیدا کردم طی این ملاقات بسیار کوتاه یک جلد از کتاب خودم تحت عنوان گفتگو در باره خلیات و دگرگونی در برداشت های ما ایرانیان را به ایشان تقدیم کردم طی سفر از پاریس به لندن ایشان نگاهی به آن می افکند و اتفاقاً زیبا ترین بخش کتاب مرا که همانا قصه خانه شنبه زاده می باشد را با اظهار نظر شخصی خود در باره کتاب در شماره بعد نشریه منتشر می کند

سپاس من به چنین مواردی که بیشتر جنبه شخصی پیدا می کند خلاصه نمیشود بلکه بیشتر بخاطر بابی است که ایشان آن را تحت عنوان از ترس خرافات شرق ؛ غرب به تمدن رسیده است می باشد بنده بخشی از آن را برای آن دسته که ممکن است به آن توجه نکرده باشند بیان می دارم

کشور ما به انقلاب نیاز ندارد زیرا انقلاب در سرزمین ما یعنی انتقال قادر که شاهی میرود و امامی می آید ولی قدرت یک نفر به جای یک ملت سرجایش می ماند

ما نیاز به یک مدرسه خوش نویسی داریم ما باید الفبای زندگی انسانهای متمدن را از اول یاد بگیریم

ما باید این لباس های بالماسکه مسخره تاریخی- مذهبی را از تن بدر کنیم و به آنچه خود به دست آورده ایم یا می آوریم بنازیم نه مصرف کننده ای بی سواد و عامی و الکی خوش باشیم که زیر سایه نام کورش و داریوش بزرگ هورا بکشیم سپس زیر علم و کوتل حسین و علی و محمد هم سینه بزنیم به حافظ ؛ سعدی ؛ مولانا؛ فردوسی و بنازیم ولی به دنبال چهره پلید مردی در ماه هم بگردیم

اینان با هم تضادهایی هستند که چون فضایی آلوده و پر دود اجازه نمی دهند هیچ کس به درستی جلویخ را ببیند و راه را از چاه تشخیص دهد ما چند نسل سوخته ای هستیم که تا تکلیف مان را با خودمان ؛ تاریخمان ؛ مذهبمان و فرهنگمان روشن نکنیم هنوز باید به دنبال حل مشکلاتمان در چاه جمرکان سرکتاب؛ دعانویس و جن گیر باشیم و نسلهای بعد از ما در کنار تکنولوژی جهانی مصرف کنندگانی مسخ شده باشند که نقاب انسانی دهکده جهانی را بر چهره زده ولی بیگانه ای در میان انسان هایی است که هنوز نمی داند چه می خواهد

این باب که توسط خودشان ادامه خواهد یافت در راستای همان تلاشی است که امروز بسیاری از فرهیختگان ایرانی به آن رسیده اند و در باره آن دست به آگاهی می زنند اکنون بسیاری به این واقعیت رسیده اند که دیانت به شکلی که توسط مشتی دکاندار معرفی می شود در راستای تخمیق مردم و در خرافات نگاه داشتن آنها است در دنیای پیچیده امروز تنها رسالت مبلغان و مروجان هر مذهبی اگر ریگ در کفش نداشته باشند در یک چیز خلاصه میشود و آن هم ترویج عشق و محبت و ایثار به هم نوع

آقای سربابی در نوشتار خود تاکید می کند که ما باید الفبای زندگی انسانهای متمدن را از اول یاد بگیریم

ورنگی نه



نفس‌اش در نمی‌آید
نبض‌اش به سختی می‌زند
دریچه‌های قلب‌اش بسته است
نان ندارد
کار ندارد
خانه ندارد
خون می‌فروشد
بچه «تودلی» می‌فروشد
زن می‌فروشد
خودش را می‌فروشد

با همه‌ی گرسنگان
با همه‌ی آوارگان
با همه‌ی تن‌فروشان
با همه‌ی مادران
و با زنان
و با زنان
و با زنان
جدید عهد می‌کنم
که تا در بر این پاشنه می‌چرخد
در نگاهم به جهان
«جدید نظر» نکنم

پیام دیکتاتور

آی شاعران
برگردید
ما میهن شما را
از خار و خس
روبیدیم

آی نویسندگان
برگردید
ما برای ثبت آثار شما
به تمام جهان سفارش کاغذ داده ایم

آی مادران
برگردید
ما از همه‌ی زندان‌ها
مدرسه و دانشگاه ساخته ایم

آی جوانان
برگردید
و برای آینده‌ی سرزمین تان
طرحی نو بریزید

آی نقاشان
برگردید
و بر دیوارهای خونین جنگ
کبوتر سپید صلح نقاشی کنید

آی معماران
برگردید
و برای بازگشتگان
خانه‌هایی بسازید
بر اجساد مبارزان‌شان!

گرسنگی «نظر» نیست
تشنگی «نظر» نیست
بیکاری «نظر» نیست
بیماری «نظر» نیست
دریدری «نظر» نیست
مرگ کودکان «نظر» نیست
قطع دست و زبان «نظر» نیست
سنگسار زنان «نظر» نیست
عربانی آن حقیقتی‌ست
که شما
- دبنگان بی‌بو و خاصیت
و حقیران ارزان فروش -
با عینک سود و زیان
می‌بینید
و برآن دیده فرو می‌بندید
نه
من هنوز
آردهایم را نبیخته‌ام
و الکام را نیاویخته‌ام

اگر «پوش» آقای جهان شود
اگر «پاپ» دست همه‌ی ملاها را ببوسد
اگر «شما» تخم همه‌ی «بالایی»‌ها را
دستمال کنید
اگر «چاوز» انشاءالله گویان
کون «احمدی‌نژاد» را بلیسد
و - حتا -
اگر «مارکس» از گور خویش برخیزد
و فرمان آتش بس دهد
من جدید نظر نمی‌کنم

من
از همین‌جا
از راهروهای تنهایی‌ام
و از تاریک‌ترین نقطه‌ی تبعیدم
با همه‌ی پابرهنگان

منشور شعر من اینست

ای وای بر زبانم . ای وای بر زبانم ... ای
وای بر زبانم اگر پاسبان سَرم شود
مینا اسدی

جدید عهد

خفه شوید آقا!
شما هم ساکت باشید خانم!
- فقط چند ثانیه -
و فریاد کودکان گرسنه‌ی جهان را بشنوید.

وقتی که نازپروردگان شما
ویتامین‌های اضافه را استفراغ می‌کنند
و بانگ «ادعا» هایتان
گوش فلک را کر می‌کند
خفه شوید آقا!

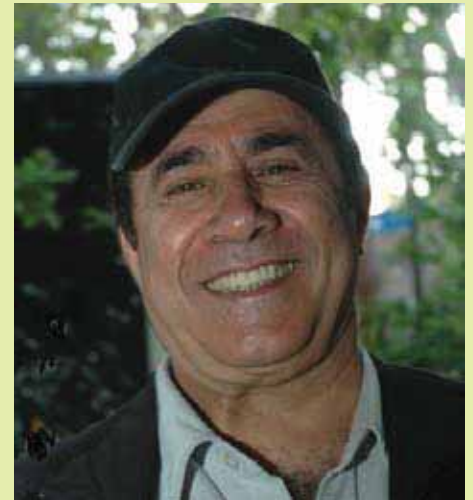
و شما هم چند ثانیه
- فقط چند ثانیه -
زبان به دهان بگیرید خانم!
و بگذارید صدا به صدا برسد
و صدای «عاطفه»‌ها
فریاد «زهرا»‌ها
و وحشت «کبرا»‌ها
در هیاهوی «حقوق بشر» تان
گم نشود
و دم به ساعت
با من «شرط بلاغ» نگوئید
و نامه‌های فدایت شوم
اندر فواید «جدید نظر» ننویسید

«نظر» چه می‌داند چیست؟

از هر دری سخنی

فقر سودآور

پرویز صیاد



این روزها به مناسبت کریسمس و مراسم سال نو میلادی اغلب کلیساها درهای خود را بر روی مستمندان باز می کنند برای یکی دو وعده غذای رایگان و دوربین خبرنگاران، چهره های سرشناس را نشان می دهند که در نوانخانه ها و اجتماعات فقرا حضور یافته اند بابت کمک رسانی یا دست کم همدردی با محرومین از نعمات دنیوی و هم لطف پروردگاری اما به قول معروف، کجا کفاف دهد این چند وعده غذای مجانی یا ژست های نودوستانه به معضل بی خانمان ها و آنها که همواره دغدغه جاي خواب دارند و نگرانی فردا یا مشکل قوت لایموت بعدی؟ تعداد چنین افرادی که شبها لای مقوا می خوابند در غنی ترین شهر غنی ترین ایالت غنی ترین کشور روی زمین — که لس آنجلس است — بر نود هزار نفر بالغ می شود این وصف «غنی ترین شهر غنی ترین ایالت غنی ترین کشور روی زمین» را من از آقای آنتونیو وام Aotonio Villaraigosa ویا رایگوسا

گرفتم که در يك سخنرانی به تاریخ دوشنبه چهارم دسامبر در توصیف شهری که خود شهردار آن است به زبان آورده بود. و خود او بود که گفت: «در يك چنین شهری مطلقا قابل قبول نیست که ما نود هزار شهروند داشته باشیم که شبها سقفی بالای سر ندارند دو روز بعد از آن سخنرانی چند تن از مقامات (دیگر شهری در گورستان تاریخی (بویل هایتس لس آنجلس گرد آمدند تا Boyle Heights طی مراسمی که بیش از پانزده دقیقه طول نکشید، خاکستر هزار و ششصد و هشتاد و هفت انسان نگون بختی را که سال گذشته در پیاده روها و کوی و برزن این شهر جان داده بودند در يك چاله دو متری بریزند گورستانی که نام مردم به این دلیل تاریخی ست که همه ساله در یکی از روزهای ماه دسامبر همین مراسم در آن برگزار می شود. و طی آن خاکستر افراد بی نام و نشانی که در طول سال در گوشه و کنار این شهر جان باخته اند یا افراد بی کس و کاری که بعد از درگذشتنشان هیچکس برای کفن و دفنشان پا پیش نگذاشته در چاله مخصوص همان سال به گزارش لس آنجلس تایمز تعداد این افراد بی نام و نشان در کمتر سالی زیر هزار پانصد نفر بوده اند بنا به گزارش همین نشریه با وجودی که ورود و حضور در این مراسم برای همگان آزاد است امسال جز معدود افرادی که به دلیل اداری از طرف اماکن شهرداری باید حضور می داشتند کسی به این مراسم نیامده بود. در حالی که انتظار می رفت که بیایند نه تنها به این دلیل که گروه به خاک سپرده امسال تعدادشان به نسبت چند سال گذشته فزونی داشت. بیشتر به این علت که قرار بود امسال سال متفاوتی باشد برای نود هزار سکنه خیابان خواب این شهر. چون مقامات شهری و دولتمردان سیاسی مثل چیزی که از خوابی بس طولانی بیدار شده باشند ناگهان شروع کرده بودند

به داد سخن دادن درباره مستمندان و افراد بی خانمان. از جمله در انتخابات میان دوره ای اخیر که دمکرات ها را وعده های «رفاه اجتماعی» شان بخصوص به پیروزی رسانید. شعار «چاره جویی برای حل مشکل نود هزار بی خانمان لس آنجلس» از همیشگی بیشتر داغ تر شده بود. به هر حال در تدفین خاکستر هزار ششصد و هشتاد و هفت نفر از محرومین که دولتمردان سنگشان را به سینه می زدند یا از نهادهای وعده دهنده حتی يك نفر به نمایندگی نیامده بود تا مثلا کلاهی به احترام از سر بردارد. البته آقای شهردار که دو روز قبلش به شیوایی از مشکل «بی خانمانها» سخن گفته بود خود به دلیل شرکت در سمینار «آب رسانی به جنوب کالیفرنیا» عدم حضورش موجه می نمود. اما عدم حضور مابقی مقامات شهری و بهداشتی و نمایندگان نهادهای به ظاهر مسئول در این مراسم بار دیگر ثابت کرد وجود بینوایان و افراد بی خانمان در هر شهری این حسن را دارد که می توان به سودشان شعار داد و در سایه آن شعارها به پست و مقام رسید در اینجا بی مناسبت نیست یکی دو رباعی از حکیم نیشابور نثار خاطره هزار و ششصد و هشتاد و هفت بی نام و نشان بکنیم که خاکستر از خاک برآمده شان دوباره به خاک شهری برگردانده شدند که ما هم از قضا ساکن آنیم

از آمدن و رفتن ما سودی کو؟
وز تار وجود عمر ما پودی کو؟
در چنبر چرخ جان چندین پاکان
می سوزد و خاک می شود، دودی کو؟

از آمدن نبود گردون را سود
وز رفتن من جاه و جلالش نفزود
وز هیچ کسی نیز دو گوشم نشنود
کاین آمدن و رفتنم از بهر چه بود

دفتر مشاوره خدمات حقوقی ایران

قوانین پناهندگی در انگلستان تغییرات بسیار کرده است

چنانچه قصد اقدام به اعلام پناهندگی دارید

چنانچه تاکنون جواب منفی دریافت کرده اید

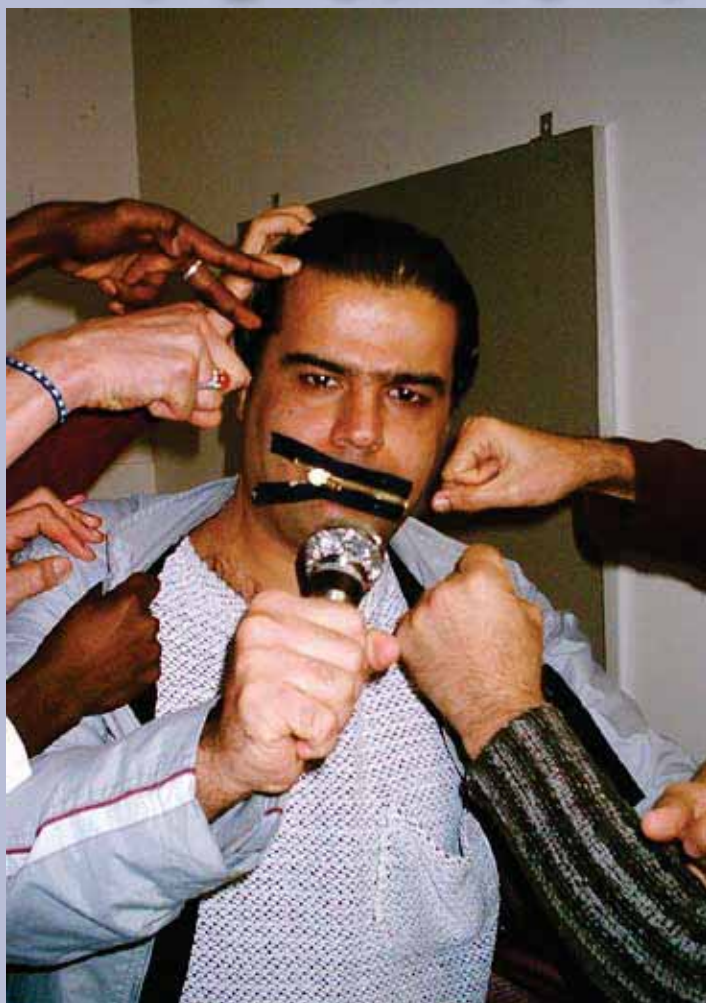
چنانچه به شما ترک خاک انگلستان را اعلام کرده اند

چنانچه مدارکتان کافی برای اثبات پناهندگی نبوده است

با دفتر مشاورین وکلای حقوقی ایران تماس بگیرید و مطمئن باشید که بهترین را انتخاب کرده و پشیمان نخواهید شد

تلفن: 0773 717 63 51

هنرمند جوان ایرانی در سوئیس از عشق به ایران می خواند



به تازگی با اطلاع گردیده ایم که شری هنرمند جوان ایرانی ساکن کشور سوئیس موزیک و ویدئو کلویی آماده نموده است که به زودی به بازار می آید مصاحبه ای تلفنی با این عزیز انجام گرفته است

س: خودتان را معرفی نمائید

ج: شهرام بزرگ هستم که با نام هنری شری فعالیت می نمایم

س: نام اثر و موضوع چیست؟

ج: نام آن سانسور و به سانسور و عدم آزادی فعالیت های هنری در ایران می پردازم و من از قسمت هایی از فیلم سینمایی مارمولک و چند فیلم کوتاه در این کلیپ استفاده کرده و با این کار از آن عزیزان قدر دانی و اعلام می دارم یاد فیلم مارمولک و فیلم های سانسور شده دیگر همیشه در یاد ما زنده می باشد

س: شعر و آهنگ و کارگردانی تلویزیونی از کیست؟

ج: با پوزش چون شاعر و آهنگ ساز این اثر در ایران زندگی می کنند از نام بردن آن عزیزان معذورم چون.... ولی کار ویدئویی آن را یک شرکت سوئسی انجام داده و کارگردانی آن از خودم است

س: کارهایی که در دست انجام داری چیست؟

ج: با یاری ایزد منان برای سال جدید شمسی یک آلبوم که کلیه آهنگ هایش با ویدئو کلیپ می باشد آماده و در خدمت موزیک

دوستان عزیز قرار می گیردد این آلبوم یک کار به زبان روسی و یک کار با خواننده سوپر استار کشور سوئیس آقای جیما به صورت نصف انگلیسی توسط من و نصف آلمانی توسط جیما اجراء میشود و باقی کارهای آلبوم به زبان فارسی می باشد

س: آرزوی موفقیت برایت دارم اگر صحبت خاصی دارید بفرمائید

ج: تشکر از مجله زیبا و پر محتوای رنگارنگ از همین جا خسته نباشید به عزیزان عرض نموده و ممنون از فرصتی که به من داده شد و از همه فارسی زبانان که سانسور را می بینند اگر ایرادی در کار من مشاهده می کنند نظرات خود را به من ارائه نمایند چون کار اولم بوده و تجربه کافی نداشتم و از آهنگ سازان و شاعران جوان تقاضای همکاری دارم

www.shery.org

sherypopmusic@yahoo.com



در سی و نهمین سال تولد يك راز بزرگ



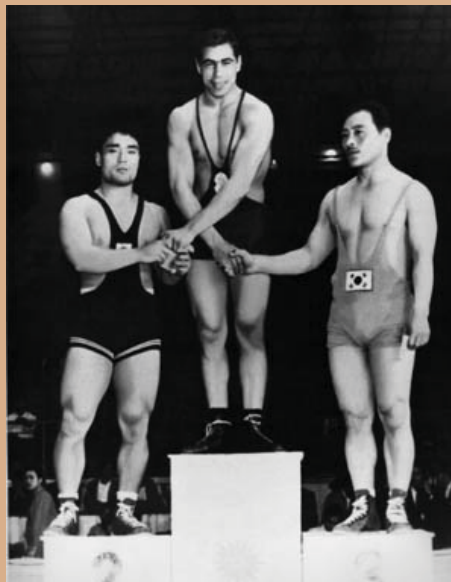
برای آنها که تختی و جواتمردی را دوست دارند هر روز ۱۷ دی است. روزی که جواتمردی خاطره شده و از بین ما رفت

نه قهرمان المپیک بودنش از جهان پهلوان، تختی ساخت و نه مدال ها و افتخارات کم نظیرش. تختی با مردم بود و در قلب مردم خواهد ماند جهان پهلوان غلامرضا تختی روز ۵ شهریور سال ۱۳۰۹ در محله خانی آباد تهران متولد شد و پس از ۳۷ سال و ۴ ماه و ۱۲ روز زندگی روز ۱۷ دی ۱۳۴۶ در هتل آتلانتیک تهران درگذشت جهان پهلوان تختی که هنوز هم رکورددار کسب تعداد مدال طلا، نقره و برنز در میادین المپیک و مسابقات جهانی است در کارنامه ورزشی خود افتخارات زیر را ثبت کرده است

- مسابقات جهانی هلسینکی فنلاند ۱۹۵۱: * مدال نقره
 - بازی های المپیک هلسینکی فنلاند ۱۹۵۲: * مدال نقره
 - مسابقات جهانی ورشو لهستان ۱۹۵۳: * مدال نقره
 - مسابقات جهانی توکیو ژاپن ۱۹۵۴: * مقام چهارم
 - بازی های المپیک ملبورن استرالیا ۱۹۵۶: * مدال طلا
 - مسابقات جهانی صوفیه بلغارستان ۱۹۵۸: * مدال نقره
 - بازی های آسیایی توکیو ژاپن ۱۹۵۸: * مدال طلا
 - مسابقات جهانی تهران ایران ۱۹۵۹: * مدال طلا
 - بازی های المپیک رم ایتالیا ۱۹۶۰: * مدال نقره
 - مسابقات جهانی یوکوهاما ژاپن ۱۹۶۱: * مدال طلا
 - مسابقات جهانی تولیدو آمریکا ۱۹۶۲: * مدال نقره
 - بازی های المپیک توکیو ژاپن ۱۹۶۴: * مقام چهارم
- روحش شاد و یادش گرامی باد

شمشیر تقدیر سهرابش را کشت. آخر عکسسی است که در صفحه آخر کیهان ورزشی چاپ شده. يك تصویر عمودی از تختی و همسر و بابك. عکاس هنرمندی کرده و عکس را در موقعیت ضد نور گرفته. زمینه تصویر خاکستری است و سوژه ها مشکی اند. سردبیر کنار عکس تیر زده: «دل شیر، خون شده بود تیتري جاودانه و بی نظیر که بعد از ۳۹ سال ذره اي از عظمت خود را از دست نداده. می خواستم بنویسم شاهکار. مثل بیت هایی که فردوسی آن ها را با قلم و دوات جاودانه کرد

۱۷ دي. بهانه تکرار کلي حرف است که بارها گفته شده. یادآوری يك دریغ عظیم. اما پهلوان از آن چه مصیبت به نظر می رسید گذشت و جاودان شد. البته اینکه این جاودانگی به چه کار پهلوان جواتمرد داستان ما می آید هم



!سوالی است

تختی، می شود او را به يك قطعه جاودان توصیف کرد. ترانه ای که به هنگام گوش سپردن و در لابه لای زخمه ها و نت ها و کلمات آن، می توانید خود را پیدا کنید. آهنگی که شنیدن مکررش بر لذت آن می افزاید. انگار که می خواهی در آن میان رازی کشف کنی: «خود» را پیدا کنی

تختی. «من» دست نیافتنی ماست. «من» آرمانی. پاك و سالم. زورمند و افتاده ... و البته همیشه جوان. اسكندر که خاك دنیایی را به توپره کشید تا به آب حیات برسد خبر نداشت جاودانگی به همین سادگی است. ساده. مثل غلامرضا تختی

تختی همه جا حضور دارد. در تمام شهرها و روستاهایی که سالن های ورزشی نام جهان پهلوان به خود گرفته اند. در تمام پوسترهایی نقش بسته به دیوارها و در تمام خاطرات حک شده بر ذهن ها

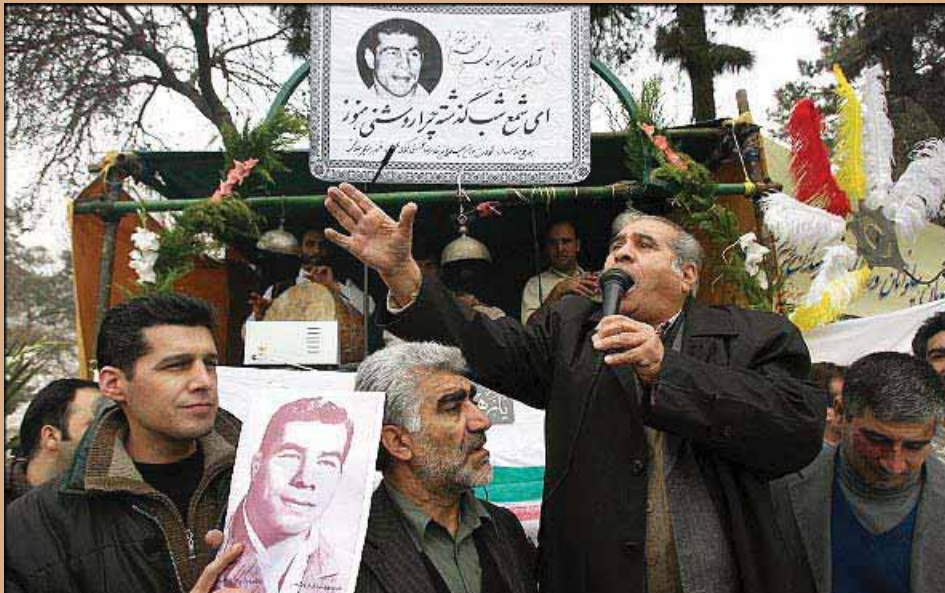
هتل آتلانتیک. ۱۷ دي ۱۳۴۶. غلامرضا تختی آخ ! دوباره رسیدیم به ۱۷ دي. سالروز مرگ غلامرضا تختی و روزی که اتفاقات پس از آن بارها و بارها آقای امیرحسین ساعد. هتلدار محترم را تا مرز نیستی برد. آقای ساعد که ۳۹ سال است هر روز در حوالی ۱۷ دي باید پاسخ سوالات تکراری نسل های مختلف روزنامه نگاری را بدهد که به قصد رازگشایی دق الباب می کنند: رازی که بنا نیست بر ملا شود

تختی يك راز جاودان است و الا چطور ممکن بود ۳۹ سال تمام بنویسیم و بنویسند اما باز حرفی برای گفتن مانده باشد. شاید. علت. آن مرگ زودهنگام و آن شمایل دلنشین و اسطوره ایست که هیچ وقت پیر نشد: آن صورت جوان. مهربان و دوست داشتنی که از درون عکس به جان نفوذ می کند. در همین باره می توانیم از همدوره ای های او مثال بزنیم: قهرمانانی که از پیچ جوانی گذشتند و به دره پیری غلتیدند بی آنکه چیز دندان گیری از آنها در یاد بماند: در ذهن هایی که هر از چندگاه به قهرمان تازه ای دل می بستند و دوباره از یاد می بردند تا دوران «بعدي» برسد

شگفت اما اینجا است که فقط تختی بود که در همین ذهن ها باقی ماند. چرا؟ نویسنده ای نوشته است: «تختی مولود جامعه ای بود سرکوب شده که به قهرمان نیاز مبرم داشت. تختی آخرین تجلی «نماد پهلوانی» بود. تختی به سودها و آرزوهای سرکوب شده قهرمانانه دورانش جسمی مادی بخشید. جسمی که توسط خود - یا دوستدارانش - رنگ و بویی اسطوره ای و اسرارآمیز گرفت تا افتخار را به آرمان تبدیل کند. « اما سوال این است: آیا همین پهلوان، اگر زنده می ماند. این حد از ستایش و توجه را به خود جلب می کرد؟ پاسخ این سوال شاید در جذبه نهفته در همان تصاویر پر تعداد آرمیده باشد و جواتمردی

پاسخ «سیاوش» است. مخلوق زیباروی و مظلوم ابوالقاسم فردوسی که ناخودآگاه دوستش می داری. در این باره باید از آنها نیز نوشت که نام تختی را بلندآوازه نگه داشتند و منش او را به ماورا رساندند. بابك تختی از ماجرای مجسمه سازی تعریف می کرد که می خواست تندیس پهلوان را مو به مو بسازد: «بعد از اینکه از من عکس انداخت. گفتم دوستان تختی می گویند من کمی از او بلندقامت تر هستم. اما او جواب داد امکان ندارد. تختی حتما خیلی از تو بلندتر بوده

این همان آقا تختی است پهلوانی که با عکس های سیاه و سفید و نوشته های پر حس و حال جان تازه ای گرفت. حتما خدا دوستش داشت که مثل سیاوش. آسمانی شد و الا زمینی که ما می شناسیم به هیچ کس رحم نمی کند. حتی به رستم. یل شاهنامه که با



را از بین متقاضیان می‌سپردند «داود میرباقری» بسازد. جای «خسرو نظافت‌دوست». همان «داربوش ارجمند» - که تمام شخصیت‌های تاریخی زمانه است! - پوریای ولی هم می‌شد تا دیگر هیچ بزرگمردی از قلم نیافتاده باشد دیگر هیچ بنی‌بشری «مهدی تختی» را نمی‌شناخت که سالی یک بار در ابن‌بابویه به دوربین‌های جست‌وجوگر اعضای خانواده تختی. بگوید: «آقا من بزرگش کردم. من بردمش باشگاه. من بالا سرش بودم. من... من راستی تختی اگر آن طور دلخراش کف غسالخانه نمی‌خواهید. عمر آن پهلوان اگر چندسالی دیگر هم به دنیای فانی بود. الآن غیر از بابک حتماً بردیا را هم داشت. سیاوش و آرش و شاید مثلاً دختری به نام تهمینه را هم امیر رضاخادم» هم آن قدر اصرار نمی‌کرد که المپیک پنجم اش را برود: شکستن رکورد آدم‌های زنده. کجا طعم کن فیکون کردن رکورد اسطوره‌ها را دارد؟

تا امروز برای مرده تختی یک میلیون مطلب نوشته شده و چند تایی هم کتاب. اما تختی اگر زنده بود. شاید عروس تختی هم یادداشتی درباره‌اش می‌نوشت. چیزی شبیه «من. همسر و پدر پهلوانش» به قلم «منیرو روانی‌پور». بوشهر کشتی‌گیر ندارد. اما دلیرمرد تا دلت بخواهد. حتماً مطلب خوبی از آب درمی‌آمد و همین الآن هم اگر بنویسید می‌شود گفت که حاوی نکات حیرت‌انگیزی خواهد بود. اگر که بنویسید

عمر تختی اگر به دنیا بود. بعضی از بنده‌خداهایی که هر ۱۷ دی فرصت سخن‌سرایی بر سر مزار محضر زنده‌نام غلامرضا تختی را پیدا می‌کنند: حتماً چتر خود را جای ابن‌بابویه. در ظهیرالدوله پهن می‌کردند و پشت بلندگو چنان «توفیق... توفیق» می‌کردند که اگر تختی زنده بود. اسم این میدان و آن خیابان و تمام ورزشگاه‌ها و الگوی لفظی همه ورزشکارها. یا توفیق بود یا مرحومی دیگر. نبود؟

هر چی. چون زنده ماندن بعد از آن یعنی بر باد دادن مصالح لازم برای ساختن پیکره یک اسطوره: چون زنده بود. عمراً بحثی از پای مصدوم «الکساندر مدوید» طرح می‌شد. هیچ‌کس یادی از پسرک افلیج و تخمه‌فروش سالن مشهد نمی‌کرد که چطور زندگی فلاکت‌بارش را با دست‌های تختی سر و سامان داد

زنده ماندن تختی. مانعی مزاحم برای به یاد آوردن حرکت استثنایی‌اش در زلزله بوبین‌زهرها بود. هیچ همدوره‌ای هم یادی از ماجرای تقسیم پاداش مسابقات جهانی ۱۹۵۱ هلسینکی نمی‌کرد. بعضی از همدوره‌ای‌های ثروتمند که هنوز هم سالی یک شب میهمانی می‌گیرند. شک نکنید که تختی را به بزم شان دعوت نمی‌کردند. همان‌ها که درگوشی پیچ می‌کنند: «مگه ما چی‌مون از تختی کمتره؟ در ورزش این مملکت. تیغ حسادت از گیوتین هم خطرناکتر است. برای اثبات تیزی‌اش ضرورتی به زنده بودن تختی نیست. او همان پنج سال آخر عمرش بارها زهر کشنده حسدورزی برخی از همدوره‌ای‌ها را چشید

نواده «رشید حاج قلی تختی» اگر در هتل آتلانتیک تهران به رحمت خدا نمی‌رفت و نمی‌رفت و نمی‌رفت تا امروز. به میمنت و مبارکی. این جام کم‌اعتبار بین‌المللی هم هیچ وقت برگزار نمی‌شد. تختی می‌ماند و دلخوری‌اش از چند کشتی‌نویس که گیر داده‌اند چرا دعوت به عضویت در کمیته فنی را پذیرفته یا نپذیرفته. اگر هم می‌خواست پاسخی بدهد. قلم‌ها تیزتر می‌شد که آقا اصلاً شما چرا بعد از مسابقات جهانی ۱۹۶۲ تولیدو خداحافظی نکردی؟ چرا به المپیک توکیو رفتی؟ تا ۱۹۶۶ کشتی گرفتن دیگر چه بود؟ اصلاً خودت که سال ۱۳۵۹ مسئول تربیت‌بدنی کشور بودی چه گلی به سر ورزش مملکت زدی که الآن داری (مثلاً) از «بهرام افشارزاده» انتقاد می‌کنی؟ و همزمان. «علی حامی» که داشت فیلم «پوریای ولی» را می‌ساخت. از دار دنیا می‌رفت و بقیه اش

اگر تختی زنده بود

شاید اگر بیتوته کوتاه «غلامرضا تختی» در جهان کمی بیشتر کش می‌آمد. حالا داشتیم یادداشت «اگر جهان‌بخت توفیق زنده بود» را می‌نوشتیم

بعد با عتاب می‌نوشتیم: چطور است که از مظفرالدین شاه و صد و ده سال قبل هم تصویر داریم. اما از جهان پهلوان «جهانبخت توفیق» یک کشتی کامل هم در هیچ آرشیوی موجود نیست؟

اکیپ‌های مکاشفه‌گر و مستندساز. برای گشودن گره رازهای پنهان مرگ مشکوک جهان‌بخت توفیق. عازم لندن می‌شدند و بایگانی بیمارستان سلطنتی را شخم می‌زدند. پرسنل بازنشسته بیمارستان را از آسایشگاه سالمندان چسترتون گیر می‌آوردند و هرطور شده به خاطرشان می‌آوردند که: «اوه. بله... یک چیزهایی هست که هرگز فراموش نمی‌شود. یک ورزشکار ایرانی را برای معالجه آورده بودند هاسپیتال رویال. رفتار بسیار خوبی داشت. معلوم بود که انسان بزرگی است

بعد اسناد بستری شدن جهان‌بخت جوان‌تر در آن بیمارستان را با خاطرات و افشاگری‌های جدید از پرسنل فسیل و ویلچرنشین. همه‌ساله در سالگرد غم‌انگیزش به چاپ می‌رساندیم نمی‌دانیم اگر تختی زنده بود. الآن هم زنده بود یا نه؟ یعنی اگر ۱۷ دی ۱۳۴۶ اندام تنومندش در سردخانه یخ نمی‌بست و چند سال دیگر هم چراغ عمرش افروخته باقی می‌ماند. در حد همان چند سال دیگر فقط می‌شود پیش‌بینی کرد. سیر حوادث تاریخی در آن سال‌ها. به طرزی هندسی با همدیگر تطبیق پیدا می‌کردند و قطعه تختی را هم می‌شود در پازل آن سال‌ها گنجانند. اما از یک جایی به بعدش را فقط خودش باید می‌ماند و زندگی می‌کرد که بشود فهمید از اسطوره‌ای که الآن هست. از موجود زنده‌اش چیزی اصلاً به دهه ۷۰ می‌رسید؟

نه این‌که تختی با مردنش زنده شد؛ فقط زنده‌اش مثل مرده‌اش نمی‌توانست اسطوره باشد. ضمناً هم نمی‌توانست بدون جایگاهی مجزا از بقیه هم بماند

تختی اگر نمی‌مرد. ۱۲ سال بعد از زنده ماندنش. یعنی سال ۱۳۵۸: جای دوست گرامی‌اش «حسین شاه‌حسینی». او بود که مسئول تربیت‌بدنی در دولت موقت می‌شد. حتماً در این صورت. جای «محمدعلی صنعتکاران». «مصطفی تاجیکی» را به سمت اولین رئیس فدراسیون کشتی بعد از انقلاب مفتخر می‌کرد. که اینها همه سلیقه شخصی است و زیاد مهم نیست

تختی حتماً به چند استان سرکشی می‌کرد. خدماتی هم در حد توان محدود و بودجه ناچیز ورزش در دولت مهندس بازرگان. برای استان‌های محروم انجام می‌داد و یک سال بعدش هم برکنار یا استعفا یا هر چی



امسال کسی شرمنده نشد

تمام آن‌ها که امسال برای شرکت در مراسم سالگرد «غلامرضا تختی» به ابن بابویه رفتند. متوجه اتفاقی تازه شدند: برخلاف هرسال. «بابک تختی» تنها یادگار قهرمان اسطوره ای ایران، سر خاک پدرش نبود.

قضیه از این قرار است که چند روز پیش از ۱۷ دی، بابک همراه همسر و فرزندشان «غلامرضا» ایران را ترک کرده و برای مدتی به آمریکا رفتند. همین ماجرا سوژه بابک شده تا در یادداشتی کوتاه که در وبلاگ پسرش نوشته، به کنایه: از سانسور همیشگی که رسانه اخوندی در مورد او اعمال می‌کند و همچنین از وعده و وعیدهای هرساله مسئولان چپ و راست مملکت، بگوید متن این یادداشت - که به درخواست غلامرضای کوچک نوشته شده است - را بخوانید: «امسال کار همه ساده تر بود: هم کار من، هم کار صدا و سیما، صدا و سیما دیگر مجبور نبود با سانسور، تصاویر سالگرد درگذشت پدرم را نشان بدهد. و من هم لازم نبود پی در پی به همه بگویم که توی ساختمان بودم. تمام روز کنار مقبره

امسال کارم راحت تر بود. مجبور نبودم بگویم پای میکروفن حرف می‌زنم. چون می‌دانم که حاج آقا - همان کشتی‌گیر شهر ری که گویا حالا پسرکش کاره ای شده - کنارم می‌ایستد و وسط حرفم می‌پرد و فاخته از جماعت طلب می‌کند

امسال دیگر احساس شرم نمی‌کردم جلو همه مردمی که زیر باد و باران و حتی برف بی سرپناهی می‌ایستادند. بعد از این همه وعده و وعید انتخاباتی و انتصاباتی. و نمی‌دانم امسال چه باید در جواب مردم می‌گفتم. که مگر سال قبل فلان ریس و فلان وکیل به عتاب

باید به تاخیر عادت کرده باشیم مردم در طی همه این سال‌ها در مراسم یادبودش، بدون هیچ چشم داشتی شرکت می‌کنند و این است که ارزش دارد

اگر قدر تختی را ندانیم وارثان خوبی نخواهیم بود

آن وسط بین جماعت، یکی داشت می‌سوخت بابک تختی دلش آتش گرفته بود. دوست داشت فریاد بزند و حرفش را بگوید اما... می‌لرزید. صدایش اگر می‌گفت می‌لرزید. پاهایش از خشم می‌لرزید. دلش می‌لرزید و می‌سوخت... می‌سوخت مثل قهرمان «پرویز مافی نژاد» که خبر مرگ تختی را تاب نیاورد و یک روز بعد از او... دلش سوخت. جگرش پاره شد

بابک دوباره به کنار پدر برگشته. بعد از آن. سخنرانی کوتاه. باز به همان جایی برگشته که از صبح زود ایستاده بود و به مردمی که برای فاخته بر سنگ تختی می‌آیند، سلام می‌کند. سلام. سلام. سلام

او روزهایی را به یاد می‌آورد که مجبور بودند غربانه و پنهانی تا همین نقطه عالم بیایند و خبری از مراسم سالگرد و هجوم مردم نبود. او و مادرش شهلا چه روزهای سختی را پشت سر گذاشتند

تمام این خاطره‌ها، یاد آن عذاب هاست که نمی‌گذارد بابک خاموش بماند. پشت تریبون. وقتی بین سخنرانی‌های صغیر و کبیر، وقت کوتاهی به او دادند گفت: «وارثان خوبی نخواهیم بود اگر قدر تختی را ندانیم و اینطور به آرامگاه او بی‌توجهی کنیم. آیا نباید جایگاهی در شأن او ساخت و ظلمی که در تمام آن سالها بر تختی رفته را جبران کرد؟

امر نفرموده بودند که بنایی بی بدیل در قرون و اعصار ساخته شود به نام خانه ی تختی؟ نمی‌دانم امسال آن‌ها آمدند یا نه. ولی می‌دانم امسال دیگر کسی شرمسار نبود جالب این که در میان نظرات خوانندگان این پست وبلاگ چراغ جادو. چند خطی به قلم «شهلا» همسر مرحوم تختی هم دیده می‌شود: «بابک جان! نوشته ات را در وبلاگ غلامرضا خواندم. نمی‌دانم چرا این همه خودت را اذیت می‌کنی و این همه زیاد حساسیت داری. مهم این است که تختی واقعاً در قلب همه مردم زنده مانده. مهم نیست آرامگاه تشریفاتی مفصل داشته باشد. مهم نیست که زور خانه در کنارش باشد. مهم نیست که مسئولین محترم به قول هایشان عمل بکنند یا نکنند

ما توی مملکتی زندگی می‌کنیم که برای ساخت یک پروژه معمولی، شاید نیاز به سال‌ها وقت داشته باشیم. چرا توقع داری طرحی که برای پدرت داده اند سریع عملی بشود؟ ما



مدرسه آموزش فوتبال ایران



با حضور مربیان صاحب نام و شناخته شده در ورزش ایران هر هفته پذیرای فرزندان شما خواهد بود
 بزرگترین قهرمان فوتبال جهان را پدر یا مادری مسئول و دلسوز در کودکی به میادین ورزشی برده اند
 چرا فرزندان شما فردا قهرمانی بزرگ نشوند
 دانش و تخصص و تجربه و امکانات از ما آوردن فرزندان شما به طور منظم از شما
 مدرسه آموزش فوتبال ایران هر هفته روزهای یکشنبه از ساعت ۲-۱۲ بعد از ظهر در مناطق شمال و
 غرب لندن برگزار می گردد

علاقه مندان می توانند با دفتر انجمن ورزش ایرانیان تماس حاصل نمایند

07930322064 02076044266

سالن آرایش و زیبایی پرسیس

پرسیس قیمت ها را می شکند

آرایش مو، رنگ مو، مش، ویتامینه و آرایش
 کامل عروس و داماد با تخفیف ویژه
 تتو ابرو؛ لب و خط چشم مانیکور و
 پدیکور؛ تمیز کردن صورت؛ از بین بردن
 لکه ها؛ سوزاندن موهای زائد؛ سوراخ
 کردن گوش

243 ELGIN AVENUE

LONDON W9 1NJ

TeL: 020 73 72 53 39

روبروی آندرگراند میداول

PROSPER BUSINESS CENTRE

دفتر کار از هفته ای ۶۹ پوند

شامل:

BUSINESS RATE

برق - آب و تمیز کاری دفاتر
 منشی برای دریافت پیغام های تلفنی و انجام
 امور اداری
 فتوکپی - فکس و دریافت و توزیع نامه ها

Tel: 02073280002

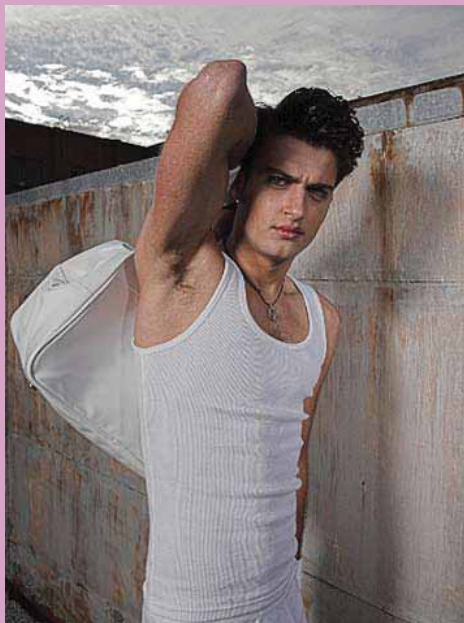
07939110764

ADDRESS: PROSPER HOUSE

146-154 KILLBURN HIGH RD NW6

CLOSE TO WEST HAMPSTEAD / MAIDA VALE

پول شهرت و آینده متعلق به شماست



امروزه در جهان دنیای مد حرف اول را می زند

شما هم شانس خود را آزمایش کنید

HANNAH MODELING AGENCY

اولین آژانس رسمی ثبت شده مدلینگ ایرانی در بریتانیا درهای آینده را به روی شما می گشاید

HANNAH MODELING AGENCY

این فرصت را به شما می دهد که بتوانید پس از سپری کردن یک دوره کوتاه آموزشی وارد جهان مد شوید

Hannah Modeling Agency

اولین آژانس رسمی ثبت شده طبق قوانین حقوق و صنفی در انگلستان اعلام
موجودیت می نماید و کسانی که مایلند بصورت جدی فعالیت داشته باشند
میتوانند بادفتر این آژانس تماس گرفته و اطلاعات بیشتر رادریافت نمایند

02076044266

تلویزیون رنگارنگ لندن بر بام جهان از تلویزیون جهانی پارس

های مطرح در جامعه هنری ایرانیان و سایر ملل هستند از جمله ماه چهره خلیلی؛ جلیلی و امینی هستند که ثمره فعالیت‌های آنان در تلویزیون رنگارنگ می باشد

تلویزیون رنگارنگ با ارائه برنامه های جدیدی از جمله ورزش، مد و چهره های علاقه مند به مدلینگ؛ خوانندگی و بازیگری از همه کسانی که مایل هستند در این زمینه همکاری کنند با دفتر تلویزیون رنگارنگ با شماره ۰۲۰۷۶۰۴۴۲۶۶ تماس حاصل نمایند



تصویری ملی و میهنی است که در لحظه؛ لحظه برنامه هایش روشننگری و افشای گری در جهت حفظ منافع ملت ایران دیده شده و خواهد شد در برنامه های تلویزیون رنگارنگ چهره های جوان و مستعدی به ایرانیان معرفی شدند که اکنون از چهره

هر پنجشنبه ساعت ۱۰/۵ شب به وقت اروپا و ساعت ۹/۵ شب به وقت انگلستان شاهد برنامه های تلویزیون رنگارنگ لندن از شبکه جهانی پارس باشید

تلویزیون رنگارنگ لندن از سال ۱۹۹۴ در لندن آغاز به کار کرد و تنها رسانه تصویری در اروپا بود که برنامه هایش با حضور چهره های بزرگ و محبوبی چون فخری نیک زاد؛ پرویز صیاد؛ ایرج جنتی عطایی؛ پرویز کاردان؛ ستار لقای و کلیه هنرمندان مطرح در موزیک؛ تئاتر و سینما؛ ورزش و فرهنگ و ادب کشورمان پهنش می گردی. تلویزیون رنگارنگ پرچمدار و پیشرو و رسانه

دنیای مد و جوانان نسل دوم ایرانی در خارج از کشور

میشود این نسل را باید اعتباری دیگر بخشید زیرا اینان درهای بسته و تعصبات خشک و استدلال های کهنه را شکسته اند و در دهکده متمدن جهانی هم طراز و هم دوش هم نسل های خود گام برداشته اند گروهی از این چهره ها را که در دنیای مد به موفقیت‌هایی رسیده اند را به شما معرفی می کنیم چنانچه شما هم دلتان می خواهد در این دنیای جذاب شرکت کنید می توانید شانس خود را آزمایش کنید و با دفتر آژانس مدلینگ حنا تماس بگیرید

دنیای مد برای جوانان جاذبه و کششی فوق العاده دارد در دنیای مد ثروت، شهرت و محبوبیت برای ستارگان آن وجود دارد

پس از ۲۷ سال کوچ اجباری میلیون‌ها ایرانی به خارج از کشورشان که نسل دومی رشد کرده و از سایه پدر و مادر های فراری خود دور شده اند به تدریج در کشورهایی که زندگی می کنند استعداد، نبوغ و علائق خود را نشان می دهند در سینما؛ تئاتر؛ موزیک؛ ورزش؛ اقتصاد؛ علم و دانش و مد شاهد حضور نسل دوم ایرانی هستیم که پیشرو و راه گشای نسل‌های آینده

Hannah Modeling Agency

اولین آژانس رسمی ثبت شده طبق قوانین حقوق و صنفی در انگلستان اعلام موجودیت می نماید و کسانی که مایلند بصورت جدی فعالیت داشته باشند میتوانند با دفتر این آژانس تماس گرفته و اطلاعات بیشتر رادریافت نمایند

02076044266



Three Centuries of Fine Art in Jewellery

جواهرفروشی مظفریان به هموطنان عزیز بخصوص زوجهای جوان زیباترین طرحهای انگشتری و حلقه های نامزدی را با قیمتهایی باور نکردنی و تخفیف ویژه تقدیم میکند



Mozafarian Jewellers Ltd

Showroom & Head Office 88 Brompton Rd. , Knightsbridge, London SW3 1ER
Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Email: info@mozafarian.com website: www.mozafarian.com



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS





زیباترین طرحهای جواهرات جهان با نام مظفریان میدرخشد



سفرهای مارکوپولوی مجله رنگارنگ

به منافع اندک و نازل خود توجه دارند و چون گوسفند سرشان را به زیر می اندازند و به اماکن رژیم در خارج از کشور می روند

مجله رنگارنگ دکانی برای کاسبی نیست بلکه تریبونی است مستقل و آزاد و ملی که خوب و بد پیرامون زندگی ایرانیان را منعکس می کند و در این هیاهوی خود فروشی و ارزان فروشی تریبون داران ایرانی مجله رنگارنگ تک صدایی است که پژواک فریادش بر روح و جان دل سوختگان وطن را خوش می آید

در این سفر طولانی که بیش از سه هزار کیلومتر را طی کردیم دوستان با محبتی چون همیشه مدد کارمان بودند که بدون کمک و یاری و محبت آنان هرگز مجله رنگارنگ توفیق آن را نمی یافت که به منازل هزاران ایرانی در اروپا برود

جای دارد سیاسی داشته باشیم از دوست و رفیق همه سالهای نوجوانی و جوانی تا به امروز حسن متقیان که همه گاه در فرانسه و این بار در آلمان هم یاورم بود

محسن روحانی دوست با صفا و خانواده خونگرمش که طی این همه سفرهایم به آلمان زحمات بسیاری را متحمل شدند

احمد نورانی از دوستان قدیم که چند روزی میزبان ما بود و محبت بسیار کرد و همه عزیزان که صاحب کسب و کار هستند و ما را با گشاده رویی پذیرا شدند و با فروش مجله و دادن آگهی های خود ما را امیدوار تر ساختند

مجله رنگارنگ این بار مسافری با کوله باری سنگین تر از همیشه در کشور آلمان بود و به دیدار اکثریت صاحبان سوپر مارکت های ایرانی در این کشور رفت تا مجله رنگارنگ در وسیع ترین شکل ممکن در آلمان توزیع و پخش گردد

باید هر شماره نگران اما و اگرها باشد که مجله هزینه اش تامین شود و نشریات قارچی مسلسل وار و با کمک امدادهای غیبی با حراج آگهی ها و مجانی وارد بازار میشوند؟

تجربیات این دوره مجله رنگارنگ فصل تازه ای در زندگی ۲۸ ساله ایرانیان در خارج از کشور است این دوره را باید فصل خزان ملتی در غربت نامید فصلی که بسیاری از ایرانیان چون برگ های زائد و بی مصرف از شاخه های درخت پر افتخار تبعید و مبارزه به پای آخوندهای جنایتکار رژیم سقوط کردند و مرزهای خود را با رژیم را زیرپای نهادند و باعث غرور و شادی چهره پلید و جنایتکار رژیم شدند که با آمار و ارقام از حضور ایرانیان بازگشته به دامان رژیم مقابل مدعیان حقوق بشر بایستند و از حضور ایرانیان در اماکن رژیم در خارج از کشور مانند سفارت خانه ها - مجمع اسلامی ها - کانون ها پز بدهد و آن را به رخ جهانیان بکشد

در این دوره تلخ غربت مجله رنگارنگ که چون مسافری به هر شهر می رفت ایرانیان بی شماری را ملاقات کرد گروهی هنوز چون شیر در کمین رژیم به مبارزه ادامه می دهند گروهی که اکثریت هم هستند نفرت و انزجار خود را از رژیم حفظ کرده اند ولی آهسته و پیوسته زندگی می کنند به ایران رفت و آمد می کنند ولی در خارج از کشور چهره مخالف خود را حفظ کرده اند و آنان که آلوده بازی های رژیم در خارج شده اند مشتی مزدوران خود رژیم هستند که در قالب پناهنده به خارج گسیل کرده است و گروهی فرصت طلب و سود جو که فقط

سفرهای مارکوپولوی مجله رنگارنگ به کشورها و شهرهای اروپا این بار در پاریس فرانسه - بروکسل و لیژ در بلژیک - آخن، کلن، بن، دورسدورف، دورتموند، هامبورگ، هانوفر، گورتینگن، فرانکفورت، آخن باخ، بوخوم، مونیخ، اشتوتگارت و.... آلمان

پانزده ماه از آغاز سفرهای اروپایی مجله رنگارنگ می گذرد و طی این مدت مجله رنگارنگ دور تازه ای را پشت سر نهاده

سفرهای طولانی و صدها مجله که گاهی وزن آن به ۲۰۰ کیلو هم می رسد که بلند کردن یکی از ساک های ملو از مجله واقعاً نیازمند یاری حداقل ۲ نفر است و همه گاه سه تا چهار چمدان را باید با خود کشید و اکثر اوقات خودم هم متحیر و شگفت زده از این همه انگیزه و نیرو و حوصله میشوم ولی جوابش را به یاد می آورم: حرفی در مجله رنگارنگ هست که باید به گوش و چشم ایرانیان برسد هر چند حداقلی را خوشحال کند

حلقه گمشده جامعه ایرانیان در خارج از کشور حضور رسانه هایی است که به وظایف حرفه ای انسانی و ایرانی خود عمل نمی کنند و چون مرده شورانی در برابر دستمزد هر مرده ای را کفن می کنند نگاهی ساده به اکثریت نشریات قارچی در خارج از کشور گواه این ادعاست که نمونه بارز آن را می توان در انگلستان و آلمان دید که طی این چند سال اخیر مانند قارچ سمی تعداد زیادی کاغذ پاره هایی به نام تبلیغاتی با حمایت نامرئی رژیم آخوندی روئیده است دو دوتا چهارتای آن کاملاً معلوم است قیمت های آگهی ها در حد مجانی، نشریات همگی مجانی حالا پیدا کنید پرتغال فروش را؟

جالب است که هیچ یک از این به ظاهر نشریات حتی جرات قیمت گذاری ۵۰ سنت یا پنس را هم ندارند کسب درآمد و مر معاش از راه شرافتمندانه و انسانی و حرفه ای حق مسلم هر انسان تلاشگری است که با هر عقل متوسطی حساب و کتابش جور باشد ولی با همه چیز مجانی و رایگان باید دنبال امدادهای غیبی گشت

مجله رنگارنگ با ۲۰ سال پشتوانه انتشار و کیفیتی بی نظیر در چاپ و حضور نویسندگانی نام آشنا و دلسوخته وطن





اعدام ماریا استوارت ملکه انگلستان

طبق نشست‌های محرمانه در دربار انگلستان قرار بر این شد که برای جلوگیری از هر نوع پیش آمد غیر مترقبه مراسم اعدام ملکه انگلستان ماریا استوارت در سالن دربار انجام گیرد در این روز تاریخی ۳۰۰ نفر از بزرگان و امرای آن عصر بعنوان تماشاگر صحنه خونین گردن زدن ماریا استوارت انتخاب شده بودند

بامداد روز بیستم فوریه ماریا استوارت مجرم آن زمان با قدم های آرام و با خونسردی کامل به همراه چند مامور ویژه وارد سالن می شود با ورود ملکه سکوتی مطلق همراه با نگاه های مبهوت و حیرت زده تماشاگران در سالن حکم فرماست . ماریا استوارت ملکه ۴۴ ساله از محبوبیت خاصی در میان مردم برخوردار بود و همین محبوبیت چنان حسادت و دشمنی در دل خواهرش الیزابت ایجاد کرده بود که ۱۸ سال اسارت و سرانجام مرگش به آن پایان داد

شرکت کنندگان در این مراسم خونین گزارش می دهند که ماریا استوارت با غرور و خونسردی کامل سه پله جایگاه اعدام را پشت سر نهاد چند لحظه بعد جلاذ تبر در دست به همراه همکارش در پوششش کاملاً سیاه وارد محوطه اعدام شدند

طبق سنت و آیین آن عصر جلاذ از ماریا استوارت به خاطر انجام وظیفه و اجرای دستور ملکه الیزابت پوزش طلبید سپس ماریا استوارت کار جلاذ را از صمیم قلب مورد بخشش قرار داد و کار او را یک اطاعت و انجام وظیفه شغلی به شمار آورد و عمل جلاذ را که سبب رهایی او از دردها و رنج های زندگی که بایستی سالیان متوالی تحمل کند می شد گرامی شمرد لحظه ای بعد دو ندیمه ویژه ماریا استوارت برای تن در آوردن پوشش سیاه او پیش آمدند آخرین لباسی را که ماریا بر تن داشت و با انتخاب خود او دوخته شده بود سپس یکی از از ندیمه ها چشم های ماریا را با یک پارچه سفید گلدوزی

شد تبر را بعنوان چاقو بکار برد تا سر از تن جدا گردد

در این لحظه دهشتناک تاریخی جلاذ موهای ماریا را به دست می گیرد و سر او را به عنوان پایان کار به تماشاگران نشان می دهد و می گوید زنده باد ملکه . منظور جلاذ الیزابت ملکه انگلستان خواهر ماریا بوده است ناگهان سر ماریا بر زمین می افتد در حالیکه موهای سر ماریا هنوز در دست جلاذ قرار داشته است ملکه ماریا استوارت در آن روز با موهای مصنوعی بر روی صحنه اعدام آمده بود

روز اعدام ۸ فوریه ۱۵۸۷

محل اعدام دربار انگلستان

تاریخ انتشار ۲۰/۰۸/۱۹۹۳

مترجم مهرگانی آلمان - کلن

شده بست بعد از لحظه ای ماریا جلوی نیمکت چوبی به ارتفاع نیم متر که با یک پارچه سیاه پوشیده شده و در محوطه اعدام مخصوص گردن نهادن قرار داشت زانو زد و گردنش را در فرو رفتگی وسط نیمکت چوبی قرار داد و در لحظه غم انگیز میان مرگ و زندگی با صدای بلند و رسا به زبان لاتین گفت : ای خدای بزرگ من هم اکنون در این مکان جان خود را با اطمینان خاطر و در کمال اعتماد به دست تو می سپارم سپس آمادگی خود را به جلاذ با اشاره اعلام کرد متأسفانه اولین ضربه جلاذ به خطا رفت زیرا ضربه تبر به گردن ماریا اصابت نکرد بلکه به پشت گردن او خورد طوری که ناله ماریا فضای غم انگیز و خونین را فرا گرفت با وجود اینکه ضربه دوم تبر به گردن اصابت کرد ولی باعث جدا شدن سر از تن نشد و جلاذ این بار مجبور

انتشارات مهر

با مدیریت جعفر مهرگانی

در شهر کلن با سابقه دیرینه در خدمت جامعه ایرانیان

مجموعه ای از جدیدترین کتابهای منتشر شده تا کتب قدیمی

کلیه کاست ها و سی دی های و فیلمهای سینمایی قبل و بعد از انقلاب

انواع و اقسام مایحتاج روزانه خانواده ایرانی.

محل فروش نشریات معتبر ایرانی چاپ اروپا رنگارنگ ، کیهان ، نیمروز

محل فروش بلیت کنسرت، نمایش و دیسکوهای ایرانی



از حراج استثنایی
کتابهای ما دیدن نمایید

MEHR VERLAG

Blaubach 24

D-50676 Köln

Tel: +49(0)221 - 21 90 90

Fax: +49(0)221 - 240 16 89

پس از آن یونایتد مبلغ را بالاتر برد و عدد ۱۵ میلیون پوند را مطرح کرد. ولی باین که به خوبی می‌داند نمی‌تواند در فصل نقل و انتقالات مهره ارزنده‌ای را به دست آورد. قصد دارد از هارگریوز به عنوان یک طعمه استفاده کند اگر آنها بتوانند این هافبک انگلیسی را با مبلغ بالا درست مثل رقمی که بکن باوئر مطرح کرده به فروش برسانند با این پول دست کم می‌توانند در پایان فصل تیم خوبی را برای خود تدارک ببینند. اگر هم سرالکس فرگوسن و سران یونایتد حاضر به پرداخت چنین رقمی نشدند. آنگاه هارگریوز همچنان در آلیانز آره نا باقی خواهد ماند

رومنیگه در ماه آگوست و در واکنش به درخواست منچستریونایتد برای جذب این بازیکن کانادایی‌الصل مدعی شد. اوون هارگریوز به هیچ وجه فروشی نیست و هنگامی که شنید او برای پیوستن به منچستر ابراز تمایل کرده. به وی اخطار داد

هارگریوز ماه گذشته توضیح داد علاقه مندی وی برای پیوستن به منچستریونایتد صرفاً به خاطر بازی در لیگ برتر انگلستان است و انگیزه‌های مالی نداشته

هارگریوز در سال ۱۹۹۷ به باین مونیخ پیوست و فصل پیش قراردادش را تا سال ۲۰۱۰ با این باشگاه تمدید کرد. حالا باین باید به انتظار نمایندگان منچستر بنشیند و ببیند آیا سخنان رئیس و ابراز علاقه اش برای فروش هارگریوز با این قیمت بسیار بالا و نامتعارف از سوی یونایتد ها مورد استقبال قرار خواهد گرفت یا خیر؟



می‌آید که تا چندی پیش پوستره‌ای دیوید بکام را به دیوارهای اتاق کوچکش نصب می‌کرد البته باین تاکنون از هر نوع مذاکره با منچستر در مورد بازیکنی که قیمت او به ویژه در طول رقابت‌های جام جهانی و دیدار انگلیس - پرتغال افزایش قابل توجهی یافته. خودداری کرده است.

هر روز که می‌گذرد ماجرای هارگریوز ابعاد تازه‌تری به خود می‌گیرد. ابتدا پیشنهاد ۱۲ میلیون پوندی منچستر مطرح شد و اولی هویتس مدیر باین در واکنش به آن علاقه‌ای برای فروش اوون نشان نداد که دلایل و استدلال‌های او قابل درک بود:

هارگریوز در بازار سیاه

فرانتس بکن باوئر روز جمعه برای مذاکره در مورد فروش اوون هارگریوز هافبک انگلیسی این تیم در ازای یک پیشنهاد ۳۰ میلیون یورویی به باشگاه منچستریونایتد. اعلام آمادگی کرد وی می‌گوید: اگر باشگاه منچستریونایتد با پیشنهاد ۳۰ میلیون یورویی به دیدارمان بیاید. در مورد آن فکر خواهیم کرد

اگرچه منچستریونایتد بسیار مایل است این بازیکن میانی را به خدمت بگیرد. اما اگر قرار باشد چنین رقمی را به باین پرداخت کند. به طور حتم دچار مشکلات مالی نیز خواهد شد. ضمن آنکه با این رقم به طور حتم می‌توان بازیکن یا بازیکنان دیگری را استخدام کرد که از نظر کلاس کاری از هارگریوز به مراتب بالاتر باشند

علاقه مندی بیش از اندازه سران منچستریونایتد و همچنین خود هارگریوز به حضور در اولدترافورد باعث شده مقامات باین در فکر یک کاسبی بزرگ باشند

هارگریوز که دوران مصدومیتش را سپری کرده و کم کم به روزهای اوج خود بازمی‌گردد در این دوران هم بازیکن چندان بزرگی به حساب نمی‌آمد. او یک نیمکت نشین صرف در تیم ملی انگلستان بود و در باین نیز نقش چندان پررنگی ایفا نمی‌کرد. اما جام جهانی ۲۰۰۶ و مصدومیت چند بازیکن کلیدی و افت شدید بازیکنی چون فرانک لمپارد این اجازه را به هارگریوز داد تا با حضور در میدان خودنمایی کند. جام جهانی آلمان نقطه عطفی برای بازیکنی به حساب

فروشگاه پارس

به مدیریت مرجان جلالی

سوپر مارکتی ایرانی در شهر دورتموند

تخفیف ویژه به مشتریان به مناسبت دهمین سال تاسیس

هر آنچه نیاز یک خانواده ایرانی است از پیرو
جوان و هر نوع سلیقه در زیر یک سقف
برایتان تهیه شده است

Weissenburger Str. 9

44135 Dortmund

Tel: 0231 533 76 78





بعضی روزها می‌رفتم فوتبال ببینیم یا بازی کنیم. به همین خاطر کم می‌آمدیم اینجا

فوتبال کجا را می‌دیدید؟
مهدی (عرب دوست نزدیک پروین) تیم داره.
بازی‌های تیم او نو نگاه می‌کنم

بازی‌های پرسپولیس را چطور. نگاه می‌کنید؟
همشونو دیدم. اصلا خوب نبود! پرسپولیس فقط دو سه تا بازی اول لیگ رو خوب بازی می‌کرد. بقیش بد بود

علی پروین خیاطی که در کوزه افتاد

حرف‌های پروین مردی که در محله ما زندگی می‌کند بسیار غیره منتظره و در عین حال جالب است
مدتی است که مصاحبه نمی‌کنید؟
واسه چی مصاحبه کنم؟ اینجوری بهتره. هر چقدر از این فوتبال دور باشیم بهتره

مثل اینکه خیلی ناراحت هستید؟
آره. از دست همتون ناراحتم. همتون نامردید! تا وقتی که تیم داریم در اینجا رو از پاشنه در می‌آید. حالا که بیکاریم و تیم نداریم سالی یک بار هم سر نمی‌زنید. اصلا انگار نه انگار که علی پروین زنده است

شما حتی اگر تیم هم نداشته باشید همیشه با روزنامه مصاحبه می‌کنید و حرف‌های جذاب می‌زنید؟

دیگه اینطوری نیست. مگه اینکه به اتفاق مهمی بیفته تا مسوولان و خبرنگارها به فکر ما بیفتند. و گرنه کسی از ما نظر نمی‌خواه

از ماه رمضان به بعد خیلی کم در توانیر دیده شدید؟

مدتها بود که علی پروین آفتابی نمی‌شد. بعد از مرگ برادرش و نتایج خوبی که پرسپولیس می‌گرفت او از یادها رفته بود. در بحبوحه روزهایی که «پرسپولیس دنیزلی» تمام کارشناسان و طرفداران را به تمجید واداشته بود. پروین دیگر کمتر به یاد کسی می‌آمد. ولی حالا اوضاع عوض شده. پروین ناراضی از دست همه. می‌گوید: «همه‌اتان نامرد هستید!»
شماره ۷ رویایی پرسپولیس حرف‌های زیادی برای گفتن دارد: از دنیزلی. وضعیت این تیم. ستاره‌های بی‌تاثیرش. مدافعان پراشتباهش و ... او مثل همیشه رک و صریح است. مثل همیشه نمی‌خواهد در مورد اتفاقات صحبت کند اما در نهایت تمام حرف‌هایش را می‌زند! این. خود ویژگی خاصی است که در علی پروین وجود دارد. او می‌گوید: «اینا پرسپولیس را بدبخت کرده‌اند.» و پرواضح است که در مورد چه کسانی صحبت می‌کند. «معدنچی. بادامکی. نیکیخت و البته دنیزلی.» پروین در روزهایی که پرسپولیس نتیجه نمی‌گرفت تنهایی را بیش از هر چیزی ترجیح می‌داد ولی حالا که اوضاع بر وفق مراد نیست. وارد گود شده. هر چند خود اعتراف می‌کند. صحبت کردن در شرایط کنونی برایش چندان رضایت‌بخش نیست



آژانس هوایی پارس تراول

اگر خواهان خدماتی با کیفیت بالا و قیمت‌هایی استثنایی هستید.

آژانس پارس تراول با سرویس‌های منحصر به فرد و غیر قابل رقابت در خدمت شماست



به مدیریت
علی ولایی

جهت اطلاعات
بیشتر با
مشاورین فارسی
زبان ما تماس
بگیرید

Baseler Str. 48 ,60329 Frankfurt

Tel.: +49 (0) 69 / 23 08 82 oder -83

Fax: +49 (0) 69 / 23 06 13

www.parstravel.net

info@parstravel.net

بیایم حرف بزنم می‌گن فلانی دوباره شروع کرد.
بابا بزار کارمونو بکنیم و حرف نزنیم

فکر می‌کنید با حرف نزدن شما کار درست می‌شود؟

حداقل اگه حرف نزنیم می‌گن پروین کاری با ما نداشت. اما با رفتن ما يك میلیارد به این مربی پول دادن که چی؟ ما نمی‌گیم این پولو به ما بدن کار درست می‌شه. حرف ما اینه که اگر پروین پیر شده، دنیزلی هم پیر شده

بروید به مربی جوون بیاورید ببینید تیم درست می‌شه یا نه. بابا شما که يك میلیارد به این پول دادید يك خرده بیشتر پول می‌دادید به مربی اسام و رسم دارتر می‌آوردید تا کارهارو درست کنه

یعنی دنیزلی مربی بزرگی نیست؟
الان فقط اسمش گنده است. وگرنه کار کردن که بلد نیست. اگه بلد بود الان پرسپولیس صدر بود نه سایپا

علی دایی که با سایپا فوق‌العاده بوده
آره. کارش حرف نداره. مربی جوون یعنی این. تیم رو تو اون شرایط گرفته دستش برده صدر. دایی هم داره بازی می‌کنه. هم مربیگری. کارش سخت‌تر از دنیزلیه اما داره نتیجه می‌گیره

بازیش بگیر نگیر داره. به بازی خوبه. ۵ بازی بده! اینا که دفاع نمی‌شن. دفاع باید نترس باشه و همیشه قرص و محکم توپ بزنه

اما زمان مربیگری شما هم شیت رضایی یکی از بازیکنان ثابت بود؟

تو برو بازی‌های شیت اون موقع نگاه کن. بازی‌های الانش هم نگاه کن. بین زمان ما جرات داشت اینجوری بازی کنه. شیت اون موقع آماده بود. رفته رفته داشت دفاع راست تیم ملی می‌شد

الان هم اگه داره دعوت می‌شه تیم ملی به خاطرهمون بازی‌هاست و گرنه این پسر تو فصل جدید اصلا فوتبال بازی نکرده

پس مشکلات پرسپولیس فقط خط دفاعی است؟

نه بابا. به خدا قسم این تیم یه بازیکن - درست و حسابی نداره. نیکبخت. معدنچی و بادامکی فقط اسم دارن. تو این فصل همین اینا پدر پرسپولیس رو درآوردن. اگر این تیم با این بازیکنان زمان ما اینجوری بازی می‌کرد همین شماها می‌گفتید که مشکل هم پروینه. پروین پیر شده و کاراش قدیمیه. نه آقا جون هیچ کدام اینا فوتبالیست بشو نیستن

عملکرد دنیزلی چطور است؟

فکر می‌کنید مشکل پرسپولیس کجاست؟
تو مساوی

یعنی چه؟

فقط بلدن مساوی بگیرن. جلوی همه تیم‌ها می‌گن نبازیم. دیگه به برد فکر نمی‌کنن. اصلا بلد نیستن دفاع کنن. این پسره انصاریان رو که دادن رفت خط دفاعشون ریخت بهم. کریم هم که این فصل همش مصدوم می‌شه. به غیر از این دوتا دیگه دفاع نداشتن که. حاجی زاده هم هر روز داره بدتر می‌شه. زمان ما این پسره خوب شده بود اما رفته رفته خراب شدو رفت. هیشکی نیست که با این کار کنه. ولی ما همیشه رو دفاعمون کار می‌کردیم تا مشکل نداشتنه باشه

یعنی نبودن انصاریان اینقدر تاثیر داشته؟
بین انصاریان چند سالی تو این تیم بازی کرده بود و تو ترکیب جا افتاده بود. نمی‌دونم چرا اینا اخراجش کردن و فرستادن رفت. پرسپولیس به جز او و کریم دیگه دفاع نداشت

شیت رضایی وسایها هم تو خط دفاع بدکار نکردند؟

اون خارجی که فقط بلد نفوذ کنه! اصلا کار دفاع کردن بلد نیست. فکر کنم پستش هافبک چپ بود که اینا آوردنش دفاع. شیت هم

PERSIAN TRADITION

TASTEFULLY WINES & VODKA MADE IN PERSIAN TRADITION





SHIRAZ IMPERIAL



VODKA PAKDIS



KHAYYAM ROYAL SHIRAZ



HAFEZ

German office:
Fon: 0049 (0)611 64352
www.france-weine.com info@france-weine.com

بارسلونا را به عنوان بهترین مربی سال ۲۰۰۶ انتخاب کرد. براساس اعلام این مؤسسه آلمانی رایکارد در رده بندی بهترین مربی های سال خوزه مورینیو مربی پرتغالی چلسی که هیچگاه نتوانسته با تیمی کمتر از ۱۱ نفر برنده بشود را پشت سر گذاشت. خوانده راموس مربی سه ویا به دلیل کسب نتایج عالی این تیم در سال گذشته در جایگاه سوم ایستاد. در رده بندی بهترین باشگاه ها همان طور که پیش بینی می شد سه ویا به دلیل قهرمانی جام یوفا. قهرمانی در سوپر جام اروپا و صدرنشینی کنونی در لالیگا به عنوان بهترین باشگاه انتخاب شد. رونالدینیو این بار با غلبه بر کاناوارو که ۲ جایزه بهترین بازیکن جهان و اروپا را از آن خود کرده بود به عنوان برترین بازیکن معرفی شد.

این مؤسسه لیگ ایتالیا موسوم به کالچو را به عنوان قوی ترین لیگ دنیا و پیشتر از لالیگا و لیگ برتر انگلیس معرفی کرد. این انتخاب با وجود رسوایی فوتبال ایتالیا موسوم به کالچو پولی که به سقوط تیم قهرمان یوونتوس و مجازات های دیگر برای تیم های خاطی منجر شد صورت گرفته است.

جان لوییجی بوفون عنوان بهترین دروازه بان جهان را به دست آورد. زین الدین زیدان جایزه بهترین بازیکن را کسب کرد و هوراسیو الیزوندو داور آرژانتینی که دیدار افتتاحیه و فینال جام جهانی را سوت زد به عنوان بهترین داور جهان در سال ۲۰۰۶ دست یافت.

اند به ایران باز گردانیم رژیم اسلامی هرگز به فریدون زندی و امثال او به چشم خودی نگاه نکرد و در آینده هم نخواهد کرد و در این میان تنها فریدون زندی آسیب روحی و عاطفی خورد و آینده اش در ابهام قرار گرفته است او با افت شدید دوران فوتبالش مواجهه شده است که تنها دلیل آن مشکلات روحی روانی است چون استعداد و دستمایه های بازیگری که از میان نرفته است او تنها انگیزه و هدف نیاز دارد و یا شاید هم نیروی انتقام از کسانی که او را به اینجا رساندند



رایکارد مربی برگزیده سال

مؤسسه آمار و ارقام فدراسیون بین المللی فرانک رایکارد مربی هلندی (IFFHS) فوتبال

فریدون زندی قربانی زد و بندهای جاه طلبانه پدرش با رژیم شد



فریدون زندی فوتبالیست خوش استیل و تاکتیک که در فوتبال آلمان با درخششی بی نظیر به موفقیت های بزرگی رسیده بود و پیراهن تیم ملی زیر ۲۱ ساله های کشور آلمان را هم به تن کرده بود و تصویر آینده او نشان می داد که فریدون زندی حتی می تواند یکی از مردان جام جهانی ۲۰۰۶ در تیم ملی آلمان باشد زیرا زندی تابعیت آلمانی داشت

ولی پدر زندی به خاطر روابط و آینده نگری شخصی خود در واقع بر سر آینده فریدون معامله نسنجیده ای کرد و او را که با فضای پلیسی و مافیایی رژیم جنایتکاران آشنایی نداشت به ایران برد تا سیستم تبلیغاتی رژیم از فریدون بهره برداری کند و در بوق و کرنا بدمد که حتی ما می توانیم نسل فراری و تبعیدی ایرانیان را که از چنگال خونین ما گریخته

بقالی مش قاسم

در قلب فرانکفورت (صدمتری ایستگاه مرکزی راه آهن)

هرچی همه دارن، ما هم داریم!



Dusseldorfer Str. 12 ,
60329 Frankfurt

Tel.: +49 (0) 69 / 24 24 9539

Fax: +49 (0) 69 / 52 27 62



آگهی استخدام

قابل توجه ایرانیان و افغانی های عزیز

کمپانی تاکسی تلفنی نسیم در شهر هانو جهت تکمیل کادر همکاران خود به یک خانم ایرانی یا افغانی که مسلط به زبان آلمانی و انگلیسی باشد را جهت امور کامپیوتر و پاسخ گویی به تلفن به همکاری دعوت می نماید

دوطلبین چنانچه از ساکنین منطقه HANAU باشند ارجحیت خواهند داشت

حقوق دریافتی میانگین ۷۰۰-۸۰۰ یورو به صورت NETTO خواهد بود

تلفن رایگان 08001414111

تلفن همراه 01704830138

تاکسی تلفنی نسیم

در خدمت ایرانیان و افغانی های عزیز می باشد

کافیست شما با ما تماس بگیرید تا در کوتاه ترین زمان و بهترین سرویس در رساندن تان به مقصد دلتخواه در خدمت شما باشیم

تلفن رایگان ۰۸۰۰۱۴۱۴۱۱۱

تلفن همراه ۰۱۷۰۴۸۳۰۱۳۸



خراسان ۲

در پاساژ معروف Kaiser

در قلب فرانکفورت مایحتاج

خانواده های ایرانی و افغانی را زیر یک سقف گرد آوری نموده است

انواع کتاب و CD در کتابخانه خراسان ۲

Kaiserstr. 64

(Kaiser Passage)

60329 FRANKFURT

TEL: 069- 15042777

FAX: 069-15042778



زیر آسمان پاریس

انجمن هنر در تبعید سالهاست در فرانسه و مرکز آن در

پاریس بسیار فعال است

(حتی بزرگترین و مشهورترین هنرمند ایرانی یا غیر ایرانی) جشنواره نمی گذارم (چون اشخاص می آیند و میروند !!) ... و به عنوان یک هنرمند ایرانی تبعیدی خود من تا قبل از سال اول برگزاری جشنواره تئاتر با این بزرگان هنرمند هموطن هیچگونه آشنایی نداشتیم و بیشتر به یمن این جشنواره ها دوستی و آشنایی بین هنرمندان ایرانی در تبعید و ایرانی های مقیم پاریس و فرانسویها ایجاد شد و از این بابت به خود و هنرمندان همکارم می بالم ... اما در یک مورد با نظر خبرنگار بی بی سی کاملاً موافقم و آنهم این است که استقبال طرفداران گروه های سیاسی مخالف رژیم و طرفدار آزادی بیان مقیم پاریس از برنامه های ما بسیار بسیار ناچیز است (که این در ضمن نشانه بسیار خوبی از استقلال انجمن هنر در تبعید است). و مثلاً با اینکه این جشنواره به زنان دنیا و به ویژه به زنان ایرانی تقدیم شده بود. (در جریان نمایشی که به وسیله یک خاتم کارگردان یونانی و یک خاتم خواننده ایتالیایی بر اساس اعدام عاطفه رجبی همان دختر شانزده ساله ای که به جرم فحشا اعدام شد به صحنه آمده بود). فقط یک خاتم ایرانی در سالن حضور داشت و بقیه تماشاگران که تعدادشان زیاد هم بود غیر ایرانی بودند !!! این داستان در مورد زنان و مردان افغان هم صدق می کند و باور کردنی نیست که در تمام برنامه های مربوط به وضعیت زنان افغان در جشنواره های سینما و تئاتر تاکنون یک زن یا مرد افغان حضور نداشته است !!!) ... هموطنان دوم خردادی را که اصولاً نباید به حساب آورد چون تکلیفشان با ما کاملاً روشن است آنها سالن های نمایش و فیلم و کنسرت و تئاتر رژیمشان را بر می کنند و حق هم دارند که به هر شکلی مخالفتشان را با ما نشان بدهند چون به هر صورت سرنوشتشان به سرنوشت رژیم گره خورده است البته من در این موارد حرف بسیار دارم ولی خیلی خلاصه و کوتاه بگویم که به اعتقاد من اصولاً هر

جشنواره ای ما همین نظر را دارند... یک مثال بزنم ... دو سال پیش در جریان برگزاری فستیوال سینما در تبعید و به محض این که در یکی از سئانس ها فیلمی شروع شد ... ایشان با یک نفر دیگر از سالن نمایش بیرون رفتند ... چند روز بعد یکی از دوستان برای من گزارشی را که در سایت های دولتی و داخل کشوری و به نقل از خبرگزاری بی بی سی چاپ شده بود فرستاد... در این گزارش که بازتاب خبر بی بی سی بود آمده بود که در جریان نمایش فیلمی از ... عده کثیری از تماشاگران سالن نمایش رابه عنوان اعتراض به نمایش این فیلم ترک کردند ... به نظر شما دو نفر عده کثیر می شود ؟ ... و حال خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل ... که این آقا قبل از شروع جشنواره اولین سئوالشان همین بود که این سالهای اخیر میزان استقبال از این جشنواره ها کمتر شده است و دیگر این که چرا چهره های تئاتری مشهور ایرانی در آن شرکت نمی کنند ... من بلافاصله به ایشان گفتم آقای عزیز جشنواره که هنوز شروع نشده است و خوشبختانه سالن نمایش در همان برنامه افتتاحیه و بعد از برنامه گشایش برای يك نمایش (که دو ساعت بعد شروع می شد) کاملاً پر شد ... یعنی میخواهم بگویم که ایشان با یک نوع پیش قضاوتی مخصوص به خود و هم فکرانشان به جشنواره های ما تشریف می آورند ... و من خوشبختانه خلم در مقابل انتقاد از نوع مغرضانه آن زیاد است و اگر هربار از هر انتقادی نگران و ناراحت می شدم که تاکنون جشنواره ها تعطیل شده بودند ضمن این که من برای خوشایند بی بی سی یا شخص بخصوصی

انجمن هنر در تبعید بر خلاف کانون نویسندگان در تبعید که تعریف واژه تبعید معنایی اجرایی ندارد بسیار معتقد و متعهد و مسئول در عمل به تبعیدی بودن معنای واقعی بخشیده اند و مرز بندی مشخصی با رژیم تجاوزگر به تمامی اصول دموکراسی و آزادی را حفظ کرده اند. جواد دادستان چون همه کارورزان دلسوخته و عاشق وطن در حرفه تخصصی خود از جان و مال و سلامت و دانستنی هایش مایه گذاشته است او و یارانش حضورشان خاری است در چشمان رژیم ملایان و پادوهای ارزان قیمت خارج از کشور نشین.

در این شماره گوشه ای از اساسنامه انجمن هنر در تبعید و همچنین مصاحبه ای کوتاه از او را با رادیوی زیر آسمانی دیگر چاپ کرده ایم که خسته نباشید کوچک بر کار بزرگ دادستان و یارانش باشیم و در فرصتی دیگر گفتگویی مفصل با او خواهیم داشت

گفتگو برنامه رادیویی زیر آسمانی دیگر با جواد دادستان مدیر هنری انجمن هنر در تبعید

س. در سایت خبرگزاری بی بی سی خبری در رابطه با ششمین جشنواره تئاتر و هنرهای نمایشی ایران در تبعید _گوهر مراد_ آمده است که طبق نظر خبرنگار این خبرگزاری در سالهای اخیر میزان استقبال از این جشنواره ها کمتر شده است چون چهره های تئاتری مشهور ایرانی در آن شرکت نمی کنند ... نظر شما در این مورد چیست ؟

ج. آقای خبرنگار بی بی سی هربار و در مورد هر

فروشگاه اسکان

خاویار، زولبیا بامیه، شیرینی های متنوع؛ نان لواش؛ میوه فصل؛ بستنی و فالوده
انواع خشکبار و آجیل سبزیجات خشک مرباجات و انواع ترشی

ESKAN
EPICERIE FINE

62, BIS RUE DES ENTREPRENEURS

75015-PARIS

METRO: CHARLES MICHEL

TEL: 0145770616



است و گر نه هنرمندان صاحب نام و مشهور که خوشبختانه به من و این جشنواره های من احتیاجی ندارند هرچند که در میان هنرمندان شرکت کننده در جشنواره امسال چندین هنرمند بسیار قدیمی و مشهور تئاتر ایرانی و فرانسوی به جشنواره رونق داده اند. و اما آخرین نکته این که ... با این که چند رادیو، نشریه و سایت اینترنت فارسی زبان خارج از کشور و مثلاً مدعی آزادی که احتیاجی به نام بردن از آنها نیست از جشنواره های ما به هیچ وجه حمایتی نمیکنند و در عوض هر چه بخواهید در حمایتشان از هنرمندان صادراتی و وابسته به رژیم - بسیار دست و دلبازند ... ولی خوشبختانه جشنواره های ما در روزنامه ها و نشریات بسیار معتبر فرانسه چون فیگارو - ژورنال دو دیمانش - هور شام و کساندر و غیره و رادیو های سرتاسری چون فرانس انتر - فرانس کولتور - فرانس موزیک و رادیوهای اف ام چون فیپ - رادیو لیبرتی - فرکانس پاری پلوریل و... و غیره جای خودشان را باز کرده اند ... در اینجا است که باید به سایت ها، نشریات و رادیوها و خلاصه به رژیمی ها گفت: زمستان می رود اما روسیاهی به شما خانمها و آقایان و ذغال می ماند

حرکتی که بتواند فرنگی ها را با فرهنگ و هنرمند و نویسندگان و شاعر تبعیدی و معترض ایرانی آشنا کند مثبت است به ویژه در فرانسه که همه نوع تسهیلاتی کاملاً در اختیار هنر و فرهنگ صادراتی و کارمندان و کارگزاران ریز و درشت محلی رژیم بوده و مردم این مملکت قبل از برگزاری جشنواره های انجمن هنر در تبعید نمیدانستند هنرمند ایرانی از نوع تبعیدی اش وجود دارد و اطلاعاتشان راجع به اوضاع فرهنگی و هنرمندان خارج از کشور به کانون ها و انجمن های وابسته به رژیم محدود می شد و من فکر می کنم که از این بابت برنامه های ما امسال حتی از سالهای قبل موفق تر بوده و همانطور که خود شما در اینجا حضور داشتید و دیدید که در برنامه افتتاحیه امسال تعداد تماشاگران تقریباً دو برابر جمعیت تماشاگران سال قبل بودند و اکثریت هم با فرانسوی ها بود ... با در نظر گرفتن این نکته که ساعت و روز شروع برنامه بسیار بسیار نامتناسب بود (بنجشنبه ساعت شش بعد از ظهر). و دیگر اینکه هدف من از برگزاری این جشنواره معرفی و شناساندن هنرمندان بسیار با استعداد تبعیدی کمتر شناخته شده به فرانسوی ها

در اساسنامه انجمن آمده است :

انجمن هنر در تبعید تا حد امکان به معرفی آثار هنرمندان، نویسندگان و شاعران تبعیدی و مهاجر از هر ملیتی که نمیتوانند و یا مایل نیستند به دلایلی چون سانسور، اختناق، تبعیض و ... به موطنشان بازگردند و با رژیم های زورگوییشان به هیچ گونه کنارمی آیند و در نتیجه عطای کمکهایی رژیم های سانسور گر حاکم بر کشورشان را به لقایشان بخشیده اند. در خارج از کشورهایشان و به ویژه در فرانسه کمک می کنند. از اهداف انجمن مبارزه با سانسور گران در داخل و خارج از کشورهاست.

انجمن بر این باور است که : هیچ هنرمند، نویسنده یا شاعری نمی باید اثرش را در اختیار زورگویان و قلدان بگذارد و در نتیجه نقش میمون و حیوانات هنرمند سیرک رژیم های مستبد را بازی کند. بر عکس می باید در حد امکان، از خلاقیتش برای رسوا کردن این رژیم ها سود جوید و صدای متعهد، معترض و رسای مردم کشورش باشد و اصطلاح هنر برای هنر (هنر ناب!!) را به برخی از هنرمندان کشورهای مرفه با رژیم های دموکرات وا گذارد . انجمن اعتقاد راسخ دارد که : هنرمند، نویسنده یا شاعر باید کاملاً مستقل بوده و به دور از زد و بندهای سیاسی رژیم ها، گروهها و سازمان های سیاسی باشد تا بتواند با دید انتقادی به مسایلی که در میهنش میگذرد نگاه کرده و بی واهمه عقایدش را بیان کند. انجمن ضمن احترام به عقاید گونه گونه گروههای مخالف رژیم های زورگو، از آنان توقع دارد که به استقلال انجمن هنر در تبعید، هنرمندان، نویسندگان و شاعران مستقل ارج گذاشته و از آنان حمایت کنند.

سوپر سپید SAPIDE

نان و شیرینی: خشکبار: ادویه جات: سبزیجات تازه و خشک شده: حبوبات و انواع برنج : لبنیات

ایرانی : عرقیات ایرانی: انواع کنسروها: تن و خورش های فریز شده هر روز نان بربری داغ

از پنج پس از نیمروز، شنبه و یکشنبه از ساعت دو پس از نیمروز

نان خامه ای و رولت سفارش پذیرفته میشود

62 TER RUE DES ENTREPRENEURS
75015-PARIS

TEL: 01 45 78 13 24

FAX: 01 45 78 05 15

باشند یا با هم زندگی کنند و یا هر کدام از هم جدا باشند و چنین مشکلاتی را با هم نداشته باشند و تعهدی سخت چون ازدواج را نمی پذیرند.

اما و اما بهتر است الگوی خود را زوج های خوشبخت و موفق قرار دهیم و کسانی که سالها با هم زندگی می کنند و بچه های خوب به جامعه تحویل دادند و خودشان یا به پای هم از صفر شروع کردند و در شکست و پیروزی با هم همدل و یار بودند پس در آستانه کریسمس و سال جدی میلادی کینه و نفاق را کنار بگذاریم و محبت و دوستی را به کسانی که دوستشان داریم هدیه کنیم تا به آرامش روح و روان برسیم

طرف دیگر خارج از منزل پناه می برد و کمبود را جبران می کنند و اون عشق و علاقه نسبت به همدیگر کم رنگ و مات می شود .

و اما زندگی زناشویی خود را اجبارا هم ادامه می دهند و ظاهرا خود را خوشبخت جلوه می دهند اما با دوستان و کسانی که دوست دارند در ارتباط هستند و نیز مدت چند سالی هست که ازدواج ها به خاطر کارت اقامت در یکی از کشورهای خارجی مد شده که اکثرا بدون هیچ گونه شناختی از همدیگر ازدواج می کنند و مخصوصا که با قوانین این کشورهای خارجی آگاهی دارند که دارایی زن و شوهر پس از طلاق نصف می شود و همه دندان تیز کرده اند و خود را به هر قیمتی شده خارج می کنند با مطالعاتی که طی این سالها داشتم متأسفانه ثابت شده که بیشتر ازدواج ها بدون مطالعه قبلی انجام شده و خیلی زود به جدایی کشیده شده است و بازنده مرد یا زنی بوده که باید دارایی اش را نصف می کرد.

و کامپیوتر!! امان از این کامپیوتر!!! همانقدر که برای جامعه مفید و با ارزش بوده و هست به همان اندازه متأسفانه افرادی استفاده منفی ازش می برند بازیهای اینترنتی و چت و ... که امروزه ارتباطات را خیلی ساده کرده است استفاده منفی آن لطمه شدیدی به روابط زناشویی زده و زیاده روی آن به شکل منفی موجب شده عشق و علاقه افراد کمتر شود و به جای دوست داشتن و وقت صرف کردن به زندگی زناشویی کامپیوتر عشق اول افراد شود

پول هم یکی دیگر از ویروس هایی است که به زندگی زناشویی لطمه می زند و چون امروز زن و مرد با هم کار می کنند در خانه شده پول من و پول تو جیب من و جیب تو .

اول حس زیبای عشق کمتر میشود وقتی خود را جدا از هم حس می کنیم.

لازم می بینم مطلبی را به اطلاع شما برسانم چون برای من جالب بود

مدتی پیش زن و شوهر مسنی به محل کار آمدند که از سوئد آمده بودند و در مدت ۱۵ تا ۲۰ دقیقه که آنجا بودند این قدر برخوردشان با همدیگر با محبت و عشق بود که گویی دوست دختر و پسر هستند و جالب تر این بود که گفتند امروز پنجاهمین سالگرد ازدواجمان هست و بچه های ما به خاطر این سال روز زیبا سفر پاریس را به ما هدیه کرده اند و شوهر به خانمش اصرار می کرد خوب هر چی دوست داری انتخاب کن امروز روز ماست روز مقدس و پر خاطره برای ما.

چقدر زیباست و اینجاست که باید گفت باز هم عشق های قدیمی.

خوب ما اگر بخواهیم نتیجه گیری کنیم از این مراحل باید گفت وقتی ویروسهای ریز و درشت به این صورت در جامعه رخنه می کند جوانها ترجیح می دهند یک دوست و همدم داشته



همکارمان سارا عباسی از پاریس

آرامش در زندگی

داشتن همسر و جنگ اعصاب یا داشتن یک دوست و آرامش روان

آیا تا به حال به این فکر کرده اید که چرا عده ای قبل از ازدواج و در زمان دوستی چه قدر به هم علاقه من هستند و بهترین دوران خود را می گذرانند و همچون دو کبوتر عشق بر بالهای آرزوها و رویاهای خود پرواز می کنند اما به محض اینکه دفتری را به نام ازدواج امضاء می کنند تمام آن علاقه ها و عشق و دلبستگی ها به کینه و نفاق تبدیل میشود و فقط مادیات جلوی چشم اوست.

مواردی که می خوانید می تواند دلایلی باشد برای تغییر افراد و طلاق های زودرس:

در مرحله اول اعتماد به نفس که متأسفانه چون عده ای از این محروم هستند می خواهند به طرف مقابل منتقل کنند و این خود به تربیت خانوادگی فرد ربط دارد و برای جبران این کمبود طرف مقابل را تحت کنترل شدید قرار می دهند مثلاً تماس مرتب به محل کار و کنترل تلفن موبایل و رفت و آمدها و طرز برخورد با دوستان قدیمی و جدید زن و یا شوهر . و اینکه حس می کنند مالک طرف هستند و زن و یا شوهر خود را مثل لباس و کفش خریدند و به همین خاطر هر کاری می کنند باید تحت کنترل آنها باشد البته از دیدگاه مثبت اگر نگاه کنیم خیلی خوب است که زن و شوهر با توافق هم کاری را انجام دهند و اصطلاحی منطقی هست که وقتی دو نفر همدیگر را عمیقاً دوست دارند یک روح در دو جسم هستند و این حالت از حالت های خیلی زیبایی است که متأسفانه در حال حاضر اکثراً از آن محروم هستند عده ای گمان می کنند پس از ازدواج دیگر احتیاجی نیست به وضع ظاهری خود برسند مثل زمان دوستی و نامزدی. و دیگه می گن کار از کار گذشته ئ ازدواج را کردیم و اون موقع تموم شد و این خودش بزرگترین اشتباه است که افراد انجام می دهند و طرف مقابل وقتی این کمبود را در همسر خویش حس می کند مسلماً به

پندار نیک

کردار نیک

گفتار نیک



PERSPOLIS
EPICERIE FINE

فروشگاه پرسپولیس
عرضه کننده مرغوب ترین و
تازه ترین مواد خوراکی

در فروشگاه پرسپولیس بهترین
خشکبار، برنج، حبوبات،
ترشیجات، محصولات یک و یک
،مهیار،ساناز،مهنام، گلستان،
گلباران و ... را خواهید یافت

خاویار ایران: تن ماهی: شیرینی های
ایرانی: بستنی و پالوده شیرازی
صنایع دستی: سماور پلان:
پلوپز پارس خزر و سایر
محصولات کمیاب ایرانی

پرسپولیس فروشنده کارت های تلفن
برای تماس با سایر کشورهای جهان

گیاه درمانی : هموپاتی زیر نظر
برجسته ترین عطاران ایران

57, RUE DES
ENTREPRENEURS
75015 PARIS

TEL: 01 40 59 44 13

ورلد اکسپرس

پرواز به سراسر جهان



WORLD EXPRESS
VOYAGES ET TOURISME



با قیمت‌های ویژه پیش از سفر به هر نقطه جهان با ما تماس بگیرید

0140170125

رزرواسیون هتل‌های ۴ و ۵ ستاره با بلیط هواپیما در تمام اروپا

10, RUE GODOT DE MAUROY

75009-PARIS

METRO: OPERA, MADELEINE
CAUMARTIN OU HAVRE

WWW.WORLDEXPRESS.FR

دانش شهرداری را از کهن ما برای دیگران بگذاشتیم " آثار سیاوش اوستا "

را بخوانید و به دیگران هدیه بدهید

لیست بخشی از مجموعه آثار سیاوش اوستا برای خرید توسط پست و یا با اینترنت و یا از کتابفروشیهای معتبر ایرانی در سراسر جهان برای آگاهی بیشتر به سایت اوستا دات نت بروید آثاری جنجالی که از بیست و پنج سال پیش تا به امروز افکار و اندیشه ها و جو دینی ایران را در هم ریخت

برای نشان دادن سربلندی و افتخار و میراث فرهنگی ایرانی به دوستان و همکاران و همکلاسیهای ایرانی و غیرایرانی در سراسر جهان بهترین هدیه در هر هنگامه آثار سیاوش اوستا ست به زبانهای پارسی فرانسوی و انگلیسی

Institut LEP 66 av CHAMPS ELYSEES 75008 Paris France

TEL: +33 1 42 89 59 95 - +33 1 45 63 02 63 FAX: +33 1 45 61 21 12

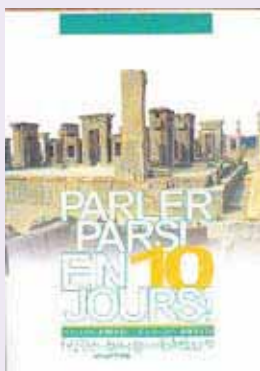
www.awesta.net



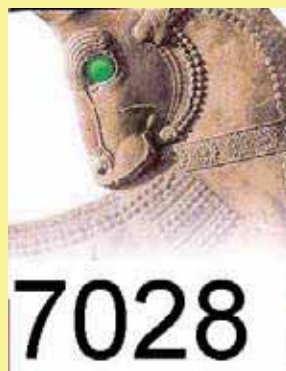
مهربان یاران: آیا میدانید که خطبه عقد به زبان تازی! توهین به شخصیت زن میباشد؟ برای جاودان نمودن جشنهای عروسی و شادمانی خود و فرزندان از دفترچه های زیبای پیمان پیوند زناشویی بسبک آریایی به زبانهای پارسی، انگلیسی، آلمانی و یا فرانسوی استفاده نمایید



سیاوش اوستا در حال برگزاری مراسم پیوند خویشاوندی و زناشویی بسبک آریایی



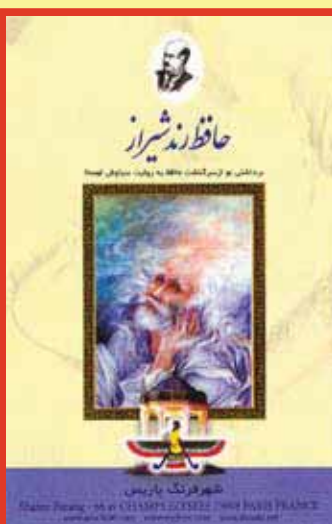
ده روزه فرانسوی و یا پارسی صحبت کنید یک سی دی و کتاب برای آموزش زبان پارسی و یا فرانسوی



سالنامه های هفت هزار ساله
آریایی میتراپی بزرگترین
افتخار ایرانی

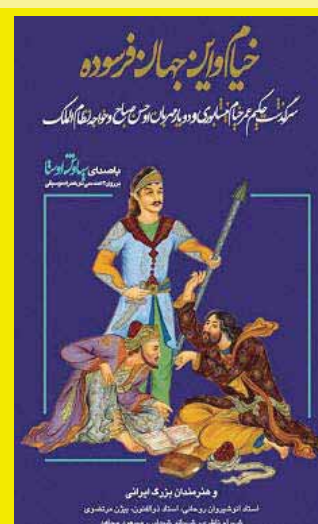


منم آن فرح زیبا زن سوم شاهنشاه
تازه ترین کتاب سیاوش اوستا



حافظ رند شیراز از قرآن خوانی تا پیرو اوستا شدن

جریان عاشقی حافظ و شاخ
نبات راز فال حافظ چرا و
چگونگی اعدام حافظ بر
روی سی دی و کاست به همراه
موسیقی زیبا و دلنشین



خیام و این جهان فرسوده

سرگذشت حکیم عمر خیام نیشابوری
و دو یار مهربان او حسن صباح و خواجه
نظام الملک

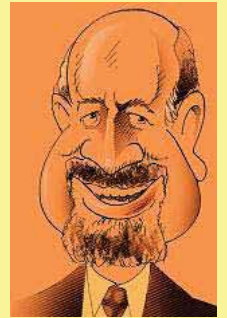
جهان خیام را می شناسد و از او سخن
می گوید اما ما از سرگذشت او چه میدانیم

این کتاب با صدای سیاوش اوستا بروی
۳ عدد سی دی همراه موسیقی و صدای
هنرمندان بزرگ ایرانی: استاد انوشیروان
روحانی، استاد ذوالفقون، بیژن مرتضوی،
شهرام ناظری، شهبانو شیدائی، مسعود
مجاهد در دسترس شماست



فریب بزرگ دکتر علی شریعتی افسانه پرداز و افسونگر شیرین سخن

سرگذشت و تفکر شریعتی از نو جوانی تا مرگ سرشار از دروغها و نیرنگهای بزرگ است همکاریهای او با نظام شاهنشاهی از فردای کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ - خروج از کشور با برنامه ریزی ساواک
- شریعتی در سال ۵۲ در ۴۰ سالگی باز نشسته میشود دولت به او ۲۲ سال سابقه کار می دهد یعنی از ۱۸ سالگی او در خدمت دولت شاهنشاهی بوده است چه هنگام تحصیل مشهد و یا در پاریس و چه دورانی که مدعی مخفی بودن بوده است و چه دورانهایی که مدعی زندانی بودن بوده است
- ادعاهای اخذ مدارک تحصیلی دروغین از پاریس
- ادعاهای دروغین دوستی با امه سز ماسینیون گروبیچ و غیره
- خریف و دروغپردازها در باره اسلام و جعلیات برخاسته از ذهنیت او در رابطه با اسلام و مارکسیست معرفی نمودن اسلام
- خفیه نمودن تمدن و فرهنگ میترایی اوستایی ایران و دروغپردازیهای درباره تاریخ مصر و ایران
- ادعای پیامبری و امامت و رهبری علی شریعتی و توهین به زن
- تله جوانان شدن برای رونق دادن به بازداشتها و کشتار جوانان با عنوان مجاهد و فدایی
- در همان هنگامه هایی که جوانان با مطالعه کتابهای او بازداشت و شکنجه و کشته میشدند. او با ساواک همکاری میکرد و.....



نیایشهای اوستایی

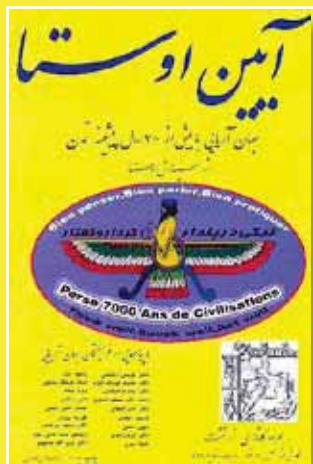
نیایش بامدادی
نیایش شامگاهی
نیایش زایش
نیایش مهر جوئی
نیایش بار مهربان
نیایش درگذشتگان
نیایش پیوند زناشویی نیایش نشانه
های پاک
نیایش داور دادگر
نیایش بی میاگی گری
نیایش دوستی ساز دشمنی ها
نیایش دانش اندوزی
نیایش کارایی
نیایش خورشید



جهان آریایی با بیش از ۷۰۰۰ سال پیشینه تمدن - با افزوده ها: - به همراه متن کامل گاتا ها ی اوستا - آخرین کشفیات از تمدن ۷۰۰۰ ساله در جیرفت چرا ایرانیان هرگز مسلمان نشدند متن و لوحه پیوند زناشویی بسبک ایرانی

معنی نامهای تازی و عدم توجه والدین ما جهت استفاده از نامهایی که معنای بدی دارد

بزرگان جهان درباره زرتشت چه گفته اند نیایشهای اوستایی زن در اندیشه اوستا جشنهای اوستایی چرا یهودیان از اصل ایرانی هستند کعبه یک آتشکده ایرانی بوده است ودهها مطالب خواندنی دیگر به همراه - پیامهای مهربانانه ۱۹ خردمند و اندیشمند بزرگ جهان آریایی: در باره سیاوش اوستا و کتاب آئین اوستا



دکتر کوروش آریامنش: شاد باش به سیاوش اوستا

دکتر خوشنم آوازه: اوستا و شاعران

دکتر شاهرخ احکامی: تأثیر اندیشه های سیاوش اوستا در میان ایرانیان

دکتر مسعود انصاری: سیاوش اوستا پیشگام جنبش نوزائی اندیشه گری در جهان اسلام

دکتر ناصر انقطاع: آئین اوستای سیاوش اوستا

فریدون توفیقی: آئین اوستا نتیجه سالها تلاش و پژوهش

کیوان دشتی: سیاوش اوستا در راه گسترش فروغ فرهنگ ایران کم مانند است

دکتر خرم راشدی: اگر یک دهم از ملت ما بسان سیاوش اوستا تلاش می کرد؟

داود رمزی: سخنی کوتاه درباره ی خالق کتاب «آئین اوستا»

مسعود سپند: من هزاران سال است که سیاوش اوستا را میشناسم

استاد هوشنگ سیحون: خطوط نفوذی فرهنگ و تمدن ایران در جهان

پرویز صیاد: کتابهای سیاوش اوستا پر فروش ترین کتابها

امان منتظقی: آئین اوستا دایره المعارف است

علیرضا میبدی: ۷۰۰۰ سال عاشقی

تیمسار حسن منبئی: آئین اوستا تنها رهنما

دکتر مسعود میرشاهی: آئین اوستا و معیارهای آزادی

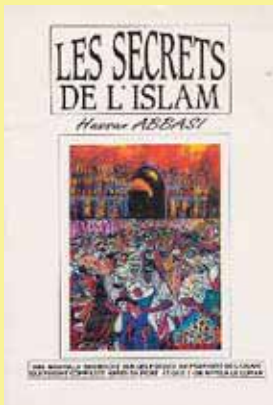
پروفسور سیف الدین نبوی: آئین اوستا را بخوانید

دکتر عزت الله همایونفر: سیاوش اوستا پر کارترین

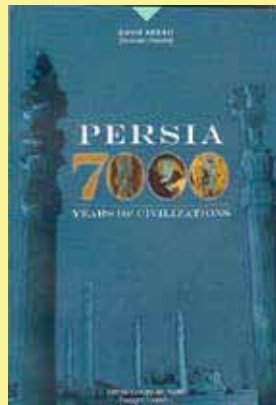
توجه بفرمایید که کتاب آیین اوستا برزانیهای انگلیسی و فرانسوی نیز در دسترس شما می باشد



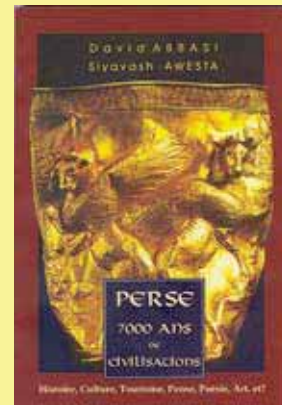
J'ai rêvé de Dieu, il pleurait comme un bébé 5€



Les secrets de l'islam 10€



Persia 7000 Years Civilizations History, Culture, Art, Poetry, Thought, Tourism 20€



Femmes et Guerres en Islam Politique! avec la préface du sénateur Henri Caillaud 19€

Omar Khrayyam et ce monde décadent 19€

Regard critique sur l'islam!!! 25€

استعمار نوین و تروریسم جهانی وریشه ترور دینی متن سخنرانی سیاوش اوستا در واشنگتن ۱۹۹۲

گفتگوهای تاریخی سیاوش اوستا
با شیخ علی تهرانی
در باره نبرد مسلمانان
5€

خدا را در خواب دیدم زار زار
گریه میکرد
7€

از میرزا تا محمد سیر دین در ایران نخستین
کتابی که آئین میتر را با خرد معرفی کرد
10€

دینداری و خرد گرایی
نبرد تاریخی خرد با خرافات
8€

قرآن سروده ای بسبک پارسی
چگونه سالها پس از مرگ پیامبر کتابی
بنام قرآن منتشر شد
8€

آدرس پستی سیاوش اوستا

Institut LEP 66 av CHAMPS ELYSEES
75008 Paris France

TEL: +33 1 42 89 59 95

+33 1 45 63 02 63

Fax: +33 1 45 61 21 12

www.awesta.net



یادگاری از کتاب و موزیک ایرانی

در قلب پاریس ۶۶

خیابان شانزه لیزه

به رادیو موزیکال آوای ایران پاریس ۲۴ ساعت در سراسر جهان مجانی گوش کنید

www.avairan.com

& From Iran: http://avairani.iffance.com

تلویزیون مهر را ۲۴ ساعت روی اینترنت و از ماهواره شبکه جهانی پارس ببینید

www.mehrtv.com

& From Iran: http://mehrtv.iffance.com

بی تعارف

آریا بنائی

هر کوچه و محله ای چند خانه وجود دارد که بدنامی و بد کاری را یدک می کشند و همچون ویروس به جان زنان و دختران نجیب و پاک محله افتاده اند و کثافت آخوندی به آنجا راه یافته که زنان شوهر دار نیز به سختی در خطر تباهی اند در راستای گسترش هر چه بیشتر فساد و فحشا و پر کردن چشم و گوش همگان سردار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی چند روز پیش به طور رسمی در مصاحبه با خبرنگاران گفت: توزیع سی دی منتسب به یک بازیگر چهار میلیارد تومان گردش مالی داشته است عمامه آخوندها بالاتر

صوفی شهر بین که چون لقمه شبیه می خورد بار دمش دراز باد این حیوان خوش علف

ظهور بچه خمینی در شهر ری

اگر می خواهید بدانید که در دوران اسلام ناب محمدی و در میان امت غیور و سلحشور و شهید پرور و همیشه حاضر در صحنه چه می گذرد حتما نباید در آن خراب شده زندگی کنید و کافی است هر از چندی سری به سایت های خبری وابسته به رژیم آخوندی بزنید تا با خواندن همان خبرهای از چند فیلتر گذشته و سانسور گشته و یک از هزار در یابید که سقوط فرهنگی و اخلاقی تا کجاست! کشتن پدر و مادر و برادر و خواهر و همسر در این چند ساله آن قدر تکرار و تکرار گشته که دیگر این چنین خبری با بیشتری چندانی رو به رو نیست و چشم و گوش جامعه به اندازه ای پر شده که شنیدن آخرین نرخ نان و تخم و مرغ و ماست و شیر دارای حساسیت بیشتری نسبت به اطلاع از قتل و جنایت در شهر است

در این بازار نیرنگ و حبله و فریب که هیچ جایی برای انسان و ارزش های انسانی باقی نمانده است و حقه باز و کلاهبردار و چاخان را زرنگ و با عرضه می نامند خبری از دستگیری رهبر باند تشنه انتقام و نوچه هایش در یکی از شهرک های شهر ری در رسانه های رژیم نوشته شد که از قضا ویژگی های روحی و روانی این رهبر بیست ساله شباهت بسیاری به رهبر کبیر انقلاب اسلامی داشت و حکایت از دوران مشابه طفولیت هر دو رهبر! مرتضی رهبر باند تشنه انتقام در سنین کودکی بی پدر و مادر گشته و در هشت - ده سالگی مورد آزار جنسی این و آن قرار می گیرد و هر شب در یک محل خوابیده و بارها و بارها به جای دست های محبت آمیز

و محاکمه می شود شاید یک شب خوابیدن در بستر یک نفر این حکم بازداشت را باطل ساخته است

خون می خورم و لیک نه جای شکایت ست روزی ما ز خوان کرم این نواله بود

آخوندهای فیلم سکسی فروش

کسانی که یک جو معرفت و انصاف داشته باشند و گرفتار فراموش خانه نشده باشند و روزی سه بار صبح و ظهر و شب قرص «به من چه» بالا نیاندازند می دانند که هر آنچه را خمینی به ملت انقلابی و بپا خاسته در پیش از سوار شدن وعده و وعید داد جملگی بر عکس از آب در آمد تا کلاهی به گشادی جیب های بی سر و ته ملاهای دین فروش بر سر مردم ابله و چاپلوس و پاچه خوار برود

خمینی دروغگو در نقش منجی یک امت مفلوک می گفت که شاه شهرها را ویران و قبرستان ها را آباد کرده و دختران و زنان را به فساد کشانده و اقتصاد را نابود ساخته و جوانان را از اخلاق و شرافت دور کرده و! این گوشه ای از یادآوری ادعاهای آن رجال کبیر برای فریب و به خاک سیاه نشان دادن یک ملت حق شناس و نمک شناس است که هر آنچه را در محکومیت حکومت شاه به زبان کین توزانه راند به تمامی و بسیار فراتر از آن در دوران جمهوری اسلامی پیاده و اجرا شد. نگاهی گذرا به اوضاع و احوال این روزهای ایران و ایرانی ها هم گواهی می دهد که آن سرزمین همیشه افسرده در طول سه دهه گذشته به عزای میلیون ها ایرانی نشسته که به شکل مستقیم و غیر مستقیم گرفتار مرگ توسط آخوندهای آویزان به مذهب گشته اند و اینک شمار مشتریان گورستان بهشت زهرا در هر روز تا آنجا افزایش یافته که دیگر قبرهای سه طبقه نیز جوابگو به نظر نمی رسد و دلالی در بازار خرید و فروش قبر به اندازه ای رونق دارد که اسباب حسرت واسطه های میوه و تره بار و برج و مرغ و سبب زمینی شده است! پیش از آن که ایران آخوند زده شود در هر شهر بزرگ معمولاً یک خیابان فرعی و باریک یا کوچه ای با چند خانه بود که زنان تن فروش در آنجا حضور داشتند و مشتریان ویژه هم به آنجا رفت و آمد می کردند و دیگر خیابان ها و محله های شهر را خانواده ها شکل داده بودند و هیچ کس به خانه و خانواده ای با چشم ناپاک و آلوده نمی نگریست حالا و در حکومت الهی اما در

چی شد حکم بازداشت آن خیکی؟

در آشفته بازار خاور میانه و آنجا که هر روز یک نمایش تازه به روی صحنه می رود تا از یک سو مردمان ابله و خرافاتی بر سر و کله یکدیگر بکوبند و بیش از پیش به پیسی و بیچارگی افتند و از سوی دیگر منافع و مقاصد گردانندگان و کارگردانان جهان تامین و تضمین گردد چه خون دلی می خورند آن یکی دو درصد آدم های هوشیار و بیدار

چهار پنج سالی از لشگر کشی امریکایی ها و یاران اروپایی شان به افغانستان و عراق با شعار آزاد ساختن ملت های بدبخت از شر انشراح و دیکتاتورها و برافراشتن پرچم آزادی و دموکراسی در این سرزمین می گذرد و هنوز هم هیچ کس نمی داند چه هنگام این بکش - بکش های شبانه روزی به پایان می رسد؟ لابد این هم آخرین مدل بر پا سازی آزادی برای مردمانی است که دیگر نمی توانند آب را از خون تمیز دهند و به جای مدرسه و کتاب و دفتر و قلم باید اسلحه و آر پی جی در دست بچه های شان ببینند تا غم نان هم از یادشان برود. در فیلم های جنگی ساخته و پرداخته آنان که مدافع حقوق بشر و صلح آزادی اند آرتیست هایی به ایفای نقش پرداخته اند که شماری از آنان حالا حالاها نباید از بین بروند تا سریال هزار و دویست میلیارد دلاری به پایان برسد این همان رقمی است که در فردای آن یازدهم سپتامبر دو هزار و یک از سوی دولت امریکا برای جنگ با تروریسم اعلام شد که هر اندیشمندی می داند این پول باید از چاه های نفت و گاز و هر کوفت و زهر مار دیگری در خاورمیانه بیرون بیاید تا اقتصاد و دخل و خرج جهانخواران را برای سه - چهار دهه جفت و جور بسازد

و اما از آرتیست های درجه یک سریال جنگ با تروریسم که نباید خال به عمامه و عباي آنان بیافتد بزرگ ترین نقش را بن لادن بازی می کند که در آخرین افشار گیری یک سرباز فرانسوی گفته شد که رهبر القاعده یک بار در تیر رس او بود و دو ساعت طول می کشد تا آگاه شود که شلیک کند یا نه و به این ترتیب آرتیسته فرار می کند

دیگر آرتیستی که نباید هیچ گزندی به هیکل نحس او برسد همان آخوند خیکی و خپله به نام مقتدا صدر است که سه سال پیش فرمانده نظامیان امریکا در عراق اعلام کرد که حکم بازداشت او صادر شده و به زودی دستگیر

چون کیهان بچه ها، زن روز، کیهان ورزشی و تولد یافتند وقوع فاجعه انقلاب اسلامی اما به سان زلزله ای ده ریشتری همه چیز را زیر و رو کرد و کیهان هم همزمان با همه گنج ها و ثروت های دیگر ایران به دست مارهای خونخوار افتاد و اندیشه ها و رخ های سازنده بزرگ مردان انگشت شمار یک باره پودر شد کیهان تهران یا درست تر بگویم کیهان مصباح زاده این گونه مرد! مردان خوش فکر و سازنده همیشه و همه جا توان آباد سازی را به تماشای می گذارند و مصباح زاده به دنبال کوچ خمیلی به لندن در اولین زمان کیهانی دوباره را در این شهر بنا نهاد و بسیار زود توانست ارزش و اعتبار بایسته و شایسته را فراهم آورد و کیهان لندن را در جایگاهی ارزشمند و معتبر بنشانند دیری نپایید که این بار اما به جای جلالان و درخیمان دین فروش کهولت و پیری به سراغ بزرگ مرد تاریخ مطبوعات ایران آمد و او را ناگزیر ساخت که از کار و تلاش خستگی ناپذیر پرهیز کند و به توصیه پزشکان پیش از هر چیز به تئمه سلامتی بیاندیشد این جوری شد که سرکشی های هفتگی مصباح زاده به کیهان بدل به ماهانه گردید و آنگاه سالانه تا راه بر چند زالوی به اصطلاح روزنامه نگار در کیهان لندن باز شود و هاشمی رفسنجانی را سردار سازندگی لقب دهند!! کیهان لندن هم این گونه مرد تا فروش آن به زودی سه رقمی شود! شاید دکتر مصباح زاده نیز در پیرانه سری به این نتیجه رسیده بود که برای مردمانی فرهنگ گم کرده، کار فرهنگی کردن همچون گشایش درمانگاه در گورستان خواهد بود!

روان مصباح زاده همیشه شاد باد
عاشق یارم مرا با کفر و ایمان چه کار
تشنه دردم مرا با وصل و با هجران چه کار

مدال آور در بازی های المپیک اسیر وسوسه های فریبنده عمله و اکره های رژیم شدند و وسیله ای تبلیغاتی گشتند برای نمایش حکومت ضد ایران و ایرانی حاضر شوند سوای هادی ساعی تکواندو کار و علیرضا دبیر کشتی گیر رسول خادم نیز در این نمایش مضحک و مسخره حضور داشت که پیش از این بارها سر بر آستان ولایت مطلقه فقیه ساییده بود تا به عنوان یک قهرمان دولتی در تاریخ ورزش ایران ثبت نام کند در پی واپسین نمایش انتصابات در شورای اسلامی شهر تهران و اعلام نام های از پیش تعیین شده . ساعی از دیدن نام خود در این فهرست ننگ آور چنان از خود بی خبر شد که بیدرنگ در یک مصاحبه اعلام کرد تابع فرمان رهبر جمهوری اسلامی است ! خاک بر سر ساعی که به جای قهرمان ملی بدل به قهرمان دولتی شد و مدال طلای دستمال به دستی را نیز در ویتترین افتخاراتش آویزان کرد

ما ز یاران چشم یاری داشتیم
خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم

مرگ هر دو کیهان پیش از بنیان گذار آن

یکی دیگر از آن سه - چهار درصد ایرانی های ناب و راستین که همه گاه در طول تاریخ هزاران ساله کمر به خدمت و نگاهداری ایران بسته اند پس از خون دل خوردن های بسیار از این دنیا رخت بر بست . دکتر مصطفی مصباح زاده حدود شصت سال پیش موسسه کیهان را بنیان گذاشت و با عشق سرشار و شبانه روزی در راه پرورش و رشد فرهنگ و ادب آن سرزمین همیشه رخ به رخ با خائنان کوشید و خیلی زود از دل کیهان فرزندان دلنشین

مادر و پدر بر سر و روی خود سنگینی جسم متجاوزان را در پشت خود جریه می کند و از همان هنگام دچار چنان عقده ها و عارضه های وحشتناکی می شود که فقط یک کلمه را زیر لب زمزمه می کرده است : انتقام

اولین خالکوبی یا به قول امروزی ها تاتوی مرتضی روی پیشانی و بدنش با این واژه ها نقش می بندد از همه متنفرم : تشنه انتقام. اگر بزرگ شوم اگر قدرتمند شوم . هنگامی که مرتضی شانزده : هفده ساله میشود همه اهالی محل دیگر او را به عنوان یک خلافکار و نوجوانی خطرناک می شناختند که در بچگی اش ده ها بار مورد تجاوز واقع شده و حالا فقط تشنه انتقام است حالا مرتضی با هفده فقره آزار جنسی نوجوانان محصل در شهر ری دستگیر شده و با توجه به عقده های عجیب و غریب که محصول دوران کودکی اوست می توان گفت که بچه خمینی در شهر ری ظهور کرده و شاید در آینده ای نه چندان دور بدل به خمینی دوم برای دوباره انقلابی ساختن یک ملت کهن شود

اشک غماز من از سرخ بر آید چه عجب
خجل از کرده خود پرده دری نیست که نیست

خاک بر سر ساعی

هر چه عمر نکبت بار و چرک این رژیم فریب کار و چپاولگر دراز تر گردد باید از یک طرف به تماشای هر چه بیشتر نقشه های شوم و ویرانگر آخوندی نشست و از طرف دیگر به دام افتادن قربانی های تازه را نظاره گر بود در واپسین نقشه و دام جمهوری اسلامی در راه لجن مال کردن نام آشنا ها دو قهرمان ورزشی و

پرده حریر

طراحی، دوخت و نصب انواع پرده

های کلاسیک و مدرن

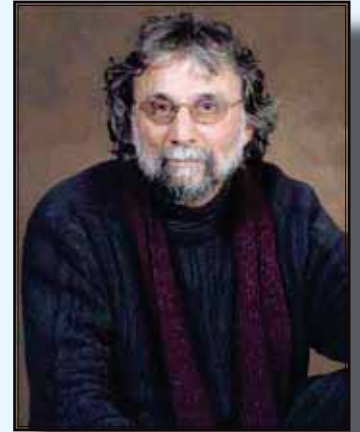
تعویض و تعمیر روکش مبلمان

کلیه امورتزیینات داخلی منزل با نازلترین قیمت

020 833 98 763 0795 060 42 77

Email: ginainteriordesign@yahoo.co.uk

*جدل قلمی بچه‌های خمینی در گندابی به اسم جمهوری اسلامی!



بصیر نصیبی

کردم (صدای امریکا- بی بی سی و دوپچه وله) از نظر مخاطبان تلویزیونی ایران حرفه ای تر و درست تر و محبوب تر از شبکه رادیویی هما بوده است»

که البته باید واژه های محبوب و درست را از خصوصیات اینگونه وسایل ارتباط جمعی که در جهت حفظ جمهوری اسلامی حرکت کرده اند نیز حذف کنند.

اکثرچهره های انقلابی درون بافت جمهوری اسلامی به فساد اخلاقی آلوده اند اما تا کنون این مسئله خط قرمزی بود که طرفین از آن عبور نمی کردند. اما اینبار سجادی در جو اب نبوی این مرز را هم می شکند حرفهای همسر حسین درخشان (حسین درخشان)* همکار روز و رادیو زمانه و همکار محترم بهنود. نیک آهنگ کوش. هوشنگ اسدی و... یکی از شرکایی که قرار بود در طرح تلویزیون گویا و ماجرای ۱۵ میلیون یورو دولت هلند سهم داشته باشد) را بازگو می کند و می نویسد:

«بنده قاطع اعلام می کنم در موقعیتی که ابراهیم نبوی با این پرسش بدون پاسخ مانده مرجان عالمی (همسر مطلقه حسین درخشان) در خصوص سابقه نثوان! نوازی ایشان مواجه است که...» و بعد سجادی حرفهای آن خاتم را از وبلوگش عینا نقل می کند و مافقط تکه ای کوتاه از آنرا بازنویسی می کنیم:

«...چرا هیچکس هیچ جا نمی نویسه که این آقای نبوی که همه (!) کشته و مرده شن. چه دسته گل هائی به آب نداده و چه زندگی هائی رو به هم نزده و با چه دخترهای جوان و زیر سن قانونی...» (ببینید مدیر محترم یک تلویزیون مربوط به جمهوری پاک و منزه اسلامی برای مرعوب کردن طرفش که او هم از خودش است چه مسایلی را مطرح می کند و تا کجا پیش می رود)

ایا این فقط نبوی است که به زعم و ادعای همسر آقای درخشان و خود آقای سجادی چنین پیشینه

حال بین سجادی و نبوی* در سایت انتخاب جدل در گرفته است که دامنه آن به سایت گویا کشیده شده است.

سجادی در جواب به نبوی می نویسد:

«...تصادفاً اینجانب نیز تعداد زیادی از این دست را می شناسم... و در حال حاضر هم در رادیو صدای آمریکا و تلویزیون VOA و رادیو فردا و موسسه اینترپرایز و موسسه هودر و رادیو زمانه و سایت روز و سایت گذار مشغول به کارند و از کیسه اجنبی ارتزاق می فرمایند. حتی کسانی را می شناسم که با خیانت در امانت پول های حجت الاسلام زم را بالا کشیده و به خارج آمده و برخلاف واقعیت. روزنامه نگار بودن را دلیل فرار از کشور اعلام کرده و می کند!!!»

خوشبختانه تا این تاریخ جهاز هاضمه اینجانب ارزشی ملوث به نجاست مالی چنین نقدینه هائی نشده. حال چه با جعل حرفه روزنامه نگاری یا هر حرفه ائی دیگر»

سجادی اسم منابعی که امثال نبوی از آن تغذیه می کنند میگذارد کیسه اجنبی - البته نجاست مالی ی (واژه مذهبی فساد مالی) همه باندهای درون حکومت مافیایی- نه فقط باند رفسنجانی. خاتمی. کرویبری امری بدیهی است. سجادی اشاره می کند به کسی که پول های حجت الاسلام زم را بالا کشیده و به خارج گریخته اما نام پول مردم خور را قید نمی کند ولی نقل این اتهام در جوابیه سجادی به نبوی که بی دلیل نباید باشد؟ اما فکر نکنم آخوندی مثل زم کسی باشد که بتوان پولش را بالا کشید - ممکن است منظور آقای سجادی لفت و لیس در دم و دستگاه زم در حوزه هنری تبلیغات اسلامی باشد که خود آقای زم هم پول ملت درمانده را بالا می کشید و حیف و میل می کرد.

همینطور نبوی می نویسد: «از طرفی مطمئنم که هر سه رسانه ای که با آنها کار

خودشان هم دست کمی از سران کنونی رژیم ندارد. البته دو میانه باز شناخته شده در این جمع هستند به نام های مسعود بهنود و احسان نراقی که هر چند بیشتر مواقع با صورتک حامی خاتمی ظاهر می شوند اما حواسشان جمع است که کلیت رژیم آسیب نبیند- بهنود وقتی اکبرگنجی ی اسطوره ای! با رفسنجانی چپ افتاده بود به او نهیب میزد که چرا جانب اعتدال را نگه نمی دارد و سردار را می آزارد؟ اما الان این دو چنان همدیگر را در آغوش میفشانند که انگار دویار وفادار همیشگی بوده اند.

یکی از وابستگان وفادار کلیت حکومت ولایت فقیه شخصی است به اسم داریوش سجادی که تا چندی پیش تلویزیون مهاجر رژیم را میچرخاند. آقای سجادی مرتباً در همین سایت گویا مقالات ارزشمندش! را در کنارنوشته های باز هم ارزشمند! آقای نبوی به چاپ می رساند- نه سیدابراهیم نبوی که الان کشف کرده است سجادی چه است و چه نیست و ۱۶ ماده هم علیه اش تنظیم کرده است صدایش در می آمد. نه حرفی از بی سوادی و بی جرگی این موجود در میان بود تا اینکه در کوران انتصابات سال گذشته (این شبه انتخابات تحت نظارت عالیه خاتمی انجام شد و از دل آن پرزیدنت! احمدی نژاد سرور آورد) و جدل نیم بند سجادی / بهنود مشخص شد که باند ها ولابیهای که ماموریت خارج کشوری دارند با هم جدلی را آغار کرده اند اما بهنود از آن زرنگ تر است که تا آن جا پیش برود که مشخص شود خودش چه بوده و چه هست- او که سالهای آغاز حکومت خمینی بدلیل ممنوع الخروج بودن از پای پله هواپیما برگردانده شد- تا حالا چه نقشی بازی کرده است که هنوز هم در میدان است؟ علاوه براینکه در سایت ها و رادیو ها و تلویزیون های اینجا حضور فعال دارد روزی نامه حکومتی انتخاب جمهوری اسلامی هم مقالات او را مرتباً به زیور طبع می آراید.

هیچ جریان. هیچ حزب و هیچ سازمانی امکان آنرا ندارد به اندازه خود باندها و دستجات درون رژیم ماهیت واقعی گندابی زیر نام جمهوری اسلامی و اسلام ناب محمدی را بر ملا کند. معماران و اندیشه های فاسدی که از دل این حکومت متولد شده اند تا زمانی که رهبر جنایتکارشان زنده بود. با هم میخوردند و با هم می چاییدند و در جنایت های رژیم هم همه شان سهم داشتند- کسی هم قادر نبود که فریاد اعتراضش را به گوش جهان برساند- اما بعد از مرگ خمینی به تدریج باندهای حکومتی علیه هم موضع می گرفتند. به هنگام محکومیت رژیم در دادگاه می کونوس جمهوری اسلامی در تنگا قرار گرفت- برای نجات از مخمصه و خوشترقصی برای اغاذیه اروپا و امریکا چهره مکار و چاپلوس خودش را زیر عنوان رئیس جمهور (خاتمی) به میدان فرستاد و این جناب هم تا آنجا که زورش می رسید دارو دسته خودش را در ارگان های حکومت جا سازی کرد. اما باندهای دیگر نمی گذاشتند لقمه چرب و نرمی زیر عنوان اصلاحات با اشغال همه پایگاهها - فقط به باند خاتمی فیض برسانند. در این وضعیت عوامل رژیم بجان هم افتادند و هر کدام به شکلی دیگری را رسوا کرد و هر کس اعمال گذشته خودش را نادیده گرفت و دیگری را زیر سؤال برد- به عنوان نمونه اکبرگنجی و محسن سازگارا هیچ تصویر روشنی از گذشته خودشان در دستگاه های امنیتی / سپاه پاسداران / کمیته های انقلاب و... ارایه نمی دهند. فقط میگویند که باید سران جنایت کار ج.ا.ا را بخشید. چرا؟ چون گذشته تیره

شرکت کنند و یک صندلی هم به رفسنجانی قاتل در مسجد خبرگان واگذار شود...

* خاتمی در ارتباط با محکومیت اخیر سران رژیم می گوید:

این یکی از مسخره‌ترین مسائلی است که مطرح شده است و اصل قضیه هم توطئه‌ای علیه ایران بود. قبلا هم سر و صداهایی کرده بودند و حتی خود مقامات بی‌طرف آنها قضاوت کردند که ایران در این مساله دخالتی نداشته و آن هم شخصیتی مثل آقای هاشمی رفسنجانی که از چهره‌های برجسته، خردمند و صلح‌دوست جامعه ما هستند (با انتخاب واژه آنهم ایشان تلویحا دخالت بقیه حکومین را می‌پذیرد) من فکر می‌کنم بعضی مشکلات داخلی آرژانتین بوده که سبب شده این مساله را پیش بکشند و طبق اطلاعاتی که ما داریم پشت این قضیه دست‌های صهیونیستی حضور داشت.

* اینطور وانمود می کنند که حسین درخشان به خاطر طلبش، روز را چند روز بسته بود - و بلوگ باران در دهان نیمه باز که با اینها و باندشان آشنایی دارد هم به این ادعا با دیده تردید نگاه می کند. شاید هم خودشان را به گدایی میزنند تا سهمشان را بالا ببرند آخر یک سایت که کتمان هم نمی کنند در خط بقای جمهوری اسلامی حرکت می کنند چرا با مشکل مالی مواجه می شود؟ مگر شیرین عبادی، رفسنجانی، خاتمی... امکان مادی ندارند؟ چرا به داد سایت حامیشان نمی رسند؟ پس ۱۵ میلیون یوروی اهدایی دولت هلند همه اش خرج رادیو زمانه شد؟ آمریکا جهانخواهر اسبق چی؟ از ۸۰ میلیون دلار بودجه ای که تصویب کرده سهمی به روز نمی رساند؟ مینطورا یا از فیلتر شدن سایت حکومتی انتخاب برای بازار گرمی بهره نمی گیرند؟ مگر سایت امنیتی بازتاب مدتها فیلتر نشده بود؟

نصیب بنده می کردند؟» (جدا شده از جوابیه سجادی)

اما نبوی در جواب به سجادی بندگان و چاپلوسی خودش را نسبت به خاتمی شارلاتان بار دیگر به رخ سجادی می کشد و میفرماید:

«علت احترامی که ما به آقای خاتمی می گذاشتیم و هنوز هم می گذاریم و بعدا هم خواهیم گذاشت، در شخصیت آقای خاتمی و رفتار سیاسی ایشان بود»

می دانید چرا سجادی از جواب به این بخش ادعای نبوی چشم پوشی می کند که هیچ اصلا به روی خودش نمی آورد که همین جناب نبوی، در جریان انتصابات یک سال پیش تبدیل به مدافع دزد و قاتل بین المللی هاشمی رفسنجانی شد* (توجه کنید به صدور حکم جلب بین المللی برای سردار محبوب آقای نبوی و بهنود*) چون خود سجادی هم از همان قماش است. حالا با نبوی چه افتاده ممکن هست چند وقت دیگر با صرف دو پرس چلوکباب سلطانی با دوغ و پیاز و آروغ حاصله از پر خوری، اختلاف فی مابین به خوبی و خوشی حل و فصل بشود.

اما بهترین تصویر از این جدل را می توان با نقل این ضرب المثل مجسم کرد
سگ زرد برادر شغال به این یادآوری که ما خودبودیم و هستیم که برای امثال نبوی ها، سجادی ها و بهنود ها شخصیت و اعتبار می ساختیم و می سازیم.

* چون ارگانیزه برنامه نبوی در کانادا بعهدہ نشریه شهروند بود این نوشتار برای سایت مذکور نیز ارسال شد که همانگونه که انتظار می رفت از چاپ آن خوداری کردند من قبلا راه و روش دوم خردادی نشریه مذکور را به دوستی که منکر این واقعیت بود یاد آوری کرده بودم.

* در جریان شبه انتخابات مسخره شورای شهر و خبرگان باز هم جناب نبوی جدی نویس شد و مردم را تشویق می کرد در این خیمه شب بازی

ای دارد؟ و آقای سجادی خود چی؟ از آلودگی های یک رژیم آلوده میرا هستند؟

همچنین باند دوم خرداد برای اینکه خودش را مترقی نشان دهد از فحش هایی که کیهان شریعتمداری نزارش میکند ناراحت نمی شود که هیچ استقبال هم مینماید - مهاجرانی، نبوی، سازگارا، گنجی، بهنود، ملی/ مذهبیها و حجاریان.... حتا بخشی از خارج کشوری های خاتمی چی مثل دکتر علیرضا نوری زاده با استناد به فحش های کیهان تهران میخواستند برای خودشان موقعیت بسازند و ساختند.

اما آقای سجادی هم سندی دارد که نشان می دهد از فحش های کیهان بهره برده است پس این آقای سجادی مدیر اندیشمند! تلویزیون مهاجر هم مترقی، مردمی و اصلاح طلب است - چرا نبوی وی را ضد اصلاحات مینمایاند؟

البته آقای نبوی دلش نمیخواهد سجادی اسامی همکاران و گفتگو کنندگان با تلویزیون هما دوباره مرور کند چرا که اینان خود اکثرا سروران باند خودشان هستند. ممکن است یک آدم فضول سؤال کند: پس چرا این انسانهای پاک و اصلاح طلب به خصوص، سروش و کربوبی و موسوی خوئینی ها، صادق زیبا کلام... با این شبکه ناسالام و آلوده مصاحبه کرده اند؟ سجادی هم می نویسد:

... جمیع بزرگواران صاحب نام و شخصیت در ایران از دکتر سروش گرفته تا حجت الاسلام موسوی خوئینی ها که حتی یک بار هم طی ۲۸ سال گذشته به یک رسانه خارج از کشوری مصاحبه نداده از حجت الاسلام کربوبی تا بزرگواران در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اعم از بهزاد نبوی و محسن آرمین و عرب سرخی و دبیر کل حزب مشارکت، از سردار عالی قدر سپاه حسین اعلائی تا برادران بزرگوار عباس سلیمی نمین و امیر محبیان و مسعود ده نمکی و صادق زیبا کلام به آن مصاحبه دادند؟ ... و دوستان در نهضت آزادی همزمان با برادران در جمعیت مؤتلفه توفیق میزبانی شان در هما را

توضیح

سایت گویا بخشی از جوابیه سجادی را سانسور می کند و خواننده را حواله می دهد به سایت سخن که همه جواب را بخواند

سایت انتخاب هم بخش مربوط به اتهامات همسر حسین درخشان را حذف می کند- در سایت سخن نظر آن خاتم با چند جا نقطه چینی می آید ولی همان سایت لینک وب لوگ خاتم را برای مراجعه کنجکاوان ذکر می کند

بعد جوابی نبوی دارد برای سجادی که در همان سایت انتخاب قرار داده می شود (اما در گویا نقل نشد) - انگار نا نویسندۀ غیر حرفه ای - نویسندۀ کاملاً حرفه ای را گیر انداخته است. در باره مصاحبه و ابستگان باند نبوی/ بهنود... با شبکه هما- اینبار نبوی نظرش را تا حد ممکن تعدیل می دهد و می نویسد

جهت توضیح عرض می شود که کار تلویزیون هما از نظر رادیویی که در آن صداهایی را از افراد مصاحبه شونده می شنویم کاری حرفه ای بود و به نظر من شبکه تلویزیونی هما، رادیوی خوبی بود (عجب!) مشکل من این است که چیزی به اسم تلویزیون هما، تلویزیون نبود. تلویزیون باید متکی به تصویر باشد و اصولاً هر برنامه ای که بتوان صدایش را شنید بدون اینکه

تصویر را نگاه کرد، یک کار رادیویی است. اما یادش میرود که چند روز قبل در باره سابقه شبکه هما گفته است
تلویزیون هما چنان ضایع شده است که حتی از من هم کاری برای موفق شدن آن ساخته نیست

در باره طرح مسایل خصوصی در جوابیه سجادی هم- نبوی خودش را به نشنیدن میزند و فقط به بخش کوچکی از نقل قول سجادی از وبلاگ همسر حسین درخشان بند می کند و می نویسد
دوما: «جماعت نثوان» غلط است، «جماعت نسوان» درست است....

اساسا در ادبیات فارسی کلمه ای به نام جماعت نثوان نداریم همانگونه که ما هم پیش بینی کردیم آقای نبوی که انگار میترسد حریف بی چاک و دهن مسایل بیشتری را باز کند تقاضای آتش بس می دهد و می نویسد

و برخلاف آرزویی که بار قبل کردم، از خداوند می خواهم که روزی برسد که من و آقای سجادی هر دو به دور از این همه..... مشکلات و بدبختی های کشور (که رژیم خودمان آفریده است) بتوانیم با هم دوست باشیم (ملاحظه فرمودید) و هرکدام مان در جای واقعی مان قرار بگیریم... (زمینه صرف چلوکباب! دارد فراهم می شود

اتم ، نفت و خاورمیانه (۳)

حرف تازه

از: فرخ فروزین

حدوداً صد سال قبل از وقتی سیاست استعماری انگلیس قصد داشت تسلط خود را در خاورمیانه توسعه دهد و خلیج فارس را مرکز مراصلاتی در این منطقه می دانست کاپیتان پتروس که فرمانده انگلیس بود محرمانه با حسنعلی میرزا فرمانفرما بدون صلاحدید از دولت مرکزی قرار دادی بست که تا زمانی که نیروی دریایی کافی برای حفاظت خلیج فارس نداشته باشد این وظیفه برعهده دولت انگلیس واگذار می شد و به همین علت انگلستان نیروی نظامی خود را در سال ۱۸۹۱ به خلیج فارس کشاند که تا سال ۱۳۵۰ ادامه داشت .

اینکه چرا انگلستان از عربستان اجازه این کار را نگرفت و این مجوز را از ایران دریافت کرد بدان علت بود که ایران بزرگترین کشور منطقه و صاحب تمامی کرانه های شمالی خلیج فارس بود و تنگه هرمز هم در اختیار دولت ایران بود آقای احمد میرفندرسکی (آخرین وزیر وزارت امور خارجه) در کتاب (در همسایگی خرس) که گفتگویی است با آقای احمد احرار نقل کرده اند: روزی در مسکو کنفرانسی بود راجع به خاورمیانه و عنوان کنفرانس هم «مبارزه برای نفت» بود سخنران که استاد دانشگاه بود بحثی را پیش کشید که خلاصه کلام آمریکا و انگلیس در خاورمیانه بر سر منافع نفت کشمکش دارند آمریکا به انگلیس می گوید تو باید به اندازه بشقابیت از این پلو برداری الان بشقاب تو خیلی کوچکتر از سابق است اینهمه پلو برای تو زیاد است این منم که باید دنیای بعد از جنگ را سرو سامان بدهم و اداره دنیای بعد از جنگ مستلزم این است که من بر منابع انرژی دنیا حاکم باشم مقصود این است که از همان وقت یعنی بلافاصله بعد از جنگ همانطور که شرق و غرب بر سر فرمانروایی بر دنیا وارد مبارزه شدند کشمکش انگلیس و آمریکا هم در عین حال که متحد یکدیگر در برابر بلوک شرق بودند بر سر منابع نفت خاورمیانه آغاز شد این کشمکش و این مبارزه یا بهتر است بگوییم این رقابت تا آخر ادامه داشت و هنوز هم ادامه دارد من کارشناس روابط ایران و آمریکا نیستم ولی به طور ساده و خلاصه می توانم بگویم «پهلوان جوان و تازه نفس و زورمند اما مغرور و کم تجربه ای روبرو شده با یک پهلوان پیر و از نفس افتاده ولی

مکار و اهل فن».

و اما چرا باید خاورمیانه عقب مانده - جاهل - مذهبی و ناآرام باقی بماند تا کشورهای صنعتی به لحاظ خوی و روحیه استعماری و طمع و تنگ نظری خود پایدار بمانند

۱- خاورمیانه پلی است بین سه قاره آسیا - اروپا و افریقا که تمام آن د و شد بین این سه قاره با عبور از این منطقه عملی می گردد و در واقع خاورمیانه به عنوان یک پل ارتباطی اهمیت دارد

۲- چهار کشور بزرگ نفت خیز جهان در خاورمیانه قرار دارند ایران- عراق - عربستان و کویت

۳- سه چهارم نفت جهان از خاورمیانه تامین میشود و بیشتر کارخانجات صنعتی جهان سوخت مورد نیاز خود را از خاورمیانه تامین می سازند

۴- اماکن مقدس چهار دینت بزرگ جهان در خاورمیانه قرار دارد یهودی - مسیحی - اسلام و بهایی

۵- بیشترین مردم خاورمیانه مسلمانند .

خاورمیانه

بیانات شاهنشاه در مصاحبه با نماینده

ساندی تایمز لندن اسفند ۱۳۵۲

مسئولیت حفظ امنیت خلیج فارس برعهده کشورهای ساحلی این منطقه باشد

هیچ گونه حضور نظامی خارجی در خلیج مجاز نخواهد بود . وقتی انگلستان با قدرت در خلیج مستقر بود هیچکس نامی از اعمال بعثی و باکویی در یمن جنوبی نشنیده بود اگر فرض کنید عمان که نیروی نظامی ایران در آنجا در کنار نیروهای عمانی سلطان قابوس در نبرد علیه شورشیان ضفار شرکت دارند به دست افراد ناباب که می توانند یک نفت کش پانصد هزار تنی را غرق کنند و خلیج فارس را برای همیشه آلوده سازند بیفتد چه وضعی پیش خواهد آمد؟ به علاوه چه فرقی بین نیروهای دفاعی من و نیروهای انگلیسی یا فرانسوی و یا آلمانی هست؟ هدف من دفاع از کشورم در مقابل تهدیداتی است که از هر سو ممکن است متوجه ما شود من آماده ام با برادران هم کیش یعنی کشورهای عربی خلیج ترتیبات لازم را برای همکاری منطقه ای در زمینه دفاعی بدهیم.

در مصاحبه با مدیر مجله الحوادث چاپ بیروت آذر ۱۳۵۲

موضوع اشغال سه جزیره در خلیج فارس دیگر یک موضوع خسته کننده شده است شما همیشه تکرار می کنید که ما این جزایر را

اشغال کرده ایم در حالی که این جزایر مال ایران است بریتانیا آنها را در گذشته از ما به زور گرفته بود و ما آنها را به میهن خود باز گرداندیم یعنی ما فقط اوضاع را به حالت طبیعی برگرداندیم اما در مورد مسئولیت دز خلیج فارس باید بگویم که این مسئولیت مشترک است ما نمی خواهیم وصی کس باشیم و نمی خواهیم مسئولیت امنیت خلیج فارس را به تنهایی بر گردن بگیریم بلکه می گوییم تمام کشورهای خلیج فارس باید در این راه با ما همکاری کنند ولی اگر دیگران نخواهند یا نتوانند کاری نکنند ما نمی توانیم دست بسته باقی بمانیم

در مصاحبه با نماینده بی - بی - سی

لندن آذر ۱۳۵۳

عراق پس از جنگ جهانی اول توسط سر ونیستون چرچیل خلق شد قبل از آن تاریخ عراق به امپراتوری عثمانی تعلق داشت و به دین ترتیب این کشور یک کشور جدید و یک دولت تازه بود و انگلستان مسئولیت سیاست خارجی و امور دیگر عراق را بعهدہ داشت به طوریکه وقتی در سال ۱۹۳۷ یک پیمان مرزی میان ما و عراقی ها امضاء شد انگلیسی ها که در آن تاریخ تنها قدرت منطقه ای صاحب نیروی دریایی در اقیانوس هند و خلیج فارس به شمار می رفتند و شط العرب را به خاطر مقاصد خاص خود تحت کنترل کامل داشتند چند ماده در آن موافقتنامه گنجانده که بسیار استعمار گرانه بود زیرا چگونه می توان در یک معاهده تصریح کرد که رود مرزی قابل کشتیرانی که تصادفاً شصت و پنج درصد آب آن از کشور من سرچشمه می گیرد کاملاً به یک کشور دیگر تعلق داشته باشد؟

این به معنای آن است که فی المثل رود دانونب در اروپا که از کشورهای متعددی می گذرد به طور کلی متعلق به یک کشور شود یا اگر کشورهای آلمان و فرانسه هر یک ادعا کنند که رود «راین» به تنهایی به آنها تعلق دارد چه پیش می آید؟ اما حتی در این پیمان سال ۱۹۳۷ نیز گفته شده است که هر یک از دو طرف یعنی کشور من و عراق می توانند بدون اعلام قبلی و حتی بدون اجازه طرف دیگر کشتی های جنگی یک کشور ثالث را برای بازدید به بنادر خود دعوت کنند بدین ترتیب مواد این قرارداد آنقدر متناقض است و به قدری با مقررات موجود بین المللی مایبنت دارد که طبیعتاً ما نمی توانیم اینگونه نقص حقوق بین المللی را تحمل نماییم

در مصاحبه با خبرگزاری سیاسی

تلویزیون تجارتی انگلستان بهمن ۱۳۵۲

می دانید که شما در ازای این کار چه پاداشی به ما دادید؟ ... نمایندگان عرب در کنفرانس مبارزه با آلودگی محیط زیست که در لندن تشکیل شده بود شدیداً به نام خلیج فارس که نام واقعی آن است اعتراض کردند و با اصرار خواستار شدند که آغا خلیج عربی نامیده شود!..... من از شخص شما می پرسم نام خلیج را هنگامیکه در مدرسه بودید به صورتی آموختید؟ اسمش خلیج فارس بود یا خلیج عربی؟

اقیانوس هند اقیانوس افریقائی‌ان نیز هست پس چرا اسم آن را به جای اقیانوس هند اقیانوس افریقا نمی گذارید یا اقیانوس هند و افریقا نمی نامید؟ یا چرا به آن فقط اقیانوس نمی گوید؟ من بیست سال قبل برای اولین بار نا خلیج فارس را به نام خلیج عربی در روزنامه تایمز لندن خواندم و فوراً بازی را فهمیدم. دو سه سال بعد به گوش خود شنیدم که پریزیدنت عبدالناصر در یکی از سخنرانی هایش گفت از اقیانوس اطلس تا خلیج فارس. وی نام خلیج فارس را بر زبان آورد زیرا این همان اسمی بود که در مدرسه یاد گرفته بود در چنین وضعیتی باید تصدیق کنید که پشتیبانی ممکن نیست یک جانبه باشد من مسئول منافع کشور خود هستم و صحیح نیست که ما همیشه خود را با نمک شناسی شما روبرو ببینیم.

در خاتمه یادآوری این حقیقت مفید بود که اعراب با زور شمشیر موفق شدند دین مردم ایران را تغییر دهند ولی تا امروز که ۱۴۰۰ سال می گذرد نتوانستند زبان فارسی را به عربی تبدیل کنند در حالی که کشورهای هزاره ای هم هستند که همزمان با دین زبانشان هم به عربی تبدیل شد اخیراً یک ایرانی از رئیس دانشگاه الازهر مصر سوال کرده بود که شما مصری ها دارای تمدن بسیار قدیمی تاریخی هستید چگونه شد که در حمله اعراب زبان خودتان را به عربی تغییر دادی؟ پاسخ این بود که :

ما مصری ها در بین ملت مان شخصیت بزرگواری مانند فردوسی نداشتیم هر آنکس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین بناهای آباد گردد خراب پی افکنم از نظم کاخی بلند بسی رخ بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

ما مخالفتی با شما نداریم ولی اگر شما به این نظام اجتماعی بی بند و بار و بی انضباط ادامه دهید کشورتان منفجر خواهد شد شما ورشکست خواهید شد زیرا به اندازه کافی کار نمی کنید شما می خواهید برای کار ناچیزی که انجام می دهید پول بیش از اندازه بگیرید و این موضع نمی تواند ادامه داشته باشد ممکن است این وضع چند ماه و شاید یکی دو سال ادامه یابد ولی مسلماً نمی تواند برای همیشه دوام داشته باشد اگر من به شما کمک نمی کردم تا جدی بودن اوضاع را درک کنید دوست خوبی برای شما نبودم به هر حال من می گویم که از منافع ایران دفاع کنم در عین حال تصور می کنم که این امر به این آرمان کمک خواهد کرد که به شما ضربه ای وارد کند تا چشمان خود را باز کنید و مسائل را خوب بشناسید شما برای مقابله با آینده خود باید روش زندگی خود را تغییر دهید با انضباط باشید و بیشتر کار کنید در مصاحبه با مدیر مجله الحوادث بیروت آذر ۱۳۵۲

کسانی هستند که چه در گذشته و چه اکنون خواسته اند اعراب را از ایران دور نگهدارند و گرنه روش های خصمانه بی دلیل و بدون مجوزی را که از سوی اعراب مشاهده میشود چگونه می توان توجیه کرد؟ روش کلی شما چه در سازمان ملل و چه در خارج از این سازمان نسبت به ایران خصمانه است شما هیچ فرصتی را برای بدی کردن به ما نیافته اید که از آن به طور مجانی و بدون مزد استفاده نکرده باشید

اگر قبول دارید که ایران کشور مهمی است پس چرا نمی کوشید سیاست ما را درک کنید؟ ما نمی توانیم کورکورانه از دیگران پیروی کنیم آنچه را بصلاح خود و همچنین بصلاح شما تشخیص نمی دهیم نمی توانیم بپذیریم من نمی فهمم چرا ما باید از شما پیروی کنیم ولی شما نباید از ما پیروی کنید؟ چرا آنچه را که ما برای شما انجام می دهیم بیاد نمی آورید و فقط آنچه را که انجام نداده ایم بیاد می آورید چرا به یاد نمی آورید که ما دعوت مصالحه را که عراق از ما کرد از نخستین ساعات پذیرفتیم و به آنها گفتیم که می توانند از مرزهای خود با ما اطمینان داشته باشند و به دین ترتیب توانستند سه گردان از نیروهای خود را به جبهه جنگ اعزام دارند؟ چرا فراموش می کنید که ما از عبور داوطلبان یهودی که در استرالیا گرد آمده بودند و می خواستند از راه ایران به اسرائیل بروند جلوگیری کردیم؟

دفتر مشاوره حقوقی لطیف زمانی

کارهای حقوقی خود را با اطمینان خاطر می توانید به ما بسپارید:

امروزه تمامی کارهای جاری و بازرگانی بستگی به رعایت قوانین و مقررات و استفاده به موقعه و بهینه از آنها دارد

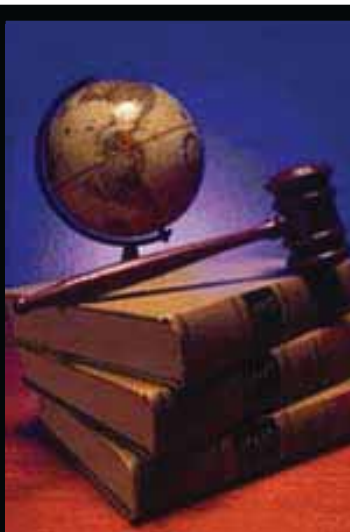
- ۱ - ثبت شرکتها و موسسات جاری طبق قوانین و مقررات کشور انگلستان
- ۲ - پذیرش نمایندگی برای شرکتها و موسسات جاری از هر نقطه جهان
- ۳ - اخذ ویزای تحصیلی (داری مجوز رسمی از معتبرترین دانشگاهها و کالجهای کشور انگلستان)
- ۴ - تنظیم قرار دادهای جاری
- ۵ - رفع مشکلات اعتباری
- ۶ - تهیه و ارسال اقلام مورد نیاز شرکتها و موسسات جاری طبق مقررات کشور انگلستان
- ۷ - دریافت ویزای سرمایه گذاری و جاری

لطیف زمانی با دارا بودن مدارک و سابقه درخشان می تواند بهترین مشاور و همراه در کارها بزرگ جاری و حقوقی شما می باشد

6C Ballards Lane
Finchley Central
London N3 2HA

Tel: 020 8371 6999
Fax: 020 7900 3321

www.latifzamani.com
E-mail:
info@latifzamani.com



سفری در توخان

نویسنده: م.س

آنچه قبلا خواندید

فرشاد و ترانه اتفاقی با هم آشنا میشوند و میان آنان عشق و محبتی به وجود می آید ترانه دختر یکی از تازه به دوران رسیده های حکومتی است که عنوان سرداری هم دارد و قصد دارد دخترش را به پسر یکی از همپالگی های خودش دهد تا به موقعیتش کمک کند فرشاد از خانواده ای متوسط و معمولی است که با مرگ پدرش با مادر خود زندگی می کند و میراث اندکی از پدر را سرمایه زندگی کرده است فریبا و فرشاد خواهر و برادر فرشاد هستند که فرشاد در انگلستان زندگی می کند و فریبا شوهر کرده و مشغول زندگی خودش است فرشاد یک بار با خانواده اش به خواستگاری ترانه می روند ولی با عکس العمل بی ادبانه پدر ترانه مواجهه می شوند ولی دیدارها و رابطه ترانه و فرشاد ادامه پیدا می کند که متوجه می شوند ترانه حامله است که تصمیم می گیرند ترانه را بدون اطلاع خانواده اش به انگلستان فراری دهند تا بعد فرشاد هم به او ملحق شود ترانه در خانه فرشاد متوجه میشود عوامل پدرش فرشاد را دستگیر کرده اند و حالا دنباله ماجرا

فرهاد که فکر نمی کرد ترانه حرفهای او را با شوهر فریبا شنیده دستپاچه و هراسان گفت چیزی نیست حل شده چی حل شد فرهاد؟ فرشاد رو گرفتن من بابام رو می شناسم اون به هیچ چیز و هیچ کس فکر نمی کنه الان فقط در فکر اینه که فرار من واسه موقعیت اون بد نشه

ترانه زد زیر گریه و با صدای بلند شیون درناکی را سر داد فرهای با صدایی که سعی می کرد آرامش و تسکین در آن باشد به ترانه گفت: نگران نباش فعلا که اتفاقی نیفتاده به هر حال حضور تو در اینجا مثل یک گروگانه که پدیرت این رو خوب می دونه که اگه مویی از سر فرشاد کم بشه مسئله تو پیش می آد سعی کن آروم باشی تا خدای ناکرده خطری متوجه سلامت توو بچه نشه

حرفهای فرشاد باعث شد ترانه کمی آرام شود و به رختخواب برگردد و فرشاد با افکاری مغشوش و نگران کننده در تختش رها شد ترانه مجسم می کرد که فرشاد حالا چه حال و روزی دارد بارها از زبان پدرش یا دوستانش که به منزل آنان می آمدند می شنیدند که مثلا فلانی را که گرفته بودند چه کارهای وحشتناک و ترسناکی با او انجام داده اند تا طرف خواسته

زمین سبز واسه مشتی جوون آرزوست که فقط بازی کن ترانه و فرهاد چند ساعتی را با قدم زدن و صحبت و غذا خوردن طی کردند و غروب به خانه برگشتند

فرهاد به طرف تلفن رفت و شماره خونه فریبا خواهرش را گرفت لحظاتی بعد صدای مهیار شوهر فریبا شنیده شد

سلام مهیار

سلام فرهاد

چه خبر مهیار؟ مادر چه طوره؟ از فرشاد چه خبر؟

امروز پدر ترانه با چند تا وزارت اطلاعاتی اومدن اینجا و با تهدید و فحش و حتی ضرب و شتم به من می خواستند مادرانه را وادار به برگشت کنیم ولی فریبا به آنان حمله ور شد و حتی تهدیدشان کرد که نه تنها به ترانه نمی گوید برگرد بلکه او را تشویق می کند به رسانه های ضد رژیم متوسل شود و آبرو حیثیت آنان را به باد دهد

وقتی مهیار حرف می زد فرهاد دچار احساسات عجیبی شده بود از سویی به خواهرش افتخار می کرد و از سویی نگران شده بود و مهیار ادامه داد بعد از حرفهای فریبا پدر ترانه سری به علامت تهدید نشان داد و رفتند ولی حرفهای فریبا آنان را نگران کرد و به فکرشان فرو برد که اگر این اتفاق بیفتد چه خواهد شد؟ ولی پدر فرهاد شماره تلفن منزل ترا در میان دفترچه تلفن منزل ما پیدا کرد و یادداشت برداشت چون همه جا را دنبال آدرس و تلفن تو گشتند حتما با تو هم تماس می گیرند

مهیار: نگران من نباش خودت می دونی که من سرم درد می کنه واسه درگیر شدن با این یقه چرکهای سفارتی و رژیم

به هر حال بابای ترانه ول کن که نیست ما باید منتظر عکس العمل های بعدی اون باشیم ولی حرفهای فریبا بد جوری ترسوندش

مهیار جان مواظب مامان فریبا باش تا ببینیم چه میشه

فرهاد گوششی را گذاشت و موضوع را به ترانه گفت و از او خواست فقط خونسرد و آرام باشد

فردا حدود ساعت ۹ صبح تلفن فرهاد زنگ زد و فرهاد گوششی را برداشت

الو بفرمایید

برادر فرهاد معیریان؟

بله شما؟

برادر من از سفارت ایران در لندن زنگ می زنه فرهاد نگذاشت حرفش تمام شود و با خشم و عصبانیت گفت

اولا تو اشغال برادر من نیستی دوما اگه دفعه دیگه اینجا زنگ بزنی میام دم همون سفارت و خشکت تو به سرت می کشم پیویز آدم کش ضد ایرانی

و با غیظ تلفن را زمین گذاشت و چند لحظه

اینان را قبول کند و فرشاد را می دید که دست و پا بسته در درد و خون دست و پا می زند این کابوسها باعث میشد ترانه با وحشت برخیزد و در اتاق تند تند راه برود و با وحشت و نگرانی از پنجره به بیرون نگاه کند

فرهاد که تنها کانال ارتباطی او خانه خواهرش فریبا بود به سراغ تلفن رفت و شماره آنان را گرفت و لحظاتی بعد صدای فریبا را شنید فرهاد: فریبا سلام چه طوری؟ خوبی؟

سلام فرهاد چه خوبی پدرمان در اومده مامان بیمارستانه و حالش خوب نیست فرشاد هم که بردن و خبری ازش نداریم صبحی مهیار رفت که از طریق بعضی از دوستانش واسطه ای پیدا کنه و خبری از فرشاد بگیره

گوش کن فریبا اینها سراغ شما هم می آیند فقط محکم بایستید نقطه ضعف این اشغالها اینه که چون بابای ترانه می ترسه فرار دخترش عمومی بشه و لطمه به موقعیتش بخوره

شما هم از همین نقطه ضعف اون استفاده کنید و به گوشش برسونید که اگه به ادیت و آزارش ادامه بده ترانه به خاطر لجأت بچه و فرشاد در اینجا با مطبوعات و رسانه های ضد رژیم مصاحبه می کنه و می گه دختر کیه و الان چه بر سر شوهرش آوردن! فرهاد راست میگی این موضوع خوبیه حتما به گوش خانواده ترانه می رسونیم

فرهاد پس از صحبت با فریبا به ترانه هم گفت پاشو زن داداش بزنی بیرون گشتی می زنی تا هوایی تازه کنیم و بعد از ظهر دوباره تماس می گیریم

دوتایی به منطقه همسند رفتند و قدم زنان از جلو مغازه ها رد می شدند و فرهاد سعی می کرد با حرف زدن حواس ترانه را از فکر کردن باز دارد پیاده تا پارک کنتون رفتند

ترانه با دیدن زیبایی های این پارک که هزاران درخت سر به فلک کشیده آن را احاطه کرده اند حوضچه ای پر از مرغابی های شناور فضایی دل انگیز و آرامبخش را ساخته بود ترانه که کمی آرامش یافته بود از فرهاد پرسید

فرهاد چه قدر اینجا فضای سبز و درختکاری ها زیبا هستند انگلیس حتما خیلی بزرگه؟ نه؟ اصلا اینطوری نیست انگلستان وسعتش ¼ ایران به تقریبا همون جمعیت ایران ولی همینطور که می بینی همه جا پر از پارک و فضای سبز و درخت و گلکاریه و همه گونه امکانات تفریحی برای مردم مهیاست اونوقت در کشور ما با اینهمه ثروت خداداد به تیکه

رخ مادرش می کشید که همه گاه چون کنیزی باید اطاعت های کورکورانه از شوهرش را انجام می داد و هم از عشق و فرزند که در شکم دارد و خوشبختی اش مادر را مطمئن و خوشحال می ساخت و تهدیدهایش را به مادر می گفت که به گوش پدر برساند و پیام هم می داد که خیالشان راحت باشد سفارت و عواملش در اینجا هیچ غلطی نمی توانند بکنند که هیچ باید خیلی هم مواظب باشند ایرانیان مخالف رژیم یقه شان را بگیرند

ترانه با تعیین زمان که اگر تا فردا فرهاد با او تماسی نداشته باشد و از سلامت خودش ترانه را مطمئن نسازد ترانه دست به کار خواهد شد حتی در تلویزیونهای خارج از کشور خواهد گفت کیست و پدرش در رژیم چکاره است و چگونه پدرش با جنایت و دزدی و کلاهبرداری به این مقام رسیده است

مادر ترانه شوکه از حرفهای دخترش فقط ناله کنان گفت

ترانه مواظب خودت باش
فرهاد و ترانه با تماس های خود مطمئن بودند که بالاخره راه چاره ای پیدا خواهد شد و پدر بی رحم ترانه به خاطر حفظ موقعیت خود مجبور میشود کوتاه بیاید ولی ته دل ترانه هنوز وحشتی خانه کرده بود و از تصمیمات جنون آمیز پدرش هراسان بود که نکند بلایی سر فرهاد بیاورد

صبح خیلی زود تلفن فرهاد به صدا درآمد ترانه و فرهاد هر دو هراسان و وحشت زده از اتاق هایشان بیرون دویدند گویی قرار بود این تماس تلفنی نقشی حیاتی در زندگیشان داشته باشد هر دو رنگ به چهره نداشتند و ترانه آشکارا می لرزید و فرهاد هم با دلهره گوشی تلفن را برداشت و باصدایی که هیچ گونه هیجان و ترسی آن را ضعیف کرده است گفت
الو بفرمایید

ادامه دارد



چند قدم جلوتر از پدرش بردارند ترانه تنها وحشت و هراسش از بیماری قدرت طلبی و جاه و مقام پرستی پدرش بود که ممکن بود دست به هر کار خطرناکی بزند

فرهاد با توجه به فعالیت های سیاسی ضد رژیمی که داشت با افراد و گروه های مبارز علیه رژیم آخوندی در تماس بود و به خوبی می دانست که آنان در این جور مواقع ها حاضرند همه گونه کاری را داشته باشند و چنانچه لازم باشد با بسیج عمومی و ارتباطات با سازمان های مدافع حقوق بشر و رسانه های خارجی قضیه را عمومی و بین المللی حتی کرد که چگونه دو جوان عاشق را به جرم عاشقی به مسلخ گاه ببرند

ترانه هم قرار شد تماسی با مادرش داشته باشد و به آنان بگوید که چنانچه بلایی سر فرهاد بیاید آبروی پدر و دیگران را خواهد برد
ترانه با زیرکی هم از احساسات مادرش استفاده می کرد و هم شجاعت خودش را به

بعد دوباره گوشی را برداشت و شماره وکیلش را گرفت

سلام آقای خوزستانی من فرهاد معیربان هستم حالتون چه طوره؟

منوئم فرهاد خان چه خبر؟ خوب هستید؟

سپاسگذارم امروز مسئله ای برای من پیش آمده که می خواستم شما را هم در جریان بگذارم سپس فرهاد تمامی داستان فرهاد و ترانه و حوادث دیگر را به او گفت و تماس تلفنی از سفارت را هم بیان کرد

آقای خوزستانی پس از شنیدن حرفهای فرهاد با هیجان گفت : عجب عوضی ها پر رو شدن؟ ولی بسیار جالب است من همین امروز پلیس را در جریان قرار خواهم داد و نامه ای هم کتبی به سفارتخانه اشغال شده آخوندی خواهم نوشت که چنانچه کوچکترین تماس یا دخالتی در این جریان داشته باشند از آنان به دادگاه شکایت خواهم کرد در ضمن یکی دو روز آینده با ترانه خانم سری به من بزنید تا پرونده ای تشکیل دهم که حتما مورد احتیاج خواهد بود

فرهاد از آقای وکیل تشکر کرد و پس از خداحافظی گوشی را گذاشت

فرهاد حرفهای اطمینان بخش وکیلش را برای ترانه بازگو کرد هدف فرهاد قوی تر کردن روحیه ترانه بود و می خواست حالا که همگی وارد ماجرای خمیلی و اجباری شده اند تا آخر خط بروند و کم نیاورند

ترانه هم در همین مدت کوتاه به مرحله ای دیگری در زندگیش قدم نهاده است دلش می خواست به خاطر عشقش به خاطر بچه ای که در شکم دارد و از همه مهم تر به خاطر حفظ شخصیت خودش که می تواند برای زندگی و آینده اش تصمیم بگیرد مقابل همه مشکلات بایستد

فرهاد و ترانه تصمیم گرفتند با برنامه ریزی و عاقلانه با این حوادث برخورد کنند و حتی گاهی

سازمان انتشاراتی رنگارنگ

جهت تکمیل کادر اداری خود افراد زیر را به همکاری دعوت می نماید

بازاریاب خانم و آقا جهت فعالیت های تبلیغاتی مجله و تلویزیون

طراح تبلیغاتی جهت ساختن آگهی در کتاب راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا

بازاریاب خانم و آقا آشنا به زبان های عربی ، ترکی

بازیگر ، مجری ، نورپرداز جهت تلویزیون رنگارنگ

داوطلبین می توانند با دفتر مرکزی سازمان انتشاراتی رنگارنگ در لندن تماس حاصل نمایند

020 760 44 266

یک شانس گوسفندی

قربانی شد.» ناگهان از خواب پریدم. ظهر است. زیر سایه درخت دراز کشیده‌ام و چرت می‌زنم. نامردها چرای اول‌شان را کرده و مرا هم بایکوت (۵) کرده‌اند! از اطرافم صدای همهمه می‌شنوم. چشم باز می‌کنم و می‌بینم یک بز گر پیشانی‌ام را لیس می‌زند. ترسیده‌ام. دور و بر آن بز گر که صدایش می‌زنند «دکتر بزرو». گوسفندهای خرافه‌پرست جمع شده‌اند. دهان دکتر بزرو چنان بوی بدی می‌دهد که انگار سه سال و نیم است جز ... چیزی نخورده. بعد از لیس زدن. سمی به پیشانی‌ام می‌کشد. سری به تأسف تکان می‌دهد و می‌گوید: «نه! نمی‌شود.»

اصلاً حس بلندشدن ندارم. توی گله ولوله است. ساعت نزدیک به وقت چرای دوم است. چوپان عزیز دارد نیش را کوک می‌کند. صداهای غریبی می‌شنوم. غریزه گوسفندی‌ام به من می‌گوید این باید صدای دشمن باشد که بعدها فهمیدم اسمش گرگ است. گله چنان به هم ریخته که انگار توی خیابان‌های شلوغ تهران. ۱۸ تا تیر (۶) در کرده‌اند.



هرکی هرکی‌ای شده که بیا و ببین. چوپان عزیز فریاد می‌زند: «گرگ آمد. گرگ آمد!» و چند بار دیگر هم ... اما انگار از کمک خبری نیست. سگ گله معلوم نیست کجا رفته. چوپان دست انداخته زیر شکمم و مرا با خود به بالای نزدیک‌ترین درخت می‌برد و من از این بالا دارم آن چیزهایی را که شما در کتاب‌ها خوانده‌اید. می‌بینم. بعدها فهمیدم که آن روز. روز پنجمی بود که چوپان عزیز - که خیلی دوستش دارم - فریاد می‌زند: «گرگ آمد. گرگ آمد.» نگو که چهار روز قبل. فریادهای گرگ آمدش سرکاری بوده‌است.

این چیزها را که برای‌تان نوشتم مال سه ماه و هشت روز پیش بود. چوپان عزیز دو روز دیگر از زندان آزاد می‌شود. من هم برای خودم یک‌پا قوچ شده‌ام. فقط نمی‌دانم چرا قصاب ده این روزها زیاد به خانه چوپان سر می‌زند و با زن چوپان درباره چیزی صحبت می‌کند که من نمی‌فهمم. فکر می‌کنم از خال سفید پنجه روی پیشانی‌ام. خوشش آمده‌است...

ع. حسین‌نژاد

هستیم. شما آدم‌ها نه تنها از شیر و پنجم و پوست و بناگوش و به‌خصوص گوشت‌مان (۳) استفاده می‌کنید. بلکه - گلاب به روی‌تان. رویم به دیوار - دور ریختنی‌های ما را هم به کار می‌برید تا میوه‌ها و سبزی‌هایتان تازه و خوشمزه بار بیایید. سرتان را درد نیاورم. صبح شده و تقریباً همه گله فهمیده‌اند که من به دنیا آمده‌ام. احساس می‌کنم همه دارند درباره گوسفندیار صحبت می‌کنند. راستش دلیل این که دست‌به‌قلم شده‌ام تا برای شما بنویسم. دلشوره و ناراحتی است که آرام می‌دهد. صبح. مادرم به من شیر نداد. و حالا توی صحرای شمالی ده هستیم. همه چی‌چی به من نگاه می‌کنند. گرسنگی بدجور به من فشار آورده‌است. نمی‌دانم یک خال سفید به شکل پنجه روی پیشانی یک بره سیاه. چقدر می‌تواند بد باشد. که این قدر گوسفندها از آن می‌ترسند؟!

دیشب توی خواب و بیداری. صدای «خریزه» (۴) ریش‌سفید گله را می‌شنیدم که با چند تا از گوسفندهای خرافه‌پرست حرف می‌زد و می‌گفت: «تولد یک بره سیاه با خال سفید به شکل پنجه. آن هم در روز ششم ماه ششم سال ۱۳۴۵۶ گوسفندی. شوم است و معنی آن این است که خطر عظیمی گله را تهدید می‌کند. او می‌گفت تنها دو راه پیش رویشان است. این که یا چنگال‌های خال سفید پیشانی‌ام را از حالت تیزی دریاورند. یا مرا بکشند که رفع بلا بشود.»

آنها حرف می‌زدند که خوابم برد. در خواب دیدم تمام آغل را خون برداشته. و همه چیزهای اطرافم به شکل پنجه درآمده و هی به طرفم هجوم می‌آوردند. ناگهان یک قوچ بسیار زیبا با دو شاخ بزرگ آمد توی آغل. احساس آرامش عجیبی کردم. آغل به حالت عادی برگشت. قوچ زیبا رو به من کرد و گفت: «فرزندم نگران نباش. هیچ خطری تو را تهدید نمی‌کند.» گفتم: «شما کی هستید؟» گفت: «من جد بزرگ توام. همانی که به جای حضرت اسماعیل

سرنوشت: (پاراگراف اول را با لحن یک سخنران جدی و کمی تا قسمتی عصبانی بخوانید): «آدم باید خیلی خرسانس (۱) باشد که گوسفند به دنیا نیاید. ما که از این شانس محروم شدیم و الان مجبوریم در این دنیای پر از آدم‌های شکم‌پرست که حاضرند برای سیرکردن شکم‌شان دست به هر کاری بزنند. زندگی کنیم. این روزها خوش‌خوراک هم شده‌اند و کباب بره نوش‌جان می‌کنند و نمی‌گذارند این نسل. نسل سوم (۲). نسل امیدهای بزرگ ما ببالد و بزرگ شود...»

سلام. من یک گوسفندم و اسمم را بر اساس وصیت‌نامه پدر بزرگ عموی گوسفند همسایه گذاشته‌اند «گوسفندیار». البته در این سن و سال. شما آدم‌ها به من می‌گویید بره. من امروز طرف‌های عصر به دنیا آمده‌ام. حرف‌های اول نوشته‌ام مال میشل (MISHEL) است. میشل چون دنباش شبیه L است. اسمش را گذاشته‌اند میشل. مدتی توی یک مزرعه با کلاس زندگی کرده و حالا که برگشته. حرف‌های عجیبی می‌زند و کارهای غریبی می‌کند. مثلاً به خودش ادکلن «میشیگان» می‌زند. روی سمش را لاک زده. برق پوزه می‌مالد تازه می‌گفت می‌خواهد به دنباش ژل تزریق کند و پوزه‌اش را هم عمل کند که سریالا بشود! و از این جور کارهای غیرگوسفندی که حوصله گفتنش را ندارم.

امشب می‌گفت: «ما گوسفندها اولین قربانیان سوادآموزی انسان‌ها هستیم. مگر قصه چوپان دروغگو را نشنیده‌اید؟! آن خیانتکار بزرگ که می‌خواست امتحان کند. صدای نکره‌اش تا کجای ده می‌رسد و با این کار بیشتر از نصف اجداد ما را به چنگال گرگ‌ها سپرد.»

بقیه گوسفندها مثل هر شب می‌نشینند و درحالی که نشخوار می‌کنند سرشان را به نشانه تأیید تکان می‌دهند و بعضی‌هاشان هم گاهی بی‌...ع بلندی می‌گویند

به نظر من میشل راست می‌گوید. شما آدم‌ها خیلی بی‌انصافید. چرا وقتی خوابتان نمی‌برد. می‌آیید یک گله هزارتایی گوسفند را بیدار می‌کنید تا یکی یکی از روی نرده‌ها بپرند و بروند توی آغل؟! آخر خوش‌انصاف‌ها! قرص خواب را برای چه اختراع کرده‌اند؟ دو سه تا بالا بیندازید و (به قول خودتان) سرتان را بگذارید و دست از سر گوسفندان بنده خدا بردارید. شما چه می‌دانید راه‌افتادن یک گله هزارتایی گوسفند یعنی چه قدر گردو خاک؟ می‌دانید خیلی از گوسفندها آسم گرفته‌اند بابت بی‌خوابی‌های شما؟ می‌دانید به خاطر آماده‌باش بودن برای پریدن از روی نرده‌ها چند تا گوسفند دچار تیک عصبی شده‌اند؟ می‌دانید چه قدر دعا می‌شود توی همین گله؟

ما گوسفندها باشخصیت‌تر از بقیه حیوانات

هدف از چاپ پیام های دوست یابی کمک به کسانی است که در غربت زندگی می کنند و به دلایلی امکان ارتباط به مکانهای عمومی ایرانی را ندارند و تنهایی و یافتن هم زبانی می تواند کمکی در جهت بهبود و شرایط سخت تنهایی آنان باشد

مجله رنگارنگ هیچ گونه مسئولیتی در قبال چاپ پیام های دوستیابی ندارد و طریقه این ارتباط تنها از راه ارسال نامه به آدرس مجله است و مسئول این بخش نامه های رسیده را در اختیار کدهای اعلام شده قرار خواهد داد ارسال مشخصات غیر حقیقی یا هر گونه سوء استفاده از این کانال بعهده متقاضی تماس با نامه های دریافتی است که مطمئن باشد انتخاب صحیح را انجام داده است آدرس ارسال برای بخش دوست یابی

**P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS**



دوستیابی

شورانگیز ۲۸ ساله در هلند زندگی می کنم علاقه مند به مسائل اجتماعی و هنری می باشم در یک آرایشگاه مشغول به کار هستم به دنبال دوستی و آشنایی با آقای ایرانی با میانگین سنی ۴۰-۲۵ سال می باشم
کد ۸۶۹

فریدون ۳۳ ساله در کاردیف زندگی می کنم به کارهای هنری علاقه دارم گیتار می زنم و صدایم هم بد نیست به دنبال آشنایی و دوستی با خانمی ایرانی هستم
کد ۸۷۰

شراره ۲۲ ساله ۱۲ سال است به انگلستان به همراه خانواده ام آمده ام عاشق بازیگری و مدلینگ می باشم در شهر منچستر زندگی می کنم علاقه مند به دوستی با آقای ایرانی با میانگین سنی ۳۵-۲۵ سال هستم
کد ۸۷۱

کاوه ۴۱ ساله ساکن شهر لیون در فرانسه هستم ۲۰ سال است در فرانسه زندگی می کنم ازدواجی با خانمی فرانسوی داشته ام و طلاق گرفته ام در یک شرکت فرانسوی کار می کنم صاحب امکانات مالی خوب هستم به دنبال خانمی ایرانی با میانگین سنی ۴۰-۲۵ ساله به قصد ازدواج می باشم
کد ۸۶۶

آقای ۳۴ ساله ورزشکار می باشم ۶ سال است به انگلستان آمده ام و در شهر برایتون زندگی می کنم شغل آزاد دارم عاشق ورزش : موزیک و سینما هستم به دنبال آشنایی با خانمی ایرانی می باشم
کد ۸۶۷

منوچهر ۲۹ ساله حدود ۱۱ سال است در انگلستان می باشم ساکن لیزر می باشم سیاست از مهم ترین دغدغه های اصلی من است به دنبال هم وطنی هستم که عاشق وطن و ایرانیان باشد جنسیت برایم فرقی ندارد مهم عقیده و مرام ایرانی آنها است که با هم آشنا شویم
کد ۸۶۸

خانمی هستم ۳۸ ساله هجده سال است در آلمان زندگی می کنم کارمند بانک هستم یک بار ازدواج کرده ام و متارکه تنها زندگی می کنم عاشق ادبیات و موسیقی هستم مایل به آشنایی با آقای ایرانی با میانگین سنی ۵۰-۴۰ می باشم که زمینه علاقه مندی به ادبیات و موسیقی را داشته باشد
کد ۸۶۳

مژگان ۲۸ ساله حدود ۸ سال است که در شهر فرانکفورت در کشور آلمان زندگی می کنم در رشته کامپیوتر و حسابداری تحصیل کرده ام و در یک شرکت مشغول به کار هستم عاشق ورزش و سیاست و موزیک می باشم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با آقای ایرانی هستم
کد ۸۶۴

سیاوش ۳۰ ساله ۷ سال است در لندن زندگی می کنم شغل آزاد دارم به موزیک، سینما و ورزش علاقه مند هستم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با خانمی ایرانی با میانگین سنی ۳۰-۲۰ سال می باشم
کد ۸۶۵

دبستان ایرانی البرز

(با کادری مجرب و آشنا به امور تعلیم و تربیت در خدمت جامعه ایرانی)

فرزندان خود را با زبان و فرهنگ ایرانی آشنا سازیم

تنوع کلاسها از آمادگی تا GCSE

(۳ سال به بالا)

Tel :

020 84555314

07903550147

07958962218

Hendon School, Golders Rise

London NW4 2HP

ساعت کلاسها از ۱ الی ۴ بعد از ظهر روزهای شنبه

تربییون آزاد

بی تفاوتی اکثر «انسان های مبارز دیروز و به خواب رفتگان امروز» آنهم درست در این برهه زمانی، باعث آن شده است که نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی ایران و بخصوص سرسپردگانانشان، پُررو شده و با عناوین مختلف، روی خطوط رادیوها یا تلویزیون ها بیایند و با مظلوم نمایی و قسم آیه، ادعا کنند که سیاسی نیستند و به دفاع از رژیم پیردازند که جنایت ۲۸ ساله اش بر کسی پوشیده نیست و مجریان برنامه ها هم برای اثبات دمکرات بودنشان، به اراجیف و خزعبلات آنها گوش بدهند چرا که هر چه باشد، آنها هم آدم هستند! و حق آزادی بیان دارند. هم حق دارند که ۲۸ سال اعدام و سنگسار کنند هم حق دارند بیایند از نمایندگان رژیم و یا حکومتشان به نحوی دفاع کنند و مجریان برنامه هم ساکت باشند و از ایراد سخنرانی آنها کمال تشکر را هم داشته باشند. (به دلیل اینکه این اصل دمکراسی است و آنها هم دمکرات ها! دو آتش هستند)

جای تأسف است که به این مسائل پیش و پا افتاده اشاره کنم. ولی می شنوم و یا می بینم که بعد از این همه سال، هنوز صف دوست و دشمن مشخص نیست و آدم در میان این همه ابراز عقیده ضد و نقیض گم میشود. (حال آگاهانه، آنها ما را گم میکنند یا نا آگاهانه، خدای خودشان می داند)

آیا این ایرانیان محترم، هیچوقت از خود سؤال کرده اند که به چه دلیل مجبور به ترک وطن شده اند؟ آیا این افراد به قول خودشان صلح طلب و دمکرات! که در خطوط رادیویی حرف می زنند و یا بر پرده تلویزیون ظاهر میشوند و قصد دارند که بین مردم و جمهوری اسلامی واسطه شوند هرگز از خود پرسیده اند که چرا خود و هموطنانشان آواره و در بدر هستند؟ آیا نمیدانند که در خلال این سالها، رژیم جنایتکار اسلامی علاوه بر کُشتار مردم ایران، تروریست های خود را به کشورهای دیگر نیز صادر کرده و انسان های مبارز را به قتل رسانده است؟

اینها که برای پیشبرد امور خودشان از سفرای همدست جمهوری اسلامی آدم های خیر و نیکو کار می سازند و آنها را تطهیر می کنند خوب است که یک دقیقه خودشان را به جای پدر و مادر زندانیان، تبعیدیان و کُشته شدگان قرار دهند و از این کار ننگین شان دست بردارند آیا این افراد کار چاق کن نمی دانند که سفیر مهربان! نماینده وقیح عالیقدر است و رژیم، رژیم مردم نیست که این سفرای نماینده مردم باشند

باید دید که به چه دلیل مجریان این گونه برنامه ها تبلیغ برای سفارت ها را جزو وظایف رادیویی خود میدانند؟ آیا این مجریان ریگی به کفش ندارند؟ و با راه دادن این افراد و دعوت از سفیر برای پاسخگویی به سئوالات این

آن جنگیده اند، از همان اولین ۸ مارس ۱۳۷۵، که بیش از چند روز از قدرت گیری خمینی و بازرگان میگذشت، زنان در مقابل این حکومت و حکم سیاه «یا روسری یا تو سری» ایستادند. مردم خواهان یک حکومت سکولار، آزاد و برابر هستند. تنها کافی است دو روز، فقط دو روز، دار و دسته های چاقو کش اسلامی و نیروهای انتظامی و سرکوبگر را از خیابانها جمع کنند تا معلوم شود که «مردم آماده» چه خولی هستند! خانم عبادی میکوشد اهداف خود را به جای خواست و امیال سیاسی مردم به خورد جامعه جهانی دهد. نمیتوانند

نه! خانم عبادی! مردمی که از فقر و گرسنگی در کنار خیابانهای شهرهای بزرگ شب را به صبح میرسانند، زنانی که در اثر خشونت های ناشی از ۲۸ سال آپارتاید جنسی، دچار بیماریهای افسردگی دراز مدت شده اند، کودکانی که از دوران دبستان به اعتیاد رو می آورند، کارگرانی که روزانه به اعتصابهای جمعی می پیوندند و دانشجویانی که اعتراضات خیابانی را سازمان میدهند، هیچکدام حکومت اسلامی را نمی خواهند، از حکومت مذهبی بیزارند. سازمان آزادی زن اعلام میکند که یک شرط پایه ای تحقق خواستهای برحق زنان سرنگونی حکومت اسلامی و جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش است

نقش رسانه ها افشای رژیم، یا مخدوش کردن صف دوست و دشمن؟

این بیشتر شبیه یک تراژدی است تا واقعیت، ولی متأسفانه عمر طولانی تبعید آهسته، آهسته ما را به مخالفان بسیار مهربان و سر بزیر! تبدیل کرده است، آنهم در برابر رژیمی خونخوار، همچون جمهوری اسلامی ایران که تاریخ بشریت چنین پدیده ای را بیاد ندارد اشاره به این نکته ضروری ست که سیل عظیم ایرانیان چه تبعیدی و چه مهاجر، در خارج از کشور از جمله در دو کشور سوئد و آمریکا، متمرکز شده اند، بخش بزرگی از ایرانیان بجای نفوذ در جامعه جدید و افشای جنایات حاکمان اسلامی، با ایجاد رادیوها و تلویزیون ها، یاد گذشته خود را گرمی میدارند در کشور سوئد که من در آن اقامت دارم تا دلتان بخواهد ایستگاه های رادیویی فارسی زبان دأتر است و در آمریکا هم، به خصوص در «ایرانجلس» که تلویزیون های فارسی زبان در حال مبارزه با همدیگر هستند

اطلاعیه سازمان آزادی زن در مورد سخنان شیرین عبادی

شیرین عبادی در بنیاد کوریر در هامبورگ: «مردم ایران هنوز آماده پذیرش امر جدایی دین از دولت نیستند



یک رکن سیاست ارجاعی دوم خرداد تلاش برای به سازش کشاندن، کنترل و شکست جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه مردم بود. این سیاست شکست خورد، نتوانستند مردم را در تکاپو برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری یک نظام آزاد و برابر و سکولار و مرفه در ابتدای راه متوقف کنند. نتوانستند هیولای اسلام را با «اصلاحات حکومتی» بخورد مردم دهند، اما از قرار خانم شیرین عبادی همچنان سرسختانه این سیاست ارجاعی را دنبال میکند. ادعای پوچ ایشان مبنی بر اینکه «مردم ایران هنوز آماده پذیرش امر جدایی دین از دولت نیستند» یک جنبه از این تلاشهای ارجاعی است

خانم شیرین عبادی میگوید «مردم ایران آماده نیستند» تا شاید ایشان و امثال ایشان بتوانند مبارزات سکولاریستی و سرنگونی طلبانه مردم را حاشیه ای و کنترل کنند. مردم «آماده نیستند» روی دیگر سکه تبلیغات ارجاعی جناح راست رژیم و دار و دسته های اوباش اسلامی است که مدعی اند حکومت سیاه اسلامی حکومتی برخاسته از تمایلات سیاسی مردم است. حکومت مردم است، مبتنی بر خواست مردم است!

باور نکردنی است! زنان و مردم آزادیخواه از همان ابتدای استقرار حکومت اوباش اسلامی علیه



تفاوت ره از کجا تا به کجاست ؟

فرق هنرمند با هنرمنما

سؤال: اگر از شما دعوت شود تا با حجاب اسلامی در فیلم های جمهوری اسلامی شرکت کنید دعوت را می پذیرید؟

ویداقهرمانی

نه نمی پذیرم زیر بار زور نمی روم
شهره آغداشلو
بله می پذیرم... آخه قانونشونه

سانسور کلاکت

سینمای بعد از انقلاب بی سانسور کار خود را آغاز کرد سانسور فقط برای حذف کردن رقص و آواز و موبای خانها هنرمند در سینما و غیره نبود بلکه حذف کردن حرفی است که در دل کارگردان و نویسنده و بازیگر و تماشاجی فیلم است در واقع فیلم های حال سینمای ایران باید از زیر ذره بین اطلاعات بگذرد و هر آنچه آنان بیسندند بر روی پرده سینما به نمایش در خواهد آمد البته در چند سال اخیر برای اینکه بگویند آزادی سخن و عقیده در ایران وجود دارد صحنه هایی در فیلم ها به صورت درد دل سیاسی در آمد حتی این قدر جرات به خرج داده اند که روحانیت را زیر سوال (برند) مارمولک

و حالا هم اکثر فیلم ها بزن و برقص است به خیال خود مردم را ساده فرض می کنند اما مردم می دانند که تمام این ها باید از زیر نظر آقا زاده ها تایید شود

در واقع آنها با سانسور مهم ترین رکن سینما را از بین برده اند چرا که یک فیلم ساز و یا یک کارگردان تمام هنرش به این است که ایده و هنر خود را با تمام معنا به نمایش بگذارد و با این روش شدنی نیست

موضوع دیگر تقلید است اکثر فیلم های حال حاضر تکرار و باز سازی فیلم های قبل از انقلاب است با نمایشی اسلامی و روشی دیگر خیلی از بازیگران ما نیز تقلید واضحی از بازیگران قدیمی دارند که به واضح آن را در بازی خود نشان می دهند که خیلی بد است چون آنها هنری از خود نشان نمی دهند فقط تقلید می کنند فیلم های عروس فراری کپی شده از همسفر و تکیه بر باد کپی شده از پنجره که در هر دو امین حیایی به واقع نقش بهروز وثوقی را بازی می کند این کجا و آن کجا

به هر حال من به عنوان یک دوستدار سینما خصوصا سینمای ایران دوست داشتم و آرزو می کردم که کاش سینما را به معنی واقع سینما داشتیم برایش جشنی می گرفتیم و به هنرمندانش ارج می دادیم از آنها تقدیر می کردیم اما حیف و صد حیف که آنها سینما را پرده سیاه معنی داده اند و واقعا آن را به پرده سیاه تبدیل کرده اند منتقدان حال حاضر سینمای ایران سینمای قبل از انقلاب را سینمای آنگوشتی می شناختند سوالی دارم سینما شما را چه میشود نامید شاید خفقان نفسی ها یا سانسور کلاکت

آرزو

«شنوندگان» محترم، مراتب ارادت خود را به این جنایتکاران ابلاغ نمی کنند؟ مگر خود مجریان که امروز از بد حادثه! دستشان در یک رادیو یا تلویزیونی بند شده است قدرت تشخیص ندارند و نمی دانند که گردانندگان این لانه های جاسوسی، دستمال بدستان همان حکومت جنایتکارند و نوکران با جیره و مواجب آنها هستند شما که برای ارتباط ایرانیان خارج از کشور با حکومت اسلامی، آنها را به ایجاد دیالوگ با این جانوران، دعوت می کنید از قتل سلطان پور، کاظم رجوی، چیتگر، کشاورز، فرخ زاد، بختیار، شرفکندی، سیرجانی، محتاری، پوینده، فروهرها و در داخل و خارج ایران بی خبرید؟ از سنگسار زنان و اعدام مبارزان بی خبرید؟ این همه قتل عام، شما را از خواب بیدار نکرده است؟

اگر می بینید که آدم های خیانتکاری از این سازمان و آن حزب، بخاطر منافع حقیر شخصی و یا سازمانی شان به منافع مردم پشت کرده اند، همه را از جنس آنها ندانید چرا که آنها در طول تاریخ، از مشروطه تا کنون، همیشه منافع خود را در نظر گرفته اند و مزدورانی پیش نبوده اند

آیا مجریان برنامه های رادیو تلویزیون نمی دانند که سفیران، نمایندگان رژیم هستند که ملتی را به اسیری گرفته اند و باعث گسترش فقر و بدبختی در جامعه شده اند؟ میدانند که بخشی از مردم ستمدیده مان برای تأمین زندگی روزمره خانواده شان، ناچاراً کلیه خود را می فروشند؟ میدانند که جوانان کشور مان را به اعتیاد و فحشا کشانده اند؟ و طبق آمار خود رژیم، فقط روزانه ۵ تن تریاک مصرف مردم تهران است؟ پس چه جایی برای گفتگو باقی می ماند؟ این همه دختران تن فروش ایرانی و این همه بچه های خیابانی در ایران و این همه معتاد، محصول کدام رژیم است؟

بحث بر سر یک نظام فاشیستی است که برای بقای خود دست به کشتار مردم درندمان زده است و سفیران بخشنده شما نمایندگان سیستمی هستند که چند نسل را درید و آواره کرده و به اعتیاد و فحشاء سوق داده است آیا این باعث افتخار پناهندگان دیروز است که با سر افکندگی به سفارت ها بروند و پس از راه افتادن کارشان، در رادیوها از سفیر قدر دانی کنند؟ و آیا این جزو وظایف شماست که به بهانه کمک به مردم، پُل ارتباطی و کارچاق کُن دوست و دشمن باشید ؟

البته نقش اپوزیسیون خوابیده را در ابراز وجود این کاسه لیسان نباید فراموش کرد به راستی در طی این ۲۸ سال، اپوزیسیون جز پرداختن به خود و زدن نظر مخالف چه قدم مهمی برای سرنگونی این جنایتکاران برداشته است؟
پویان/انصاری



عشق فقط عشق لاتی
شش ماه زندون بی ملاقاتی

فکر نکنی گنده لاتی

فاتی جون ما فقط خاطر خواتیم

آره داشم ما هنوز آلوده این دل زخم خورده ایم
بذگریم بریم سر اصل مطلب داش اسمالتون
برگشته و بازم چاکرتون شاهرگشو واسه هر
ایرونی با معرفت جلو هر دشنه ای میذاره و با
همه این لانتوریه‌ها یه تنه در می افته

چونکه اینا اولا که مالی نیستن دوما کرایه پس
کرایه آدم بودنشون گروی نامردیه، سه یوما با
کمک هر چی ایرونی با حال و داش مشتی و با
معرفته همچین توپوز اینا می زنیم که سوراخ
موش رو بجای امام زاده زیارت کنن
زت زیاد تا شو ماره دیگه خدمت برسیم

دروازه قزوینی شده واسه بعضی ها اینجا
خلاصه ش کنم حاجیت برگشته و بازم با
صاحب مجله تاخت زدیم که هرچی لانتوری:
ما نتوری، که میون پس و پیش این اشغالی
جمهوری اسلامی ول می خورن و یقه شون
بگیریم

راستی یادم رفت که بگم چه جورایی شد که
برگشتیم

راستشو بگم آدما خیلی رنگ و روشن بهم
خورده یه چیکه آب رفاقت و لوطی گری از دس
کسی نمی چکه، بابا مرامتون شکر این آخوندای
روشیکم بخواب حجره ای مٹ بالا، پایین
خودشون چه جورایی مرضشو ریختن بجون یه
عده آخوند دوزاری جانبدار و جمع کن قیم حالا
واسه ما رهبر انتر اکبر مد شلی شده! اوس
کریم جمالو عشقه آخه این رسمش بود که

یهو اینجوری بذاری تو کاسه ما

خلاصه هنوزم عشق: عشق قدیماست لوطی
و با معرفت و داش مشتی مال همون دوره هاس
مزه عرق لوطی خاک بود و دست لوطی تو
سفره هر کی می رفت نون و نمک سر قفلی
چشم و دل پاکش بود، ناموس رفیق رو پاییدن
تاوانش شاهرگ بود

واسه داش اسمالتون هنوز همون قصه قدیم
قصه دل ماست، هنوز چشممون دنبال همون
فاتی خودمونه که بهش بگیم
دل فقط واسه فاتی

بازگشت داش اسمال

واسه اونایی که نمی دونن حاجیت داش اسمال
از برو بچه های نسق گیر یا خطیه چار سال
پارسالا که اومدیم خارجه و سرو کارمون به
ایرونی خورد یه جورایی حاملون گرفته شده
که اومدیم با صاحب مجله اختلاط کردیم و
قرار گذاشتیم هی به خط در میون واسش یه
چیزایی رو کاغذ بیاریم

بی رو درواسی از هر چی لانتوری و زیر و رو کش و
رفیق نیمه راه ست حاملون مگسی میشه و یه
جورایی میریم تو مایه ها دو سه تا کف گرگی
و دو تا کله نر و ماده توی پیشونی و خلاصه دلون
می خواد حالی با بعضی ها بدیم

داشتیم واسه اونایی که ما رو نمی شناسن می
گفتم که چارسال: پارسالا هر کی حال می
گرفت مام حالشو می گرفتیم

اون موقع ها تو همین شهر خارجیا چند تایی
دگوری مگوری بودن، مٹ نوری علیزاده اسمش
نمی دویم که گرد و قلمبه بود مٹ دمبه بی غیرت
هی تو این روزنومه ها زرت و پرت می کرد

یه روز از بالا پایین رفسنجونی می خورد فرداش
می رفت تو پاچه مد شلی بی پدر

همش می گفت یاد خونه پدری و هی زرت و
پرت بالا می آورد که چند باری حالشو گرفتیم
و دسشو واسه اهل بیت این شهر خارجیا
روکردیم

خلاصه حالا برگشتیم می بینیم فوتینا عجب

تونل ماچ

یک روز احمدی نژاد و کروی و خانم گوهر الشریعه دستغیب داشتند
برای افتتاح یک تونل جدید مترو می رفتند، اتفاقا هدیه تهرانی هم
به عنوان نماینده هنرمندان با آنها بود، در همین موقع قطار وارد تونل
شد و همه جا تاریک شد

اول صدای یک ماچ آمد و بعد صدای خوردن یک سیلی محکم.
قطار از تونل بیرون آمد و احمدی نژاد صورتش را که به دلیل خوردن
سیلی سرخ شده بود، با دستش پنهان کرده بود، همه زیر چشمی
به هم نگاه کردند و هیچ کس هیچ حرفی نزد
گوهر الشریعه دستغیب با خودش فکر می کرد: این احمدی نژاد
احمق می خواست هدیه تهرانی را ببوسد، او هم با سیلی زد توی
صورتش

هدیه تهرانی با خودش فکر می کرد: این احمدی نژاد احمق می
خواست مرا ببوسد، اما اشتباها گوهر الشریعه دستغیب را
بوسید، او هم با سیلی زد توی گوشش
احمدی نژاد داشت با خودش فکر می کرد: این حاج آقا کروی هدیه
تهرانی را بوسید، او هم فکر کرد من او را بوسیدم، محکم زد توی
گوش من

کروی هم داشت با خودش فکر می کرد: اگر وارد یک تونل دیگر
بشویم، دوباره صدای بوسیدن در می آورم و یک سیلی محکم دیگر
می زنم توی گوش احمدی نژاد

گروه هنری ملودی

با حضور چهره های سرشناس و
محبوب لندن

آماده شرکت در کلیه مراسم
و جشنهای شادمانی شما در
سرتاسر اروپاست

079 3032 2064



ما را تف مالی می کنند مگر نمایندگان همین اتحادیه اروپا با برادران وابسته به دستگاه امنیت خانه ولایت فقیه توافق نکردند که در این جنگهای زرگری مسئله مجاهدین خلق تمام شده است و رژیم و امثال ما کارگزاران جبهه اپوزیسیون قلابی خیالمان از بابت مجاهدین و دار و دسته رجوی راحت باشد ولی حالا چطور ممکن است مجاهدین را از لیست تروریست ها خارج کنند؟ نه، نه باورم نمیشود پس این همه زحمت و تلاش ما چه میشود؟ چقدر بچه های نازنین وزارت اطلاعات را شکل مجاهدین تواب درآوردیم، چقدر برای مصاحبه های آنان وقت صرف کردیم چقدر دوستان خوبان مزاحم سازمان های حقوق بشر شدند تا این تواب های ساختگی را به آنان قالب کنند چقدر زحمت برای پسر مرضیه محمود جان کشیدیم با آن کچل خانم بیار که خواستیم کنسرت مرضیه را بر هم بزنیم مگر ممکن است تف بر ما که هنوز جنس این خارجی ها را خوب نشناختیم پس در آمد: تا به حال در عمرم معنی واقعی «بیلاخ» را نشناخته بودم

که یاد داشتی دست پیرمرد دادم تا راهی تهران نشود برای ابطحی بچه خوشگل دفتر خاتمی نوشتیم ابطحی عزیزم احسان خان از غلامان درگاه است و از خودمان است سر پیری برایش معرکه ای بر پا کنید که دلش خوش باشد او با همه فرتوتی هنوز دود از کونده اش بلند میشود

پنجشنبه

تمام شب جان کندم لحظه ای خوابم نبرد با این همه بدبختی و زحمت و چک و چانه زدن با برادران خانه پدری و دریافت دستمزدهای بیشتر هر شب این شماره های رنگی این کازینو همه را می خورد

بیسست و چند سال چون عمله ای سخت کار با قلم: بیل زدم و باغ رژیم را آباد کردم و تواب تربیت کردم با افشاری و نبوی بهنود و فرخ و چالنگی و صفا و مشتی اراذل همکار بساط دوز و کلک حفظ رژیم راه انداختیم و آخر شب همه روی میز قمار این کازینو لعنتی دود شد ولی ای کاش حداقل دودش مثل دود منقلی بود

پس درآمد: حسابهایم جور نمیشود بابت همکاری تعیین شده با یک هفته بی خبر و پنجره بی پرده خانه پدری رادیو پس فردا: روزنامه عربی الوسط و مرکز پژوهش بگیر و بکش عرب و عجم و جعبه تصویر لیموناد فروش، کتاب فروشی نعمت نفتی و خلاصه اینهمه تلاش امرار معاش و تفریحات سالم کازینو و منقل بازم حساب هایم نمی خواند

جمعه

مگر میشود؟ نه امکان ندارد اصلاً چنین چیزی محال است! چطور امکان دارد؟ اصلاً نمیشود به این خارجی ها اطمینان کرد هر چه امثال ما همه چیزمان را باز در اختیار آنها قرار می دهیم که هر نوع استفاده ای که می خواهند از ما ببرند ولی این ها همیشه پس و پیش



یادداشت های

دکتر علیرضا نور علیزاده

دوشنبه

باز هم دلم هوای خانه پدری کرده است گویی هنوز پدر از من عصبانی است که نتوانستم بچه خوبی باشم این شکم پر خواهش و آن مردان خبیث خوراکی تعارف کن بچه گی های ما را آلوده کرده اند اما هرگز طعم بیاد ماندنی آن همه قاقالی لی ها را یادم نمی رود. هر چند خوردن آنها آسان نبود بخصوص که سنگینی هیکل بی قواره آن مردان خبیث را که روی کمرم بالا و پایین می رفتند تحمل کنم. اما پدر هنوز در همان چارچوب قدیمی چمباتمه زده و هنوز می گوید به خاطر شکم صاحب مرده ات خودت را لو دادی

پی درآمد

ای کاش آن زمان هم مثل حالا Rape کردن جریمه و زندانی داشت آن وقت چه قدر شنگول تر یکی بر واقور و تریاک های مجانی می زدم که Rapers های من روانه زندان می شدند و پدر هم شاید لبخند بر چهره اش می نشست

سه شنبه

حوصله نوشتن ندارم یاد نوشته های قدیمی می افتم برقی از خوشحالی در ذهن همیشه پویایم می درخشد سراغ نوشته ای می روم که تاریخش به دوران ریاست جمهوری خامنه ای می رسد سطر اول را می خوانم به آسید علی عارف تارزن مرد خدا

خوشبختانه در همه نوشته های من اگر تیرها را عوض کنم و اسامی تازه را جای قدیمی ها بگذارم اصل نوشته حفظ میشود و دیگر نیازی به نوشتن

مطلب تازه ای ندارم شکر خدا در این چهل سالی که در خدمت تمامی اربابان قدرت و پول بوده ام برای تمامی شان این قدر مطالب دستمال یزدی اعلاء نوشته ام که بنابر وظیفه مامور: معذور پول بساط را در آورده ایم امروز نمی دانم چرا حالم میزان نیست فکر می کنم زحمت بی خود کشیده ام که یواشکی چند تکه از تریاک میزبان را کش رفتم مثل اینکه جنس موادش مالی نیست و قاطی زیادی دارد و برای همین هم سر دماغ نیست صد دفعه به این دوستان گفته ام که فقط از تریاک فروش های وابسته به سفارت جنس بخیر مرغوب تر هستند

پس در آمد: وزارت اطلاعاتی خانه پدری بگویم در کنار موجبات این جانب چند لول تریاک زعفرانی هم مرحمتی برایم بفرستند تا با چند پک جاندار دل و دماغمان جانی بگیرد و قلم مان روانتر شود و دعا گویی از جناح مورد نظر را پر رنگ تر کنیم

چهارشنبه

باز هم خانه پدری: آه چه روزهایی بود که از پنجره ای رو به خانه پدری با شهرام دل نازکم: شهرام نازنینم که چه تلاشی دارد که پا جای پای من بگذارد. طفلک چه قدر دلش می خواهد من باشد و من چه قدر می خواستم احسان نراقی باشم ولی هر سه مان هیچ «گهی» نشدیدم ولی هر سه مون با هارمونهای مشترک پفیوزی از برویچه های خوب و حرف گوش کن ولایت فقیه ای از آب در آمیدیم

پس درآمد: یادم می آید زمانی

نوشته های ملک

در فیگاروی بیستم دسامبر در مقاله ی کوتاه و بسیار اثر گذار چاپ شده که خواندنشان انگیزه ام گردید در پایان دادن به صبر زرد و سر دادن نعره ی درد. درد از بی آبرویی جهانی جامعه ی ایرانی به ویژه مبارزه علیه جانیان و اوباش مسلط بر میهن. یکی از آن دو مقاله را خام

Ayaan hirsi ali

نوشته (نماینده ی سابق پارلمان در هلند و سناریست فیلم Soumission

از تئون گوگ کارگردان مقتول توسط یک مسلمان تروریست) که محتوایش فریاد اعتراضی است علیه مغز شویی مسلمانان از سوی منکران هولوکوست یهودیان

مقاله ی دیگر به قلم

Marek halter

نمایانگر نگرانی های اوست در باره ی کناسان در ایران و برنامه ی تولید سلاح هسته ای - دسته ای آخوندان. برگزاری کنفرانس شرمآور و تهوع بر انگیز منکران هولوکوست در تهران و سکوت و بی تفاوت ماندن مدعیان اپوزیسیون چی نما در برابرش نفرت بیش از پیش و فزاینده ی جهانیان را نسبت به ایران و ایرانیان سبب گشته. آیا باز هم یک فرصت طلایی را به رخوت خلالی و مبالی تبدیل کرده ایم؟ شاید آری شاید هم عاری! برای هواداران پادشاهی ولی هنوز اندک مجالی باقی مانده که البته پس از فراغت از گلوگوش بازی های بی معنا بد سلیقه و سبکسرانه دست به یک ضد حمله ی جانانه بزنند و آنتی کنفرانس ی ترتیب دهند با دعوت از چهره های معتبر بین المللی و طی آن جهانیان را آگاه سازند که یهودی ستیزی با فرهنگ و خوی و کردار و اکثریت ایرانیان ناسازگار است نقشی که شاهزاده رضا پهلوی می تواند در اعلام و برپذاری چنین کنفرانسی عهده دار گردد بدون شک ایشان را در انتظار جهانیان به عنوان یکتا جانشین معتبر حکومت مقعد زادگان و کناسان جا خواهد انداخت ولو اینکه سیستم فعلی بماند یا نماند راهی شدن مهترست از رسیدن به مقصد تا حرکت نکنیم نمی توانیم از مقصد سخن بگوییم

در نومییدی بسی نومییدی است

به گمان ما زادگان سرزمین تسلیم شدگان در برابر نکبت وارداتی و خمیلی یعنی اسلام که در واقع حکم مازاد و قازورات را داریم نسبت به جوامع پیشرو و خول پذیر می بایست همچنان منتظر ظهور عمله ای همچون خمینی بمانیم و رادیول بی بی سی کینه با تظاهر به دریافت گزارشاتی از ایران اعلام دارد تصویرش در ماه انعکاس یافته تا همگی از چپ چپول گرفته تا راست ملول و میانه ی مفعول زیر علم و کتل

زده شان آغاز می کنند اشک ها دم مشک کناسان و ملاجکه می آورند تا توجیهی باشد بر گمراهی ها و خیانت های بعدیشان. می گویم خیانت و بر گفته ام پا می فشارم به عنوان نمونه گردن کلفتی موسوم به حمید زرگری که بدون اندک حیا (و چه بهتر) و با سرافرازی می نویسد چگونه از مدارک کحرمانه و مرتبط با امنیت کشور رونوشت یا فتوکپی می گرفته اند و به کمیته مرکزی حزب می داده اند تا به دست روسها افتد و یا در باره ی پنهان ساختن جزوات و کتابهای زیر تشک دانشجویی مخالف آن افکار می نویسد که می توانست در دسرها برای طرف ایجاد کند بسیار خوب چنین موجودی که امثالش در آن حزب فراوان بودند دشمن خونی شاه فقید و پهلوی ها بود چه بهتر که دوست آنان نبود توده ای _ توده ای باقی خواهد ماند و حداکثر خول مثبتی که بتواند در خود ایجاد کند رسیدن به مرحله ی روده ای است یکی از اینان حاج جوزفقلی مهدی عج قاسملین اینک دوستی خاله خرسه اش را معطوف امریکا ساخته زیرا گرین کارت گرفته و

So gand

خورده امیدواریم این بار قدر میهن جدیدش را بداند

بگو با کدام معیار موضع گیری سیاسی میکنی

تا خود بگویمت کیستی

کسانی که با نگاه به وضعیت اقتصادی و مالی و طبقاتی خویش موضع گیری سیاسی می کنند جزو غیر قابل اعتماد ترین و خود پسند ترین مردمانند. اینان هم نوعانشان را وسیله ای می دانند برای ارضای فردی خویش. جامعه را در شخص خود می بینند و بس. من اگر از چنین شعور و احساس مسئولیت برخوردار بودم می بایست موضع چپ افراطی را بر می گزیدم

و.....شعریدن و مالیدن

سخن را کوتاه کنم هیچ یک از ادبا و شاعران و قلمبازان و هنرمندانی که در به قدرت رساندن آخوندان موثر بودند از نظر من قابل احترام و اعتنا نیستند بدون آثار آنان نیز جامعه می توانست به راهش ادامه دهد و جانشین برایشان تولید کند

نگاه کنید در زمانه ای که هر صفحه ای نشریه می تواند حاوی مطالب روشنگر و آینده ساز باشد هم و غم قرتی قشقم شم ها مصروف منتز کردن خودشان و دیگران شده با شرح مکرر عشق و زندگی و مرگ امثال غلامحسین شهریار! گویی هیچ یک از ما در زندگیمان شور و شر عشق را بارها تجربه نکرده ایم و می بایست دل به چسنااله های خود پرستانه و سراسر بیهوده و احمق ساز آن یارو و امثالش هم چون حوای پیر و حشری سیمین بهبهانی خوش سازیم من به این فرهنگ تف می کنم تف.

او گرد آیم
آیا لحن هتاکانه دارم؟ خیر حیف که ادب مجازم نمی دارد چنانکه باید و شاید پنبه ی این قوم قزمیت و ولنگار و ماتم پرست را بزخم ماجرای رفراندوم ساختار شکن را که به یاد می آورم از خود سوال می کنم ای مردک چرا قلم را نمی بوسی و کنار نمی گذاری و به جای آن قلم مو به دست نمی گیری و نقش مدفوعات و آسکاریس و تریشین بر بوم نمی زنی تا چهره ی واقعی توده ای - روده ای ها و اسلامیون و مصدقیون را جاودانه سازی همچون تف گنده ای بر رخسار تاریخ خیانت و رذالت و جنایت؟ نون و القمم و ما یقننسون

حکایت مسخره ی رفراندوم نشان داد عمق اوهام گرایی های ما را. در یک سو حکومت از عقب افتادگان به تقصیر روز به روز خودش را قوی تر می سازد و جامعه را همرنگ خویش می کند و هوس هسته ای شدن را در سر سرخورش می پروراند در سوی دیگر جامعه برومیزی که معلوم نمی کند از کجا پی برده حاکمان دنبال راه خروج و ترک حکومت می گردند سرگرمی رفراندوم را پیش می کشد و دعوا راه می افتد بر سر تقدم و تاخر نامهای امضاء کننده

صدرل جان نیز که گویی میدان سیاست را با زور خانه یکی گرفته خروارانه (خر - بزرگ) اعلام می دارد که نتیجه همه پرسسی را هر چه باشد باید با روحیه ی ورزشکارانه پذیرفت و شانه و کتف حریف برنده را بوسید و خایه هایش را هم مالید

فرض کنیم که...همین فردا حکومت کناسی - اسلامی سقوط کند فرض محال که محال نیست آیا اپوزیسیون خودش را برای روبرو شدن با چنین احتمالی آماده کرده؟ حضور پرچم های گونه گون در تظاهرات خنک ایرانیان به نیکی نمایانگر سیاهی های طینت ماست ودوغ پرچم سه رنگ با آرم آنوس در میانشان پرچم بی آرم پرچم داس و چکش دار پرچم شیر و پرچم خوزستانO, خورشید نشان پرچم و این ها یعنی چه ؟ به زعم توده ای - روده ای ها که یعنی حضور کثرت گرایی در جامعه . اپوزیسیون کثرت گرا! که البته جای ایراد ندارد ولی بدون رهبری یکتا مشخص و معتبر و در غیاب ارانه ی یک برنامه ی سیاسی روشن و مورد پذیرش همگان در همین حالت مقدس کثرت گرانش باقی می ماند و می پوسد و می رود پی کارش

تو بگو با کیان دوستی

خاطرات توده ای - روده ای ها واق عین..... خواندن نیست و عبرت گرفتنی همه اینان نخست با شرح کودکی های سخت و فقر

شرکت حمل و نقل **ACORN**



حمل بار به ایران و سراسر جهان زمینی ، دریایی ، هوایی

قبل از هر اقدامی فقط با ما تماس بگیرید و از قیمت های استثنایی شرکت **ACORN** مطلع شوید

بار از شما بسته بندی و حمل از ما

ما بار شما را از منزل یا محل کارتان تحویل گرفته و آن را در مقصد

دلخواه شما تحویل می دهیم

کلیه وسایل منزل از جمله مبلمان؛ یخچال؛ تلویزیون و غیره را به هر

نقطه در داخل و خارج از انگلستان از جمله به ایران و در سراسر اروپا

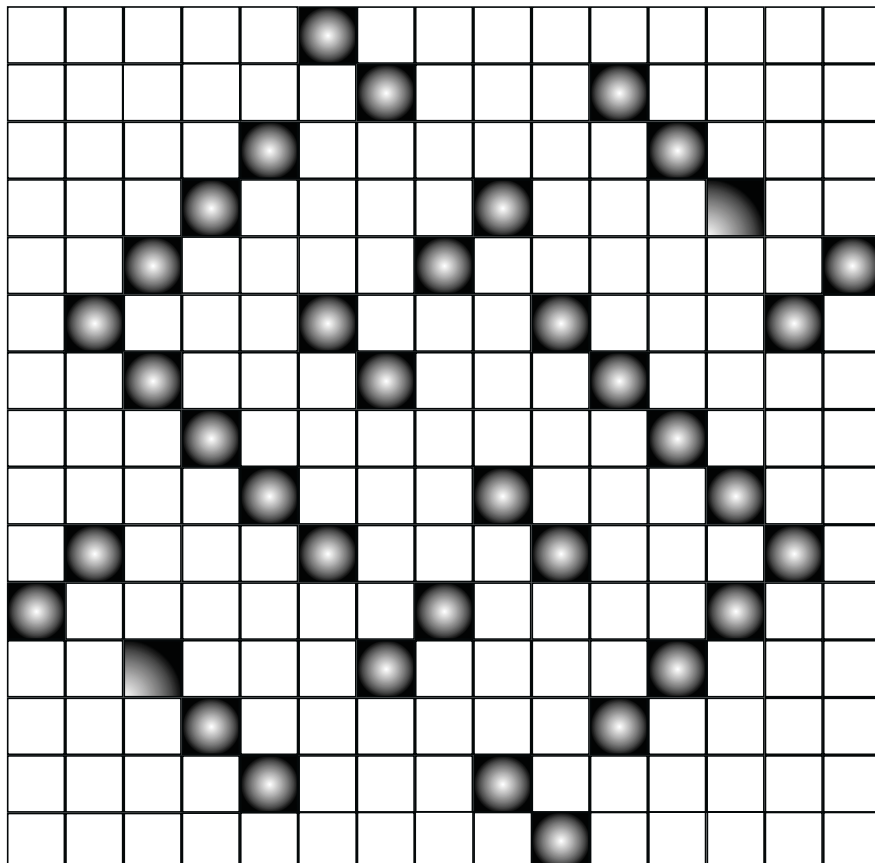
با کمترین قیمت و در کوتاهترین مدت انتقال می دهیم

شما با یک تلفن به **ACORN سنگینی بار خود را بر دوش ما بگذارید**

تلفن رایگان 08003283284

جدول کلمات

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



افقی:

- ۱- شیمیدان معاصر انگلیسی و برنده نوبل شیمی به سال ۱۹۶۱ بخاطر تحقیقاتش در زمینه اشعه ایکس - منشی و نویسنده ۲- تارهای سلولی بسیار ظریف برخی گیاهان - جانوری است شبیه گربه - چاپلوسی ۳- عجم نیست! - اثری از اوهنری نویسنده امریکائی - دوزنده پافزار ۴- اراده - بزرگ قوم - بها و ارزش - دیوار بلند ۵- تراکم - دوبرابر ۶- واحد سطح ۶- روشنایی بخش شب - سگ بیمار - عدد مجهول ۷ به هم رسیدن عاشقانه - رنگ - آلت شالی کوبی - راندن بی ادبانه ۸- نابودی - ناراحتی موقتی که در نتیجه کاهش مقدار اکسیژن در ارتفاعات زیاد دست میدهد - جبران ۹- مساوی عامیانه - اهک - نشان گذاشتن - پوشیدگی امری ۱۰- نگیبانی - عقیده و نظر - معدن ۱۱- خداوند - توان و یارا - استاندارد در ایران باستان ۱۲- بنو سیاه - هنگام و موقع - شادمانی - یکی از سازها ۱۳ کالا - یکی از آهنگهای قدیمی موسیقی - عصبی ۱۴- ارمغان - درس خواننده - فرمانروایان ۱۵- یکی پس از دیگری - خاورشناس بلژیکی سده نوزدهم

فال این ماه شما

با هر چه برخورد میکنید پیش خود بگوئید میتوانم انجام دهم . در این ماه یک دیدگاه مناسب نسبت به چیزهایی که شما را برانگیخته می کنند. خواهید داشت و حتی آن چیزها میتوانند رویاهای شما را برای کمک در اختیار بگیرند . از این که در این موقعیت پیشرو باشید نهراسید و اگر نیازی برای تغییر در زندگی خود و دیگران احساس میکنید. محدود کردن و عقب نگاه داشتن خود را خاتمه دهید . در این ماه نیاز دارید از کمک دیگران استفاده کنید و سعی نکنید همه کارها را خودتان انجام . شما توانایی انجام کارها را دارید ولی قادر به تعیین این که چه چیزی بهتر است. نخواهید بود . شاید لازم باشد در برخی کارها مصالحه کنید. اما این زحمت شما به نتیجه خواهد رسید . برای خود خوشی فراهم کنید . اگر با دیگران ارتباط برقرار سازید اطلاعات ارزشمندی به دست خواهید آورد . شما برای اینکه راه خود را بیابید آماده بحث و جدل خواهید بود . در این ماه زمان بیشتری برای انجام فعالیتی که به آن علاقمند هستید. صرف خواهید کرد . پیشرفت متعلق به شماست.

اجازه ندهید خشم بر شما غلبه کند . در این ماه توانایی پیشنهاد کردن طرحهای مختلف را خواهید داشت و در اواخر ماه بهتر است کوشش جدی داشته باشید . وقتی که طرحها و پیشنهادات خود را بیان کردید دیگران شما را تشویق خواهند کرد . پس تلاش خود را افزایش دهید و آماده انجام کارهای سخت باشید .

فعالتهای زیادی در اطراف شما انجام خواهد شد . شما در این ماه فرصتهای فراوان رومانتیک خواهید داشت و قادر خواهید بود با دیدگاه پیشرو خود. دوستان خود را مبهوت سازید . در کارهایی که انجام میدهید اندکی از زمان خود جلوتر هستید و لذا توانایی جلب توجه دیگران را خواهید داشت .

اندیشه خود را برای خود نگه دارید. با این کار ارتباط خود را با دیگران حفظ خواهید کرد . اگر سرمایه خود را در جای امن نگهداری نکنید برای رفع مشکلات در سراسر شب قرار خواهید گرفت . این ماه زمان مناسبی است که مسایل اقتصادی را در نظر بگیرید و به آینده توجه کنید . اگر در این ماه طرح آینده خود را مشخص نکنید بعداً "عقب خواهید ماند .

فروردین:



اردیبهشت:



خرداد:



تیر:



مرداد:



شهریور:



عمودی:

- ۱- مقداری از مایعات بخصوص آب - از شعرای سده سیزدهم و خالق پانزده افسانه روستائی ۲- اثری از فدریکو گارسیا لورکا - بالایی مجلس - شیوه هنری فاخر و تجملی ۳- قرابت - سخن چینی - مشورت و کنکاش ۴- کوچک - فساد و تباهی - معدن - صفت سرو ۵- شهری در استان کرمانشاه - از عناصر ضروری بدن - صدمه و آسیب ۶- سوزن - نمر و از خود راضی - جاری ۷- یک چهارم - نام خدا در تورات - فیلسوف نامی فرانسوی و خالق اعترافات ۸- ساز و برگ اسب - گوشه گیری - سنگ رخام ۹- رهبر حزب - ریاکار - کلمه استثنا ۱۰- میوه ترش و شیرین - معتقد به حکمت استدلالی - روزی بزرگ ۱۱- پسوند شباهت - سازش پنهانی - نوعی پارچه ۱۲- یاری - صفت تیمور - تفسیر کننده - سودان ۱۳- مهربانی - پسران عرب - خوش ۱۴- تنبل - قسمتی از ماه - خوب و نیکو ۱۵- گیاه شناس آلمانی سده نوزده - شهری در گیلان .

جدول کلمات

10 12 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

[illegible]

فال این ماه شما

در این ماه در موقعیت روحی مناسبی قرار دارید و مشتاق انجام کارهای مختلف هستید . حتی در این ماه تمایل دارید برای رسیدن به اهداف خود مسافت های طولانی را طی کنید . مطمئن باشید آنچه پرداخت کرده اید باز خواهد گشت . جدیت و تلاش خود را گسترش دهید که در این صورت خوبی شما را احاطه خواهد کرد .

اجازه ندهید برخی مسایل شما را آزار دهد . برخی کارهای شما متوقف شده است ولی در این ماه بنیه و توان بیشتری برای انجام آنها خواهید داشت . این ماه میتواند ماه پیشرفت و ترقی برای شما باشد. اما این موضوع یک شرط دارد و آن تمرکز شما بر چیزهای مهم است.

اگر در گام برداشتن خود دقت کنید و هدف خود را به درستی انتخاب کنید در چشمان دیگران خواهید درخشید . زیاد صحبت خواهید کرد و ایده های فراوانی برای همکاری با دیگران خواهید داشت . قصد ویت شما افتخار آمیز خواهد بود و به همین دلیل توجه دیگران را به خود جلب خواهید کرد .

فشار زیادی به خود نیاورید. زیرا این ماه زمان بی قراری سال است . شما در این ماه احساس ویژه ای از دوستان و خانواده خود انتظار دارید . چند قدم عقب بگذارید و درباره ناز پروردگی خود کمی پینددیشید . اگر چنین نکنید یک شکست در انتظار شما ست و آن نتیجه خطا و اشتباه خودتان است .

شما پر از انرژی خواهید بود و هر که در سر راه شما قرار گیرد او را کنار خواهید زد . نسبت به کسی که به او عشق می ورزید. دلکش. دراماتیک. کاملاً" گشاده دست و بخشنده خواهید بود . سرگذشت رومانتیک شما ممکن است شما را فریب دهد پس پاهای خود را روی زمین نگاه دارید و اگر میخواهید کاری انجام دهید. قبلاً" مطمئن باشید که آن کار برای شما بهترین است .

بهرتر است به موضوعی که دانش شما نسبت به آن بیشتر است. به دیگران اجازه ندهید بی جهت در کار شما دخالت کنند . شما توانایی حل مشکلات خود را خواهید داشت ولی مشکلات دیگران را تحمل نکنید زیرا اگر چنین کنید حل و فصل آن برای شما بسیار دشوار خواهد بود . پس بهتر است منطقی باشید .



اگر به فکر بازگشت به ایران هستید ما میتوانیم کمک کنیم



اگر بعنوان پناهندگی سیاسی هستید و با بصورت غیرقانونی به کشور آمده اید و یا از اعتبار ویزای شما گذشته است

ما می توانیم هزینه تهیه بلیط شما را پرداخت نماییم ، در زمینه تهیه برگه خروج مشاور شما باشیم و با مراجعه به فرودگاه کمک حالتان باشیم
در همین ارتباط ما می توانیم نیازهای شما در کشور خودتان را فراهم نماییم

0800 783 2332

تلفن رایگان

کلیه خدمات ما
رایگان است



IOM International Organization for Migration
0800 783 2332 - www.iomlondon.org



This programme is co-funded
by the European Refugee Fund

MOZAFARIAN



Three Centuries of Fine Art in Jewellery



جواهرفروشی مظفریان به هموطنان عزیز بخصوص زوجهای جوان زیباترین طرحهای انگشتری و حلقه های نامزدی را با قیمتهایی باور نکردنی و تخفیف ویژه تقدیم میکند

Worldwide reputable and exclusive designers of fine quality Engagement and Wedding jewellery



The Ultimate

The largest collection of engagement and wedding rings made to your exact specification

Mozafarian Jewellers Ltd

Showroom & Head Office 88 Brompton Rd. , Knightsbridge, London SW3 1ER
Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Email: info@mozafarian.com website: www.mozafarian.com



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS